



مرکز تحقیقات اسلامی

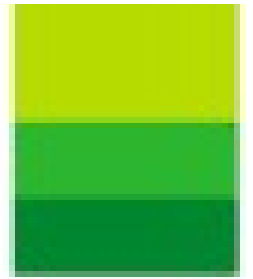
اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



خاکِ بیهوشیت

مہدی صدیقی

خاکِ بیهوشیت

مہدی صدیقی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خاک بهشت: مروری بر تاریخچه و فضیلت و آثار تربت مقدس امام حسین علیه السلام

نویسنده:

مهدی صدری

ناشر چاپی:

الهادی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	خاک بهشت: مروری بر تاریخچه و فضیلت و آثار تربت مقدس امام حسین علیه السلام
۹	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۳	تقدیم
۱۸	احترام به تربت و تبرک به آن
۲۰	رمز بقای تشیع
۲۳	۱- امتیازهای حرم مطهر امام حسین علیه السلام
۲۳	اشاره
۲۳	زیارت و عزاداری ملائکه در کربلا
۲۷	انبیا علیهم السلام و کربلا
۲۹	کربلا زیارتگاه انبیا علیهم السلام
۳۲	پیش آمدهایی برای پیامبران علیهم السلام در سرزمین مقدس کربلا
۳۷	کربلا، محل شهادت و مدفن پیامبران و اوصیا علیهم السلام
۳۸	کربلا، محل استجابت دعا و رفع گرفتاریها
۴۱	۲- فضیلت عبادت و اقامت و مجاورت در کربلا
۴۱	اشاره
۴۳	زیارت کربلا
۴۶	فضیلت تربت امام حسین علیه السلام
۴۶	ابتدای آفرینش تربت
۴۸	برتری زمین کربلا بر همه زمینها حتی کعبه
۵۲	زمین کربلا، قطعه ای از بهشت
۵۴	تربت کربلا، خمیرمایه وطنیت بدن شریف امام حسین علیه السلام
۵۹	تبرک فرشتگان و حوران بهشتی به تربت کربلا

- ۶۰ احترام حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به تربت
- ۶۱ روایت‌های اهل تسنن در این زمینه
- ۶۳ کلام امیرالمؤمنین علیه السلام درباره کربلا
- ۶۵ ۳-استشفای به تربت
- ۶۵ اشاره
- ۶۶ فضیلت استشفای به تربت کربلا
- ۶۹ شرایط تأثیر تربت
- ۷۴ آداب و دعاهای استفاده از تربت
- ۸۰ چند روایت در استشفای به تربت
- ۸۲ ۴-تحصیل امنیت با تربت کربلا
- ۸۶ ۵-گذاشتن تربت کربلا همراه با میت
- ۸۸ ۶-سجده بر تربت
- ۸۸ اشاره
- ۸۸ سجده بر خاک
- ۸۹ سجده بر تربت امام حسین علیه السلام
- ۹۳ مهر تربت
- ۹۵ ۷-فضیلت تسبیح تربت
- ۹۹ ۸-حدّ حرم امام حسین علیه السلام
- ۱۰۳ ۹-مطالبی گوناگون درباره تربت و سرزمین کربلا
- ۱۰۳ اشاره
- ۱۰۳ نام کربلا در قرآن
- ۱۰۵ خرید و فروش تربت
- ۱۰۵ تربت و برکت
- ۱۰۵ عزاداری حیوانات در کربلا
- ۱۰۶ پاکیزگی و صفای خاک کربلا
- ۱۰۶ اشک امام علیه السلام

- ۱۰۷ ----- خریداری زمین کربلا توسط امام حسین علیه السلام
- ۱۰۸ ----- تهیه قبر امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا به دست پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۱۰۸ ----- بوی سیب از قبر امام حسین علیه السلام
- ۱۰۹ ----- تربتی که جبرئیل علیه السلام آورده نزد ائمه علیهم السلام است
- ۱۱۰ ----- وجوب احترام تربت کربلا
- ۱۱۰ ----- نماز مسافر در حرم امام حسین علیه السلام
- ۱۱۱ ----- خراب کردن حرم مطهر
- ۱۱۲ ----- ۱۰- تربت در کتب فقهی
- ۱۱۶ ----- ۱۱- داستانهایی درباره تربت و کربلا
- ۱۱۶ ----- اشاره
- ۱۱۷ ----- ۱. تربت دلیلی بر حقانیت آیین ما
- ۱۱۹ ----- ۲. شفای شریف حجاز و شیعه شدن او
- ۱۲۰ ----- ۳. سزای استهزا به تربت
- ۱۲۲ ----- ۴. اثر بی احترامی به قبر سیدالشهدا علیه السلام
- ۱۲۳ ----- ۵. روش بزرگان در احترام به خاک کربلا
- ۱۲۴ ----- ۶. نتیجه کوتاهی در حفظ و احترام مُهر تربت
- ۱۲۵ ----- ۷. مداوا به تربت و نتیجه استخفاف به آن
- ۱۲۶ ----- ۸. سرمه کشیدن به تربت
- ۱۲۷ ----- ۹. آرام شدن تلاطم دریا به تربت
- ۱۲۹ ----- ۱۰. حفظ آبرو به واسطه تربت
- ۱۳۰ ----- ۱۱. حل مشکل به سبب تربت
- ۱۳۱ ----- ۱۲. تربت خونین
- ۱۳۲ ----- ۱۳. خرید و فروش تربت
- ۱۳۴ ----- ۱۴. مجاورت کربلا
- ۱۳۵ ----- ۱۵. میزبان کریم و مهمان گنهگار
- ۱۳۶ ----- ۱۶. پناه بی پناهان

۱۳۷	۱۷. کربلا محل امن و امان
۱۳۸	۱۸. ارزش دفن در کربلا
۱۳۹	۱۹. به سوی قبله دلها، امام حسین علیه السلام
۱۴۰	۲۰. نجات از گرفتاری ها، بیماری ها و گمراهی ها با تربت
۱۴۲	۲۱. اثر احترام به تربت سیدالشهدا علیه السلام
۱۴۳	دو نکته ضروری
۱۴۵	کتابنامه
۱۵۳	فهرست
۱۶۰	درباره مرکز

خاک بهشت: مروری بر تاریخچه و فضیلت و آثار تربت مقدس امام حسین علیه السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه: صدری، مهدی، 1347 -

عنوان و نام پدیدآور: خاک بهشت: مروری بر تاریخچه و فضیلت و آثار تربت مقدس امام حسین علیه السلام / مهدی صدری.

مشخصات نشر: قم: انتشارات الهادی، 1419ق.= 1377.

مشخصات ظاهری: 143 ص.

شابک: 4000 ریال: 6-019-400-964؛ 4000 ریال: چاپ دوم: 9-057-400-964

یادداشت: ص.ع. لاتینی شده: Mehdi Sadri. Khak - e behesht = Soil of the paradise...

یادداشت: چاپ دوم: 1378.

یادداشت: کتابنامه: ص. [133] - 140.

موضوع: تربت حسینی

رده بندی کنگره: BP263/2/ص4خ2

رده بندی دیویی: 297/7645

شماره کتابشناسی ملی: م 77-18337

ویراستار دیجیتال: محمد منصوری

جبرئیل علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: کربلا- پاکترین مکان روی زمین و حرمتش از همه جا بیشتر است. آن جا قسمتی از سرزمین پهناور بهشت است.

کامل الزیارات: 264

ص: 1

اشاره

به آن که حسین را میوه دل است و نور دیده،
آن که محبت و رضای دوست را به جان خریده،
آن که از روزگار، جز بلا و غم و عطش و تیر ستم ندیده،
او که حسین علیه السلام با دست خویش تیر از گوی نازکش کشیده،
همو که با شهادتش، حقانیت و مظلومیت پدر را به اثبات رسانیده،
و با دستهای کوچکش تار و پود غاصبان خلافت را از هم دریده،
عزیزی که همانند جدّه اش زهرا علیها السلام قبرش مخفی،
و یا با تن به خون طپیده بر سینه مولا خفته.

به دل سوزان و چشمهای تار و لبان تفتیده،
چشمهای کوچکی که غربت و مظلومی پدر را دیده،
و در یاری او از دنیا علاقه را، و از خویشتن بند قنداقه را بریده،
به پیشگاه باعظمت تو، ای شیرخوار سیدالشهدا علیه السلام، ای علی اصغر.

مهدی

ص: 5

حرم اطهر تو قبله گه خوبان است *** تربت پاک تو آرامگه جانان است
مرکز دائره عشق و وفا مدفن توست *** عاشقان را حرمت پایگه ایمان است
منبع عشق و فضیلت تویی ای مخزن جود *** چشم مردان خدا، جمله بر این ایوان است
جای هر بی سر و پایی نبود خانه عشق *** وادی کربلا جای فداکاران است
تربتی را که شد آغشته به خون تو حسین *** ذره اش داروی دردی است که بی درمان است
گر بری دست دعا سوی خدا هست روا *** تحت این قبه که جبریل امین دربان است

ای خاک کربلا تو به از مشک و عنبری *** از هر چه گویمت تو از آن چیز برتری
هر سبحة ای که از تو بسازند دَر بها *** صد پله برتر آمده از مهر و مشتری
ای خاک پاک، در تو شفا را نهاده حق *** داری شرف تو بر دم عیسی ز برتری
هر سجده ای که بر تو نمایند در نماز *** آن سجده بگذرد از ثریا و از ثری
افتاده در تو سروقدان لاله گون عذار *** هر یک به چهره ماه و به قامت صنوبری
هر چند بی سرند ولی در دیار عشق *** بر خیل سروران همه دارند سروری

1 . امتیازهای حرم مطهر امام حسین علیه السلام *** 37 - 15

2 . فضیلت تربت امام حسین علیه السلام *** 56 - 38

3 . استشفای تربت *** 73 - 57

4 . تحصیل امنیت با تربت کربلا *** 77 - 74

5 . گذاشتن تربت همراه با میت *** 79 - 78

6 . سجده بر تربت *** 86 - 80

7 . فضیلت تسبیح تربت *** 90 - 87

8 . حدّ حرم امام حسین علیه السلام *** 94 - 91

9 . مطالبی درباره تربت و کربلا *** 103 - 95

10 . تربت در کتب فقهی *** 107 - 104

11 . داستانهای درباره تربت *** 134 - 108

12 . کتابنامه *** 144 - 135

کربلا، نامی آشنا با جان و دل، که باشنیدنش قلبها به طپش می افتد و دلهای دوستان به سویش پرکشیده و اشکهاشان فرو می ریزد.

کربلا، سرزمینی که از دیر باز مورد نظر خاص پروردگار متعال بوده و محل رفت و آمد ملائکه و جایگاه دائمی گروه خاصی از آنان است.

سرزمین مقدسی که برای بزرگان انبیا علیهم السلام وقایعی رخ داده و محل دفن جمعی از انبیا و اوصیا علیهم السلام است.

در این مکان شریف، همه انبیا و ملائکه برای زیارت و عزاداری و گریستن در مصایب امام حسین علیه السلام گرد یکدیگر آمده و با پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت زهرا علیها السلام و ائمه معصومین علیهم السلام هم نوا و هم ناله می شوند.

نوشتاری که در پیش رو دارید، مطالبی است در جهت آشنایی بیشتر با سرزمین مقدس کربلا و آثار و خواص تربت شریف امام حسین علیه السلام و فضیلت آن، که از اخبار و احادیث جمع آوری شده است. با توجه به کثرت روایات در این زمینه، تنها قسمت مورد نیاز، گلچین و ترجمه شده است.

در این میان، بیش از همه از کتاب شریف کامل الزیارات، تألیف ابوالقاسم جعفر بن محمد قولویه - استاد شیخ مفید - که در قرن چهارم می زیسته، استفاده شده است. وثاقت و جلالت او مورد اتفاق علمای شیعه است و او خود در مقدمه کتاب می گوید: «من تنها روایاتی را که از افراد مورد اطمینان و ثقه باشد، نقل می کنم».

احترام به تربت و تبرک به آن

انسان برای احترام به دوستش گاهی از او چیزی به عنوان یادگار نگهداری کرده و به آن احترام می گذارد. اگر از بزرگی یادگاری نزد شما باشد، به آن افتخار می کنید به این عنوان که منسوب به آن بزرگ است.

آثار گذشتگان و بزرگان همواره ارزشمند تلقی شده و در موزه ها حفظ و نگهداری می شود. اشیای باقی مانده از عزیز از دست رفته را بازماندگان به دیده احترام نگریسته و محترم می شمارند.

آری، این روش تمام خردمندان عالم است.

در تمام ادیان و مذاهب، احترام گذاشتن به مقدسات وجود دارد(1)، کتب آسمانی، محل زندگی، عبادت و یا دفن انبیا علیهم السلام و صالحان و....

ص: 10

1- . به عنوان نمونه می توان احترام مسیحیان به صلیب را یادآور شد که نزد همگان روشن است . ذیلاً به نمونه دیگری در این زمینه اشاره می شود: یکی از اروپاییان که برای سیاحت به کربلا رفته بود، از منشی سفارت در مورد تربتهایی که خرید و فروش می شود، سؤال کرد. او در جواب گفت: این هم مانند چیزی است که بین شما مرسوم است . در اروپا هرکسی به زیارت کلیسای پطرس در شهر ژم برود به عنوان تبرک از سنگریزه های آن می خرد. با تلخیص از تاریخ کربلا: 136، ترجمه آن: 89 .

در بین مسلمانان از صدر اسلام تاکنون نیز مرسوم است که به چیزهایی که جنبه مذهبی دارد به چشم تقدیس و احترام نگریسته و برای آن ارزش خاصی قایل اند، مانند تبرک به قرآن، اشیای متعلق به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از قبیل: زیادی آب وضو و غسل، باقی مانده آب و غذا، چاهی که از آن آب خورده و یا وضو و غسل به جا آورده اند، موهای سر مبارک ایشان، عرق، آب دهان، ناخن، ظرف آب، منبر، سکه هایی که به دست مبارکشان عطا شده است، قبر آن حضرت، عصا، انگشتر، لباس، محلهایی که نماز خوانده و یا تشریف برده اند.

در پاره ای از موارد دستور به تبرک داده اند از قبیل آب زمزم، آب ناودان کعبه، پارچه های کعبه، خاک و غبار و گیاه مدینه، آب فرات، نیم خورده مؤمن، تبرک به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام (1).

اما تبرک و احترام به تربت امام حسین علیه السلام، یکی از اعتقادات راسخ و از مطالب بسیار روشن در مکتب اهل بیت علیهم السلام به شمار می رود. روایتهایی که دلالت بر این مطلب دارد، متواتر و از حد شمارش افزون (2) و مورد قبول همه علمای شیعه است (3).

چرا چنین نباشد، تربت شریفی که:

پیش از آفرینش همه زمینها و خاکها - حتی کعبه - آفریده شده است.

ص: 11

1- رجوع شود به کتاب التبرک اثر احمدی میانجی، مفاهیم یجب أن تُصحَّح: 219 - 239.

2- جواهر الکلام 6 / 99.

3- دروس: 159.

در فضیلت از همه آنها، حتی از کعبه، بالاتر است.

بخشی از بهشت و باغی از باغهای بهشتی است.

طینت بدن امام حسین علیه السلام از همین زمین بوده است.

فرشتگان و حوران بهشتی به آن تبرک می جویند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام به آن احترام گزارده اند.

این خاک، شفای هر درد و امان از هر ترسی است.

سجده بر آن ثواب بیشمار و تسبیح با آن فضیلت بسیار دارد.

رمز بقای تشیع

با توجه به مشکلاتی که پیوسته بر سر راه پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام بوده و هست، بقای آن بس شگفت می نماید. یکی از عللی که می توان آن را از مهمترین و قویترین سببهای باقی ماندن آن شمرد، تعظیم شعایر مذهبی است.

در بین همه شعایر مذهبی، آنچه به سیدالشهدا علیه السلام ارتباط دارد، نقش خاصی را ایفا می کند. اقامه مجالس عزا، به راه انداختن هیئتهای عزاداری، سینه زنی، زنجیر زنی، عَلم بلند کردن، ناله زدن، شیون کردن، اشک ریختن و... همه و همه از اموری است که به راستی مایه عزت و آبروی دین، بقای آیین و افتخار و سربلندی مسلمین است.

زیارت کربلا (و همچنین زیارت قبور سایر ائمه معصومین علیهم السلام) و

تجدید عهد با آن ارواح مقدس، تبرک و استشفای و استشفاع به تربت کربلا از جمله اموری است که یاد آن عزیزان را در دلها زنده نگه

می دارد، و با آنها علاقه باطنی و مهر و محبت قلبی خویش را به اهل بیت علیهم السلام اظهار می داریم، محبتی که خداوند متعال در قرآن بر ما واجب کرده، و آن را اجر رسالت دانسته است(1).

همین ها تعظیم شعایر الهی است و همینها باعث شده که نام مبارك آنها بین ما باقی مانده و سنت و طریقه آنها احیا شود و ما را با روش آنها آشنا کرده است.

مگر نه این است که هر شیعه پاکدلی هنگامی که نگاهش به تربت شریف بیفتد آن را بوسه می زند و بر دیده نهاده، با زبان حال و قال می گوید :

ارج می نهم تربتی را که بر آن اجساد پاک شهیدان راه معبود و سرور و سالارشان افتاده و پیمان می بندم که تا آخرین نفس بر ولا و محبتهم به آنها و بیزاری از دشمنانشان ثابت قدم باشم.

گرامی می دارم تربت تو را ای سرور شهیدان، که به خونت آغشته شد، خونی که «ثار الله» است .

احترام می کنم خاکی را که بر آن غلطیدند یاران و اهل بیت مظلوم و فاتح تو، که درود حق بر آنها باد . آنان که با عمل خویش نشان دادند نماز واقعی آن است که همراه با دفاع از ولایت و حریم امامت باشد، که بدون ولای شما نمازی نیست.

محرم الحرام 1419، بهار 1377 - بازنگری مجدد مرداد 1393

قم، مهدی صدری

ص: 13

1- . اشاره به آیه شریفه : «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» شوری 42 : 23 .

اشاره

پیش از این که مباحث مربوط به تربت شریف را مطرح کنیم، مناسب است به نکات جالب و قابل توجهی درباره خصوصیتها و امتیازهای حرم مطهر نظری بیندازیم.

زیارت و عزاداری ملائکه در کربلا

فرشتگان موجوداتی نورانی هستند که بیشترین افراد مخلوقات را تشکیل می دهند. لذا توجه آنها به يك مكان، و آمد و شد آنها بیانگر اهمیت آن جاست.

کربلا- از دیر باز محل تجمع و رفت و آمد ملائکه بوده است. سالهای سال قبل از شهادت جگر گوشه پیامبر صلی الله علیه و آله با این سرزمین مأنوس بوده اند، هنگام تجهیز در مراسم نماز و به خاک سپردن آن حضرت شرکت نموده و پس از آن نیز مفتخرند که از جانب خدای تعالی به آنها اذن زیارت داده شود. لذا بین حرم آن حضرت و آسمان هفتم محل پایین آمدن و بالا رفتن ملائکه است و بدون هیچ خستگی با حالتی خاص - که حاکی از حزن و اندوه آنها در شهادت امام حسین علیه السلام

است - به زیارت مشرف شده و به گریه و عزاداری مشغول می شوند، و به خصوص در شب و روز جمعه برای ذکر فضائل و مقام و منزلت آن گرامی گرد یکدیگر می آیند. جبرئیل و میکائیل علیهما السلام که دو فرشته مقرب درگاه حق تعالی هستند، هر شب به زیارت کربلا می روند.

گروه ویژه ای از ملائکه برای همیشه در حرم حاضرند و به عزاداری و صلوات بر آن حضرت مشغولند تا با ظهور حضرت بقية الله الاعظم عجل الله فرجه الشريف به آن حضرت ملحق شوند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«بین قبر امام حسین علیه السلام تا آسمان هفتم، محل رفت و آمد فرشتگان است»⁽¹⁾.

و فرمودند: «کربلا محل عروج ملائکه به آسمان است. هیچ ملک مقرب و پیامبر مُرسلی نیست مگر این که از خداوند اجازه می گیرد تا به زیارت امام حسین علیه السلام مشرف شود. پس (همیشه چنین است که) گروهی فرود آمده و گروهی بالا می روند»⁽²⁾.

و نیز فرمودند: «آگاه باشید که هزار سال پیش از دفن جدم امام حسین علیه السلام در کربلا، فرشتگان به زیارت آن جا رفته اند. هیچ شبی نیست مگر این که جبرئیل و میکائیل علیهما السلام به زیارت آن حضرت می روند».

سپس به راوی فرمود: «سعی کن این محل از وجود تو خالی نباشد»⁽³⁾.

ص: 16

1- . کامل الزیارات: 114، بحار 52 / 325 و 101 / 62 .

2- . کامل الزیارات: 112 و 115 و 273، بحار 101 / 60 . و رجوع شود به: مصباح المتعجد: 731 - 732، روضة الواعظین: 411، مزار شیخ مفید قدس سره: 24 و 141.

3- . کامل الزیارات: 269، بحار 101 / 109.

در روایت دیگر از آن حضرت چنین آمده است:

«مگر نمی دانی که خداوند هزار هزار فرشته، پریشان و غبار آلود دارد، که گریه کنان به زیارت امام حسین علیه السلام مشرف می شوند و هیچگاه خسته و سست نمی شوند»(1).

و فرمودند: «خدای متعال از روز شهادت امام حسین علیه السلام هفتاد هزار فرشته رانزد آن حضرت موکل نموده که هر روز بر آن حضرت صلوات می فرستند و طلب رحمت می کنند»(2).

اسحاق بن عمار می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: شب عرفه در کربلا بودم. سه یا چهار هزار نفر - و بنابر روایت دیگری حدود پنجاه هزار نفر - را دیدم با صورتهایی زیبا و بویی خوش که تمام شب مشغول نماز بودند. ولی پس از طلوع فجر سر به سجده نهاده بودم و وقتی سر برداشتم از آنها هیچ خبری نبود.

حضرت فرمودند: «اینان فرشتگانی هستند که تا قیامت کنار قبر حضرتش خواهند بود»(3).

در زیارتی که علامه مجلسی از سید ابن طاووس نقل کرده، چنین آمده است: «سلام بر (آن بزرگواری که)... فرشتگان آسمان براو نماز گزارده و او را به خاک سپردند»(4).

ص: 17

-
- 1- . کامل الزیارات: 287، البلدالأمین: 275، جامع الأخبار: 27، مصباح شیخ کفعمی قدس سره: 490، بحار 101/366.
 - 2- . کامل الزیارات: 84، بحار 45 / 222 و 101 / 54 .
 - 3- . کامل الزیارات: 115، بحار 45 / 226 و 407 و 101 / 61 .
 - 4- . بحار 102 / 192 به نقل از مصباح الزائر.

در زیارت دیگری که شیخ طوسی روایت کرده، خطاب به شهدای کربلا چنین آمده است: «فرشتگان برای شما گریه کرده و شما را در میان گرفتند و در لشکرگاه شما مسکن گزیده و مکان شهادت شما را محل اقامت دائمی خویش قرار دادند. به شما احترام کرده و بالهای خویش را بر شما گسترانیدند، و تا قیامت از شما جدا نخواهند شد»⁽¹⁾.

در روایتهای زیادی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

«چهار هزار فرشته گرد آلود و پریشان حال نزد قبر امام حسین علیه السلام هستند که تا قیامت برای حضرت می گریند»⁽²⁾.

خطیب خوارزمی از علمای بزرگ اهل تسنن نقل می کند: وقتی کعبُ الأحبار⁽³⁾ از شهادت امام حسین علیه السلام پیشگویی می کرد قسم یاد نمود که: «گروهی از فرشتگان آسمان تا آخر روزگار بر او خواهند گریست». سپس گفت: «هیچ پیامبری نبوده، مگر این که کربلا را زیارت کرده و بر امام حسین علیه السلام گریسته است. هر روز فرشتگان به زیارت ایشان آمده و سلام می دهند».

ص: 18

1- . مصباح المتعجب: 724، بحار 101 / 202.

2- . روایات متضمن این معنا بسیار زیاد بود و نگارنده به بیش از پنجاه مورد در مصادر اولیه برخورد کرد، لذا از ذکر همه مصادر صرف نظر شد، برای نمونه رجوع شود به: کامل الزیارات: 83 - 86 و 189 - 193، بحار 45 / 220 - 226 و 101 / 40 - 55.

3- . «کعب الأحبار» از دانشمندان اهل کتاب است که در زمان عمر اظهار اسلام کرد. بنا بر نقل محدث قمی از ابن ابی الحدید، او از مخالفان امیرالمؤمنین علیه السلام به شمار می رفت. او ادعا می کرد که بیش از هفتاد کتاب آسمانی را خوانده است. بعضی از فضایل اهل بیت علیهم السلام که در کتب آسمانی خوانده بود، گاهی بر زبانش جاری می شد و پیشگویی هایی را از آن کتب برای مردم نقل می کرد که نمونه اش روایت فوق است.

«در شب و روز جمعه، هفتاد هزار فرشته برای زیارت و گریه نازل می شوند و فضایل و مقام و منزلت او را یادآور می شوند».

راوی می گوید: مطالب کعب را گفتم، به سلمان فارسی عرض کردم.

فرمود: آری، کعب راست می گوید(1).

و باز او نقل کرده است که: «اطراف قبر امام حسین علیه السلام هفتاد هزار

فرشته غبار آلود و پریشان احوال تا قیامت گریه می کنند»(2).

انبیا علیهم السلام و کربلا

یکی از نکاتی که باعث امتیاز برخی از مکانها شده وقایعی است که آن جا اتفاق افتاده، و اهمیت هر واقعه ای بستگی به افرادی دارد که در وقوع آن دخالت داشته اند.

بدون شك پیامبران الهی و جانشینان آنها برگزیده از میان همه انسانها و برتر از آنها می باشند و در نتیجه حوادث مربوط به آنها از اهمیت خاصی برخوردار است.

همه انبیا و رسولان علیهم السلام قدم در سرزمین مقدس کربلا نهاده اند. برای برخی از آنان در آن جا پیش آمدهایی واقع شده و در پاره ای از موارد، شهادت سالار شهیدان علیه السلام نیز به آنها گزارش شده است.

حضرت آدم علیه السلام موقع عبور از کربلا به زمین خورده و خون از پای او جاری شده است.

ص: 19

1- . مقتل خوارزمی 2 / 169 - 171 فصل چهاردهم . برای اطلاع از شرح حال خطیب خوارزمی مراجعه شود به الغدیر 4 / 397.

2- . مقتل خوارزمی 2 / 169 .

کشتی حضرت نوح علیه السلام در آن جا به طرف زمین کشیده شده به نحوی که نزدیک بوده غرق شود، و سرانجام همان جا نجات پیدا کرده و باز همان جا خدای تعالی با حضرت نوح علیه السلام نجوا کرده است.

حضرت ابراهیم علیه السلام موقع گذشتن از کربلا از مرکب به زمین افتاده و سر مبارك ایشان شکسته است.

چوپان حضرت اسماعیل علیه السلام به ایشان خیر داده که گوسفندان مدتی است آب فرات را نمی آشامند. گوسفندان به اعجاز به سخن درآمده و قضیه شهادت امام حسین علیه السلام را با لب تشنه بازگو کرده اند.

وادی طور که خدای تعالی به حضرت موسی علیه السلام فرماید: «نعلین خویش بدر آر که در وادی مقدس طوی هستی» آن جاست و در آن جا خداوند با آن حضرت تکلم کرده است. هنگامی که آن بزرگوار با وصی خویش از کربلا عبور می کردند بند کفش حضرت پاره و خار به پای مبارك ایشان رفته و خون جاری شده است.

حضرت عیسی علیه السلام با حواریون در آن جا مجلس عزایی تشکیل داده و با آهوان صحرا در عزای عزیز فاطمه علیها السلام اشک فشانی کرده اند آن حضرت هنگام غائب شدن نیز از آن جا به طرف آسمان بالا رفته است.

حضرت سلیمان علیه السلام بر قالیچه مخصوص نشسته و در آسمان سیر می کرد. همین که به کربلا رسید باد سه مرتبه به شدت آن را به دور خود چرخانیده به حدی که خوف سقوط داشته است. پس از آن در کربلا فرود آمده و از قضیه عاشورا با اطلاع شده است.

گروهی از پیامبران و فرزندان و جانشینان آنها در آن جا به شهادت رسیده و همان جا آنان را به خاک سپرده اند. پیامبران و فرشتگان در آن جا بر پیکر مطهر امام حسین علیه السلام نماز گزارده اند. الان نیز آنها از خداوند در خواست می کنند که به آنها اذن زیارت داده شود و همیشه در حال نزول و صعود می باشند. بخصوص شبهای جمعه انبیا و اوصیا علیهم السلام، حضرت رسول صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام همگی به زیارت آن حضرت می روند.

کربلا زیارتگاه انبیا علیهم السلام

امام صادق علیه السلام فرمود: «هیچ پیامبری در آسمانها نیست جز آن که از خدای عزوجل در خواست می کند که به او اجازه داده شود تا به زیارت قبر امام حسین علیه السلام رود. پس فوجی از پیامبران علیهم السلام فرود آمده و جمع دیگری به سمت بالا برمی گردند»(1).

و فرمود: «در هر شب جمعه، فرشتگان و پیامبران و اوصیا علیهم السلام و بهترین انبیا حضرت محمد صلی الله علیه و آله، و برترین اوصیا که ما هستیم، به زیارت امام حسین علیه السلام می رویم»(2).

امام سجاد و امام صادق علیهما السلام فرمودند: «هرکس دوست دارد صد و بیست و چهار هزار پیامبر علیهم السلام با او مصافحه کنند، در نیمه شعبان به زیارت قبر امام حسین علیه السلام برود، زیرا ارواح پیامبران علیهم السلام پس از رخصت از خداوند متعال به زیارت آن بزرگوار مشرف می شوند. در میان آنان

ص: 21

1- . کامل الزیارات: 111، بحار 101 / 59 .

2- . کامل الزیارات: 113، بحار 101 / 60 .

پیامبران اولوالعزم: حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت موسی، حضرت عیسی علیهم السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله نیز هستند»(1).

کعب الأخبار از حضرت عیسی علیه السلام نقل کرده که: «هیچ پیامبری نبوده مگر آن که به زیارت کربلا رفته و در آن جا ایستاده و فرموده: تو زمین پر خیر و برکتی هستی، که در تو ماه تابان به خاک سپرده خواهد شد»(2).

خطیب خوارزمی از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می کند که فرمودند: «حضرت موسی علیه السلام برای زیارت قبر امام حسین علیه السلام از خداوند اجازه می گیرد و با هفتاد هزار فرشته به زیارت آن حضرت می رود»(3).

حسین - نوه دختری ابوحمزه ثمالی - می گوید: در اواخر حکومت بنی مروان مخفیانه به قصد زیارت امام حسین علیه السلام به راه افتادم. هنگامی که به کربلا رسیدم پنهان شدم تا شب از نیمه گذشت. سپس به طرف قبر مطهر رفتم و دیدم مردی به سوی من آمد و گفت: «خدا پاداشت دهد، برگرد که نمی توانی به زیارت مشرف شوی». من با ترس برگشتم و نزدیک طلوع فجر دوباره به طرف قبر مطهر رفتم. باز همان شخص آمد و گفت: «تو نمی توانی به زیارت بروی». گفتم: خدایت به سلامت بدارد، چرا نتوانم؟ من از کوفه به قصد زیارت آمده ام، مرا از زیارت محروم مکن، می ترسم اگر تا صبح این جا بمانم شامیان مرا دستگیر کرده و به قتل برسانند.

ص: 22

1- . کامل الزیارات: 180، بحار 11 / 32 و 58 و 101 / 93.

2- . کامل الزیارات: 67، بحار 44 / 301.

3- . مقتل خوارزمی 2 / 169 (فصل چهاردهم).

او در جواب گفت: «کمی صبر کن. حضرت موسی بن عمران علیه السلام از خدای تعالی اجازه گرفته که به زیارت امام حسین علیه السلام مشرف شود، ایشان با هفتاد هزار از فرشتگان به زمین فرود آمده و از اول شب تا حال به زیارت آن حضرت مشغولند و منتظر طلوع فجر هستند، و پس از آن باز به آسمان عروج خواهند کرد».

گفتم: تو کیستی؟ گفت: «من از فرشتگانی هستم که مأمور حفظ و حراست حرم امام حسین علیه السلام هستیم و از خداوند برای زائرین آن حضرت درخواست آمرزش می نمایم».

حسین گوید: از شنیدن این سخنان چنان متحیر شدم که نزدیک بود عقل خود را از دست بدهم، و بالاخره پس از طلوع فجر به زیارت آن حضرت مشرف شده و از ترس شامیان به سرعت برگشتم (1).

مرحوم علامه مجلسی در ضمن روایتی از سلیمان اعمش نقل می کند که گوید: همسایه ای داشتم از اهل تسنن که زیارت امام حسین علیه السلام را بدعت و گمراهی می دانست و زائران آن حضرت را اهل جهنم می شمرد. در شب جمعه ای رؤیای صادقه ای دید و موجب توبه و بازگشت او شد. او در رؤیا دید که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین، امام حسن، حضرت زهرا و حضرت خدیجه علیهم السلام به زیارت آن حضرت آمده اند و امان نامه هایی از آسمان پخش می شد که «هرکس شب جمعه به زیارت امام حسین علیه السلام موفق شود، از آتش جهنم در امان خواهد بود» (2).

ص: 23

1- . کامل الزیارات: 111 - 112، بحار 101 / 59 .

2- . بحار الانوار 45 / 401، عوالم 17 / 715، النجم الثاقب: 324 - 325.

شایان ذکر است که بنابر نقل حاج علی بغدادی، امام زمان علیه السلام حکم به صحت این روایت کرده اند(1).

پیش آمدهایی برای پیامبران علیهم السلام در سرزمین مقدس کربلا

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «آن سرزمینی است که انبیا و اوصیا علیهم السلام در آن جا با یکدیگر ملاقات کرده اند(2). آن سرزمین را عمورا خوانند، و توای حسین عزیزم، در آن جا به شهادت خواهی رسید»(3).

در ضمن روایتی آمده است: حضرت آدم علیه السلام هنگام گذشتن از کربلا غمناک و محزون شد و به زمین خورد و خون از پای مبارکش جاری گردید. از مصدر وحی بر او خطاب شد:

«وقوع این حادثه به خاطر موافقت با خونی است که از امام حسین علیه السلام در این سرزمین ریخته می شود».

هنگامی که کشتی حضرت نوح علیه السلام از کربلا می گذشت، زمین آن را گرفته (و به شدت به طرف خود جذب کرد) به طوری که نزدیک بود غرق شود، و خوف و وحشت سرنشینان کشتی را فرا گرفت. بر حضرت نوح وحی آمد که «این جا محل شهادت امام حسین علیه السلام است».

هنگام عبور حضرت ابراهیم علیه السلام از کربلا، مرکب آن حضرت لغزیده

ص: 24

1- . مفاتیح الجنان ، حکایت تشرف حاج علی بغدادی 486 ، النجم الثاقب: 317 ، حکایت 31 ، محدث نوری فرموده : «اگر نبود در این کتاب شریف مگر این حکایت متقنه صحیحه که در آن فوائد بسیار است و در این نزدیکیها واقع شده، هر آینه کافی بود در شرافت و نفاست آن».

2- . «در آن قرار داده شده اند» نسخه بدل.

3- . خرائج: 848 ، بحار 80 / 45 و 61 / 53 .

بر زمین افتاد و سر مبارکش شکست و خون جاری شد. بر او نیز وحی آمد که «برای همراهی با خونی که از امام حسین علیه السلام در این جا ریخته می شود، این قضیه برای شما پیش آمد».

حضرت اسماعیل علیه السلام هنگامی که گوسفندان خویش را برای چرا فرستاده بود، چوپان به ایشان خبر داد که گوسفندان مدتی است از آب فرات نمی آشامند. سپس به اعجاز، گوسفندان به زبان فصیح عرض کردند: «فرزندت حسین علیه السلام با لب تشنه در این جا کشته می شود و ما چون از این قضیه محزون هستیم از نوشیدن آب صرف نظر نموده ایم».

حضرت موسی با وصی خویش یوشع علیهما السلام از کربلا می گذشتند، بند کفش آن حضرت پاره شده و خار در پای مبارکش رفته و خون جاری شد، و سپس بر ایشان نیز خطاب آمد که: «این جا امام حسین علیه السلام به شهادت می رسد و به جهت همراهی با خون او بایت خون افتاد».

حضرت سلیمان علیه السلام موقعی که بر فرش مخصوص (که نزد ما به قالیچه سلیمان معروف است) نشسته بود و باد آن را به حرکت در می آورد، به کربلا رسید. در آن جا باد سه مرتبه به شدت آن فرش را به دور خود چرخانید و نزدیک بود سقوط کند. سپس آرام شده و در کربلا فرود آمد و خبر شهادت امام حسین علیه السلام را در آن سرزمین به آن حضرت اعلام کردند(1).

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «هنگامی که حضرت عیسی علیه السلام با حواریون از کربلا می گذشتند، آهوانی دیدند که اجتماع کرده و گریه می کنند».

ص: 25

آنها هم نشسته و گریه سردادند. هنگامی که علت آن را از حضرت عیسی علیه السلام سؤال کردند، در جواب فرمود:

«در این سرزمین میوه دل پیامبر حضرت احمد صلی الله علیه و آله، فرزند حضرت طاهره بتول علیها السلام که شبیه مادر من است، کشته خواهد شد. در این جا طینتی به خاک سپرده می شود از مشک خوشبوتر، چون طینت زاده پیامبر است که به شهادت می رسد». سپس فرمود: «این آهوان می گویند: ما به اشتیاق تربت مبارک سیدالشهدا علیه السلام در این جا به چرا آمده ایم و هرگاه در این سرزمین باشیم در امن و امانیم»(1).

جالب توجه است که شیخ صدوق از علمای قرن چهارم و قطب راوندی از علمای قرن ششم و سید علی نبلی نجفی از علمای قرن هشتم می فرمایند: «جای تعجب است که مخالفان ما این روایت را در ضمن احادیثی از مشایخ خویش در تألیفاتشان آورده اند»(2).

امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش از امیرالمؤمنین علیهم السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: «فرزندم (حسین علیه السلام) در زمینی که نامش کربلاست به خاک سپرده می شود. آن جاست بقعه ای که قبه الاسلام در آن واقع شده است. در آن سرزمین خداوند کسانی را که به حضرت نوح علیه السلام ایمان آوردند، به هنگام طوفان نجات داد»(3).

ص: 26

1- . کمال الدین: 532 - 535، امالی شیخ صدوق قدس سره: 597، خرائج: 1144 - 1147، بحار 44/253، عوالم 17 / 145.

2- . کمال الدین: 531، خرائج: 1143، منتخب الأنوار المصنیه: 91.

3- . کامل الزیارات: 269، بحار 101 / 109.

از روایتهای متعدد استفاده می شود که طور سینا، که خدای عزوجل خطاب به حضرت موسی علیه السلام می فرماید: «نعلین خویش از پای به در آر که در وادی مقدس طوی هستی(1)»، همان سرزمین کربلاست(2)، چنان که امام باقر علیه السلام می فرماید: «غاضریه (یکی از نامهای زمین کربلا) همان بقعه ای است که خداوند در آن با حضرت موسی بن عمران علیه السلام صحبت کرد و با نوح علیه السلام در آن جا نجوا کرد»(3).

بنابر برخی از روایات، تپه ای که حضرت عیسی و مریم علیهما السلام به آن پناه بردند و در قرآن مجید به آن اشاره شده است که: «وَ أَوْنَاهُمَا إِلَى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَ مَعِينٍ»(4) همان کربلای معلّ است(5).

امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند، کربلا را پناهگاه و محل اقامت و آمد و شد فرشتگان و مؤمنان قرار خواهد داد و برای آن مقامی بس بلند و رفیع خواهد بود و برکاتی بر آن نازل خواهد گشت، تا جایی که اگر مؤمنی آن جا ایستاده و دعا کند خدای عزوجل در برابر یک دعای او هزار برابر دنیا (از حوایج دنیوی و اخروی) به او عطا خواهد کرد».

سپس حضرت آهی کشید و فرمود: «ای مفضل، هنگامی که زمینها به یکدیگر فخر فروشی و تکبر می کردند، زمین کعبه بر کربلا

ص: 27

-
- 1- . سوره طه 20: آیه 12.
 - 2- . دلائل الامامة: 73، مزار شیخ مفید قدس سره: 15، کامل الزیارات: 48، مختصرالبصائر: 186، بحار 13 / 25 و 49 و 53 / 12.
 - 3- . کامل الزیارات: 269، بحار 101 / 108.
 - 4- . سوره مؤمنون 23: آیه 50.
 - 5- . دلائل الامامة: 73، تفسیر قمی 2 / 91.

فخر فروشی کرد. خداوند به او خطاب کرد: ای کعبه بیت الحرام، آرام باش و بر کربلا فخر مکن». سپس حضرت علت آن را این گونه بیان فرمود:

«چون کربلا مکان مبارکی است که در آن جا از درخت بر حضرت موسی علیه السلام ندا رسید، و آن جاست زمین بلند و تپه ای که حضرت مریم و حضرت مسیح علیهما السلام به آن پناه بردند.... و در آن جا حضرت مریم، حضرت عیسی علیهما السلام را (پس از ولادت) شستشو داد و خودش نیز همان جا غسل کرد. و حضرت عیسی هنگامی که می خواست غایب شود از آن جا که بهترین مکانها بود به آسمان عروج نمود(1). برای شیعیان ما در آن جا خیر و نیکی بسیار است، تا زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام»(2).

به نظر بعضی از بزرگان، نینوایی که محل بعثت حضرت یونس علیه السلام بوده نیز، سرزمین مقدس کربلاست(3).

عالم جلیل القدر شیخ جعفر شوشتری نقل می کند: «در سرزمین مقدس کربلا، همه انبیا علیهم السلام و فرشتگان بر جسد مبارک امام حسین علیه السلام نماز گزارده اند»(4).

ص: 28

1- . جمله اخیر طبق بعضی منابع مانند نسخه بحار چنین است: «و بهترین مکانی است که پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام غائب شدن از آن جا به معراج رفتند».

2- . بحار 12 / 53، حلیة الابرار 2 / 661 - 662، نوائب الدهور 3 / 125 - 126 در کتاب اخیر صفحه 95 - 96 مصادر متعددی از کتب قدما و متأخران برای این روایت ذکر کرده است .

3- . کبریت الاحمر: 475 - 476، معالی السبطين: 178.

4- . خصائص الحسينیه علیه السلام: 58، و رجوع شود به: کامل الزیارات: 264 - 265، بحار 28 / 59.

کربلا، محل شهادت و مدفن پیامبران و اوصیا علیهم السلام

امام باقر علیه السلام فرمود: «کربلا گرامیترین زمینها نزد خداوند است وگرنه خدای متعال انبیا و اولیای خودش را در آن جای نمی داد. پس قبور ما را در آن جا زیارت کنید»(1).

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«در این زمین، دویست پیامبر و دویست وصی پیامبر و دویست نفر از فرزندان پیامبران به شهادت رسیده اند»(2).

امام صادق علیه السلام فرمود: «به زیارت کربلا بروید و از آن جا جدا نشوید، چون بهترین فرزندان انبیا علیهم السلام در آن جا مدفون اند»(3).

مسیب فزاری - که از بزرگان تابعین و از زهاد به شمار می رود - می گوید: به استقبال جناب سلمان فارسی رفته بودیم. هنگامی که به کربلا رسید گفت: نام این زمین نزد شما چیست؟ مردم گفتند: کربلا.

گفت: این جا محل شهادت برادران من است. آری این جا محل بارانداختن آنها، و جای پیاده شدن آنها و زمینی است که خون آنها بر آن ریخته خواهد شد.

در این سرزمین، بهترین پیشینیان کشته شده و بهترین آیندگان نیز همین جا به شهادت خواهد رسید(4).

ص: 29

1- . کامل الزیارات: 269، بحار 101 / 108.

2- . کامل الزیارات: 270، کشف الغمه: 2 / 8، خرائج: 183، بحار 101 / 116.

3- . کامل الزیارات: 269، بحار 101 / 109.

4- . اختیار معرفة الرجال معروف به رجال کشی 1 / 73 - 74.

میرداماد در تعلیقه اش بر رجال کشی می نویسد: «گویا مراد جناب سلمان از خیر الأولین، هابیل (فرزند حضرت آدم علیه السلام) باشد» (1).

کربلا، محل استجابت دعا و رفع گرفتاریها

بشر همیشه طالب سعادت و خوشبختی، عمر طولانی، روزی وسیع و زندگی بهتر است، و از گرفتاریها، کمبودها، بیماریها و مشکلات رنج می برد. خدای تعالی برای این که انسانها به اهداف مادی و معنوی خود نائل شوند روشهایی را به آنها آموخته است که دعا، توسل و زیارت از مهمترین آن روشها به شمار می رود.

خداوند دوست دارد بندگان خواسته ها و حاجات خود را بر او عرضه کنند و به واسطه های فیض متوسل گردند، تا جایی که به پیامبران نیز همین مطلب را توصیه نموده و روش همه آنها بر این بوده که هنگام درخواست حاجات از خدای تعالی به حضرت رسول صلی الله علیه و آله و اهل بیت آن بزرگوار علیهم السلام توسل بجویند.

بدون شك نزول رحمت الهی، اعتنا و توجه خداوند به بندگان و استجابت دعا بستگی به زمانها و مکانهای خاص دارد. سیره عملی اهل بیت علیهم السلام و سفارش اکید آنها بر عبادت و دعا و نیایش کنار قبر مطهر حضرت سیدالشهدا علیه السلام بوده است، تا جایی که برای بهبودی و رفع کسالت خویش کسی را به کربلا می فرستاده اند تا آن جا برایشان دعا کند. زیارت آن گرامی را از اسباب توسعه رزق، طولانی شدن عمر،

ص: 30

بهبودی از امراض و بر طرف شدن گرفتاریها معرفی کرده اند.

از جمله پادشاهای الهی در عوض شهادت امام حسین علیه السلام این است که دعای کنار تربت آن عزیز مقرون به اجابت است. امام باقر علیه السلام فرمود:

«امام حسین علیه السلام در حالی که مظلوم و محزون بود، با لب تشنه و دلی پر حسرت در کربلا به شهادت رسید. پس خدای عزوجل بر خویش قسم یاد کرد که هرکس حسرت و حزنی داشته باشد، یا گنهکار یا غمناک یا عطشان باشد و یا دارای آفت و مرضی باشد و به زیارت آن حضرت مشرف شده و به واسطه آن بزرگوار به درگاه خداوند تقرب بجوید، خداوند غم و اندوه او را برطرف و حاجتش را روا کند، گناهایش را ببخشد و عمر او را طولانی کند و رزق و روزی او را وسعت دهد. پس ای صاحبان بصیرت، عبرت بگیرید»⁽¹⁾.

امام صادق علیه السلام فرمود: «هیچ غمناک و محزونی به زیارت کربلا- نرود، مگر این که خدا حزن او را برطرف و حاجتش را روا سازد»⁽²⁾.

امام باقر و امام صادق علیهما السلام هر دو فرموده اند:

«یکی از عطیه های خداوند متعال به امام حسین علیه السلام در قبال شهادت آن بزرگوار آن بود که قبر حضرت را محل استجابت دعا قرار داد»⁽³⁾.

ص: 31

1- . کامل الزیارات: 168، بحار 101 / 46.

2- . کامل الزیارات: 167 - 168، بحار 100 / 261 و 101 / 45.

3- . وسائل الشیعه 10/329، بحار 44/221 برخی از مصادر آن در بحث استشفای به تربت خواهد آمد .

در روایتهای متعدد آمده است: امام هادی علیه السلام بیمار شده بود و می فرمود: «کسی را از جانب من ، با خرج خودم به کربلا بفرستید تا آن جا برایم دعا کند» . خدمت حضرت عرض شد: مقام و منزلت شما نزد خدای متعال کمتر از حرم امام حسین علیه السلام نیست. در جواب فرمود:

«إِنَّ لِلَّهِ بِقَاعًا يُحِبُّ أَنْ يُدْعَى فِيهَا، فَيَسْتَجِيبُ لِمَنْ دَعَاهُ، وَالْحَائِرُ مِنْهَا»⁽¹⁾. یعنی : خدای متعال را مکانهایی است که دوست دارد در آن جا او را بخوانند و او اجابت کند و حرم امام حسین علیه السلام از جمله آنهاست.

نظیر همین قضیه برای امام صادق علیه السلام نیز اتفاق افتاده و حضرت نیز همین جواب را بیان فرموده اند⁽²⁾.

در زیارت ناحیه مقدسه آمده است: «السَّلَامُ عَلَيَّ مِنَ الْإِجَابَةِ تَحْتَ قُبَّتِي»⁽³⁾. یعنی: سلام بر آن عزیزی که خداوند دعای بندگان را زیر بارگاه او اجابت می کند.

علی بن اسباط از اصحاب امام رضا و امام جواد علیهما السلام، می گوید: «جمعی از شیعیان نقل کرده اند: هنگامی که خبر شهادت امام حسین علیه السلام در شهرهای مختلف منتشر شد، صد هزار زن نازا برای زیارت حضرتش به کربلا آمدند و همه آنها بیچه دار شدند»⁽⁴⁾.

ص: 32

1- . کافی 4 / 567، کامل الزیارات: 273 - 274، وسائل 10 / 422، بحار 50 / 224 و 101 / 112 - 114.

2- . عدّة الداعی: 48، وسائل 10 / 421.

3- . بحار 101 / 318

4- . الاصول الستة عشر: 123 ، بحار 45 / 200 و 101 / 75 به نقل از نوادر علی بن اسباط، عوالم 17 / 718. و خصائص الحسينیه: 196. از زمان شهادت امام حسین علیه السلام تا هنگامی که علی بن اسباط این مطلب را نقل می کند حدود 150 سال فاصله است و هیچ بُعدی ندارد که در طول این مدت این تعداد کثیر از بلاد مختلف برای گرفتن حاجت خویش و بیچه دار شدن به کربلا آمده باشند. شایان ذکر است که علی بن اسباط که راوی این مطلب است، کاملاً مورد اطمینان و ثقّه است. نجاشی درباره او گوید: «أوثق الناس و أصدقهم لهجة»، یعنی: او موثقترین و مورد اطمینانترین مردم و از همه راستگوتر بوده است. نقد الرجال: 227، تنقیح المقال 2 / 268.

خدای تبارک و تعالی در رابطه با اعمال بندگان یکسان بر خورد نمی کند. عقاب تبهکاران مطابق با میزان عدل اوست، ولی در پاداش نیکوکاران با فضل خویش رفتار می کند، و در مقابل يك کار نيك ده برابر و گاهی بیشتر تا هفتصد برابر ثواب می دهد. برای نماز و عبادت در زمانها و مکانهای خاصی مانند شب و روز جمعه، ماه مبارك رمضان، لیالی قدر، مساجد، مسجد الحرام، مسجد النبی صلی الله علیه و آله، مسجد کوفه و امثال آن ثوابهای بیشمار قرار داده است، تا جایی که گاهی عقل بشر در برابر آن حیران می شود.

کربلا- از جاهایی است که عبادت و نیایش در آن نزد خداوند مطلوب است، نماز در آن جا با حج و عمره برابر است و اقامت و سکنی گزیدن در آن جا نیز مورد عنایت الهی است.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«نماز واجب کنار قبر امام حسین علیه السلام برابر با حج، و نماز مستحب برابر با عمره است»⁽¹⁾.

ص: 33

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر زائر سیدالشهدا علیه السلام می دانست چه پاداشی نزد خدا دارد، آرزو می کرد که خانه اش - تا آخر عمر - کربلا بود(1).

امام باقر علیه السلام به شخصی که فاصله محل سکونتش تا کربلا يك روز و اندی بود، فرمودند: «اگر ما به این اندازه به قبر آن حضرت نزدیک بودیم، به کربلا هجرت می کردیم»(2).

امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که از زیارت آن حضرت برمی گردی منادی ندایی می دهد و با تو سخنی می گوید که اگر کلام او را می شنیدی اقامت نزد قبر آن حضرت را اختیار می کردی (و هرگز بر نمی گشتی)»(3).

و فرمود: «هر روز اقامت نزد قبر سیدالشهدا علیه السلام ثواب هزار ماه (عبادت) دارد و يك درهم خرج کردن در راه زیارتش یا هنگام اقامت در کربلا، ثواب هزار - و بنا بر نقلی ده هزار - درهم خرج کردن در راه خدا را دارد»(4).

ص: 34

- 1- . کامل الزیارات: 297 ، بحار 101 / 15 . محتمل است عبارت «یتمنی أن قبره کان بیده» یا «یتمنی أن قبره کان عنده» در روایت معاویه بن وهب نیز به همین معنا باشد. رجوع شود به کامل الزیارات: 116 - 117 ، بحار 101 / 9 - 8 .
- 2- . مزار شیخ مفید قدس سره : 226، تهذیب 6 / 46، بحار الانوار 101 / 115.
- 3- . کامل الزیارات: 207، مستدرک الوسائل 10 / 248
- 4- . کامل الزیارات: 123، 127، 337 ، بحار 101 / 114. از امام صادق علیه السلام نقل شده که در ضمن روایتی فرمودند: «وَأَنْصَرِفُ عَنْهُ وَلَا تَتَّخِذْهُ وَطَنًا، یعنی: پس از زیارت برگرد، آن جا را وطن خویش قرار مده). (کافی 4/587، کامل الزیارات 131، تهذیب 6/76). علامه مجلسی قدس سره در جمع بین این روایت با سایر روایات فرموده: شاید مراد آن باشد که در حال تقیه و خوف مجاورت آن جا را اختیار نکنید یا نهی از توقف و سکنی گزیدن کنار قبر مطهر باشد نه اطراف و حوالی آن. (بحار 101/115). و بعضی دیگر احتمال داده اند استحباب مجاورت مختص به اهل تقوی و عبادت و ... باشد نه کسانی که رعایت حرمت آن سرزمین مقدس را نمی کنند. (مرآة الکمال 3/259 - 260).

زیارت امامان معصوم علیهم السلام از اموری است که در شرع مقدس بر آن بسیار تأکید شده است. از کلمات دُرر بار خاندان وحی استفاده می شود که زیارت اعلام وفاداری به پیمان با اهل بیت علیهم السلام است، و از اسباب آمرزش و مغفرت است و شفاعت را شامل حال زائر می نماید. در قیامت نیز پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله از او دستگیری کرده و او را نجات می دهند و پاداش زیارت او بهشت است.

روایتهای بسیاری در خواص و آثار زیارت حرم امام حسین علیه السلام وارد شده است که بحث درباره آن نیاز به تألیف مستقلی دارد. ما از باب نمونه به چکیده ای از فضیلتهای بیشمار آن اشاره می کنیم.

امامان معصوم علیهم السلام تأکید بسیار بر زیارت آن حضرت داشته، آن را «واجب» و «فریضه» و از «حقوق» آن گرامی شمرده اند.

تکرار و نایب گرفتن در آن نیز مطلوب است. با فضیلت ترین و محبوبترین اعمال نزد خداست و بر حج و عمره مستحبی ترجیح دارد.

اگر مردم ارزش آن را می دانستند از شدت شوق جان می سپردند، و بنابر روایتی: دارائی خویش را فروخته و به زیارت او می شتافتند!

خدای تعالی در آخر روز عرفه، پیش از توجه به کسانی که در صحرای عرفات هستند، به زوار امام حسین علیه السلام نظر دارد.

زائر آن حضرت، مشمول دعای خیر اهل آسمان، حضرت رسول صلی الله علیه و آله، حضرت زهرا علیها السلام، همه ائمه معصومین علیهم السلام و فرشتگان بوده و امام حسین علیه السلام که در جانب راست عرش الهی است بر او نظر می کند.

هفتاد هزار فرشته در حرم مطهر عبادت می کنند و ثواب آن در نامه عمل زوّار نوشته می شود.

فرشتگان، خدمتگزار آنها بوده و دست بر صورت آنها می کشند.

در مقابل هر زیارت ثواب حجّ ها و عمره های بسیار به او داده شود. گناهان او حتی گناهان پنجاه ساله او بخشوده می گردد.

رزق و روزی به سوی او جلب شده، امور دنیوی اش کفایت و عمرش طولانی و در زندگی خوشبخت خواهد گردید.

زیارت علامت محبت زائر به ائمه علیهم السلام است که به آن شناخته می شود. هنگامی که به قصد زیارت از خانه اش بیرون رود، اگر پیاده باشد به هر قدمی حسنه ای برایش نوشته شده و یکی از گناهانش محو می گردد.

فرشتگان از ابتدای سفر تا هنگام بازگشت با او هستند. هنگامی که می خواهد از کربلا برگردد، یکی از فرشتگان از جانب خداوند متعال به او سلام رسانده و می گوید: «عمل خویش را از سر گیر که گناهان گذشته ات همه بخشوده شد».

چنانچه زائر به سلامت برگردد، آن فرشتگان تا هنگام وفات بر در خانه اش اقامت گزیده، به ذکر خدا مشغول و ثوابش را به او دهند .

و بنابر روایتی: «هر روز به زیارت امام حسین علیه السلام مشرف می شوند و ثوابش را به آن زائر می دهند».

آن فرشتگان هنگام وفات زائر بر جنازه اش حاضر شده و در تغسیل و تکفین و نماز او شرکت کنند ، سپس منادی از جانب خداوند به آن

فرشتگان خطاب کند: «تا قیامت کنار قبر او به تسبیح و تقدیس حق تعالی مشغول باشید»، و ثواب آن در نامه عمل این زائر ثبت گردد .
جمعی از فرشتگان که در خود حرم مأموریت دارند، به استقبال زوار می روند و هنگام بازگشت آنها را مشایعت می کنند. اگر زوار بیمار شوند به عیادت آنها رفته و اگر زائری از دنیا برود بر جنازه اش حاضر و بر او نماز گزارده و برایش استغفار و طلب رحمت می کنند.
در قیامت زائران قبر سیدالشهدا علیه السلام همراه با ایشان در سایه عرش الهی هستند. بر آنها علامتی است نورانی که به آن شناخته می شوند .

به هر زائر شفاعت صدنفر واگذار شده و از شهدا محسوب می شود.

از مهمترین خواص زیارت آن است که اگر کسی شقیّ و بد ذات باشد، پس از تشرّف به زیارت شقاوتش زایل و سعادت مند خواهد شد.

ترك زیارت آن حضرت مذمّت شده و جفا در حق آن گرامی و از عقوق پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله شمرده شده است.

کسی که به زیارت آن حضرت مشرف نشود، ایمانش ناقص است و بلکه فرموده اند: «از شیعیان ما نیست» و در روز قیامت، حسرت می خورد که چرا موفق به زیارت نشدم! اگر داخل بهشت هم شود، باز مقام و درجه اش پایین و مهمان اهل بهشت باشد (و برای خود او جا و مکان مستقلی نخواهد بود).⁽¹⁾

ص: 37

1- . رجوع شود به : کامل الزیارات ، وسائل الشیعه 14 / 409 - 542 ، مستدرک الوسائل 10/228 - 344 ، جامع احادیث الشیعه 12/354 - 521 چاپ دوم : 179/15 - 393 .

فضیلت تربت امام حسین علیه السلام

بدون شك ارزش مادی زمینها با یکدیگر متفاوت است. زمینهایی که در آن معدن طلا و نقره و فیروزه و یا مواد معدنی دیگری وجود دارد، از ارزش خاصی برخوردار است. مکانهایی که قابلیت کشت و زراعت انواع و اقسام درختان و گیاهان را دارد، با زمین شوره زار یکسان محسوب نمی شود.

از لحاظ معنوی نیز روشن است که تمام نقاط روی زمین یکسان نیست. از ادله بسیار زیادی ارزش خاص و فوق العاده زمین کربلا بر سایر زمینها استفاده می شود و به جهت همین نکته است که سیره مستمر پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام بر تکریم و احترام و ارج نهادن به این خاک مقدس بوده است.

ابتدای آفرینش تربت

در نظام آفرینش ترتیب خاصی حاکم است و تقدم و تأخر پدیده ها بدون جهت نیست. ارواح قبل از بدن ها آفریده شده، و خلقت انوار چهارده معصوم علیهم السلام قبل از آفرینش همه مخلوقات بوده است. در میان

خاك ها و زمينها، زمين كعبه گرچه سابقه بيشترى نسبت به سائر زمينها دارد ولى زمين كربلا در آفرينش بر همه زمينها حتى بر كعبه مقدم است. خداوند تعالى كربلا را چندين هزار سال قبل از كعبه آفريده و آن را مقدس و مبارك و حرم خاص خویش قرار داده است.

سرزمين كربلا به خاطر تواضع در برابر خداى تعالى به مقامى رسیده که پاك ترين قسمت روى زمين است. آرى با اين كه كعبه از ارزش معنوى خاصى برخوردار است ولى قابل قياس با زمين كربلا نيست و زمين كربلا از آن برتر و حرمش بيشتر است، بلکه اگر كربلا نبود خداى تعالى كعبه را هم نمى آفريد. كربلا گرچه به ظاهر مانند ساير زمينهاست ولى در واقع قسمتى از زمين بهشت بلکه برترين و بهترين مكان بهشت و مخصوص اوليائى خاص خداوند است که در ميان منازل بهشتى با جلوه خاصى مى درخشد.

امام سجاد عليه السلام فرمود: «خداوند پيش از آفريدن زمين كعبه، زمين كربلا را حرم امن و مبارك قرار داد، و بيست و چهار هزار سال پيش از آفريدن كعبه) كربلا را به عنوان حرم (خاص خویش) برگزيد»⁽¹⁾.

امام باقر عليه السلام فرمود:

«خداوند بيست و چهار هزار سال پيش از آن كه زمين كعبه را خلق كند، زمين كربلا را آفريد و آن را مقدس و مبارك قرار داد. پيش از اين كه خدا خلق را بيافريند اين زمين هميشه مقدس و مبارك بوده و براى هميشه چنين

ص: 39

1- . كامل الزيارات: 268، مزار شيخ مفيد قدس سره : 23، بحار 101 / 108.

خواهد بود، تا آن را برترین و والاترین زمین بهشت گرداند. آن جا بهترین منزل و مسکنی خواهد بود که خداوند اولیای خویش را در آن جای خواهد داد»(1).

امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند کربلا را حرم امن و مبارك قرار داد، پیش از این که مکه را به عنوان حرم برگزیند»(2).

امام حسین علیه السلام فرمود: «روزی که خداوند عزوجل زمین را گسترانید این محل را در کربلا برای من برگزید، و آن را پناهگاه شیعیان مقرر داد. آن جا امان است برای شیعه در دنیا و آخرت»(3).

برتری زمین کربلا بر همه زمینها حتی کعبه

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «... جبرئیل گفت: ... کربلا- پاکترین مکان روی زمین و حرمتش از همه جا بیشتر است»(4).

امام صادق علیه السلام فرمود: «زمین کعبه (به خود بالیده و) گفت: کجا مانند من پیدا می شود. در حالی که خداوند خانه اش را بر من قرار داده و مردم از هر راه دور و درازی به سوی من می آیند. من حرم (برگزیده) خدا و محل امن اویم.

خدای عزوجل به او وحی کرد: از فخرکردن دست بردار و آرام گیر.

ص: 40

1- . کامل الزیارات: 268، بحار 202 / 57 و 107 / 101 .

2- . کامل الزیارات: 267، بحار 110 / 101 .

3- . لهوف: 59، بحار 331 / 44، مستدرک 2/218 اسلامیه و 10 / 217 (تحقیق آل البيت عليهم السلام).

4- . کامل الزیارات: 264، بحار 59 / 28 و 181 / 45 و 101 / 114 - 115، مستدرک 2 / 218.

قسم به عزت و جلالم، فضیلت تو نسبت به زمین کربلا مانند اندک آب باقی مانده به سوزنی است که در دریایی زده باشند (که البته آن آب کم با آب دریا قابل قیاس نیست).

اگر نبود تربت کربلا تو را نیز فضیلتی نمی دادم.

اگر نبود آنچه زمین کربلا در بردارد تو و خانه ای که به آن افتخار می کنی هیچ کدام را نمی آفریدم. پس آرام باش و سر جای خویش قرار بگیر و در مقابل زمین کربلا متواضع و خوار و ذلیل باش و استتکاف مکن و تکبر را واگذار و گرنه تو را در آتش جهنم رها کنم»(1).

و در روایت دیگر فرمود: خدای تعالی بعضی از زمینها و آبها را بر بعضی دیگر ترجیح و برتری داد. پس بعضی از آنها بر یکدیگر فخرفروشی کرده و برخی ستم کردند. هیچ آب یا زمینی نبود مگر آن که خداوند آن را عقاب کرد، چون در برابر خداوند تواضع نکردند تا جایی که خداوند بر زمین کعبه مشرکان را مسلط کرد و بر آب زمزم آب شوری فرستاد که طعم و مزه آن را فاسد کرد. اما زمین کربلا اولین زمین و آب فرات اولین آبی بود که خداوند آن را تقدیس کرد و مبارك گردانید. پس از آن خطاب آمد: الآن که زمینها و آبها بر یکدیگر فخر کردند، (تو نیز) تکلم نما و آن فضیلتی که خدای تعالی به تو اختصاص داده است بیان کن .

پس زمین کربلا به قدرت خداوند عزوجل چنین گفت:

ص: 41

1- . کامل الزیارات: 267، بحار 101 / 106 - 107، و رجوع شود به: غوالی اللثالی 1 / 430.

«من زمین مقدس و مبارک خداوندم، شفا در تربت و آب من است. البته مقصود من فخر فروشی نیست، بلکه من در برابر خدایی که این عنایت را به من عطا کرده، خضوع و فروتنی می‌کنم. من نمی‌خواهم بر زمینهایی که پست تر از خودم هستند فخر فروشی (و تکبر) کنم، بلکه مقصودم از این گفتار شکرگزاری خداوند عزوجل است».

امام صادق علیه السلام فرمود: «خدای تعالی به خاطر فروتنی و شکرگزاری زمین کربلا، او را به سیدالشهدا علیه السلام و اصحاب او اکرام کرد».

سپس فرمود: «هرکس برای خدا تواضع کند، خدای تعالی رتبه او را بلند نماید و هر کس تکبر ورزد، خدای عزوجل او را خوار کند»⁽¹⁾.

در ضمن روایت مفصلی آمده است: هنگامی که زمین کعبه فخر فروشی کرد و خود را بی نظیر خواند و گفت: من با فضیلت ترین مکانها بر روی زمینم، چرا که همه مأمورند هنگام نماز به سوی من متوجه شوند و هرکس استطاعت داشت باید به طواف من بیاید. ذبح حیوانات و دفن اموات نیز باید به طرف من باشد.

خدای تعالی به او خطاب فرمود: «بیت المعمور از تو بهتر و بالاتر، و فضیلت عرش از بیت المعمور افزونتر است. ولی بیست و چهار هزار سال پیش از آفرینش تو و بقیه زمینها، زمین پاک و پاکیزه ای آفریده ام که شرافت و عظمت آن را صد هزار مرتبه از تو و بیت المعمور و عرش بیشتر و بالاتر قرار داده ام، و اگر به واسطه حرمت

ص: 42

آن نبود تو و آسمانها و زمینها را نیز نمی آفریدم».

پس از آن، خداوند، خصوصیاتی از زمین کربلا را این گونه بیان کرد:

«آن زمینی است که تربتش را شفای هر دردی قرار داده ام.

به فرشتگان عرش دستور داده ام هر روز به زیارت آن رفته و تربتش را برای تبرک به عرش آورند.

قسم یاد کرده ام هر که در آن جا دفن شود عذابش نکنم و در قیامت از او حساب نکشم».

و پس از بیان فضیلت سجده بر خاک کربلا فرمود:

«آن زمینی است که در آن سبط پیامبر برگزیده ام، سرور جوانان اهل بهشت ابی عبدالله الحسین همراه با خاندان پاک و یاران خوب (و باوفایش) در آن کشته و دفن شوند».

هنگامی که زمین مکه این خبر را شنید به شدت گریست(1).

ص: 43

1- . معالی السبطين: 71 به نقل از انوار الهداية، لوامع الانوار: 3 به نقل از فضائل. ذکر دو مطلب را در اینجا لازم می دانیم: نکته نخست: آن که برتری کربلا بر کعبه آن قدر مشهور است که علامه بحر العلوم رحمه الله در منظومه فقه [الدرة النجفية: 100] بدان تصریح فرموده و گفته: وَمِنْ حَدِيثِ كِرْبَلَاءِ وَالْكَعْبَةِ لِكِرْبَلَاءِ بَانَ عَلُوُّ الرُّتْبَةِ نَكْتَةٌ دَوْمٌ: آن که سخن گفتن خداوند با زمین و جواب دادن آن و گریه کردن آن نباید بعید شمرده شود، چون شواهدی بر آن در قرآن و روایات موجود است. مثلاً در قرآن می خوانیم که زمین مورد خطاب واقع شده: «يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكَ» [سوره هود 44: 11]، یعنی: ای زمین آب خویش را بلعیده (و فرو ببر). و یا: «فَقَدَّ مَالٌ لَهَا وَلِلْأَرْضِ اثْتِيَا طَوْعاً أَوْ كَرْهًا» [سوره فصلت (41): 11]، یعنی: پس به آسمان و زمین گفت: بیا بید با رغبت یا از روی کراهت. و باز در آیه دیگر می فرماید: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا» [سوره احزاب (33): 72]، یعنی: ما امانت را بر آسمانها و زمین و کوهها عرض داشتیم، پس از حمل آن ابا کردند. اما در مورد گریه کردن زمین می فرماید: «فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ» [سوره دخان (44): 29]، (پس از بیان هلاکت قوم فرعون) پس آسمان و زمین بر آنها به گریه درنیامد. با دقت در آیه اخیر این نکته را در می یابیم که این تعبیر در صورتی صحیح است که گریه آسمان و زمین ممکن باشد، چنان که در روایات بسیاری که شیعه و سنی آن را نقل کرده اند، گریه آسمان و زمین و... در شهادت امام حسین علیه السلام آمده است. (رجوع شود به: عوالم 17/455 - 501، عزاداری رمز محبت 1/263، 295).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل به من خبر داد که: «... إِنَّهَا لِمِنْ بَطْحَاءِ الْجَنَّةِ»⁽¹⁾. زمین کربلا بخشی از زمین گسترده و پهناور بهشت است.

امام سجاد علیه السلام فرمود:

هنگامی که خداوند تعالی زمین را به شدت تکان داده و از جای خود به حرکت درآورد (یعنی هنگام برپا شدن قیامت)، زمین کربلا به همان حالی که هست با تربت نورانی و صاف و خالصش بالا برده شده و در بهترین باغهای بهشتی قرار داده می شود. برترین منزلهای بهشتی آن جاست، در آن جای نمی گیرند مگر انبیا و رسولان علیهم السلام. - شاید هم فرمود: پیامبران اولوالعزم علیهم السلام. (تردید از راوی است) - .

همچنان که بعضی از ستارگان در میان بقیه با درخشندگی خاصی نورافشانی می کنند، کربلا نیز در بین باغهای

ص: 44

1- . کامل الزیارات: 264، بحار 59/ 28 و 182/ 45 و 101/ 115، مستدرک الوسائل 2/ 218.

بهشتی می درخشد، به نحوی که نورش چشم تمامی اهل بهشت را می پوشاند و ندا در می دهد که: من زمین مقدس، پاک و مبارك خداوندم و حضرت سیدالشهدا علیه السلام را در بردارم که سرور جوانان بهشت است»(1).

امام صادق علیه السلام فرمود: «از روزی که امام حسین علیه السلام در کربلا دفن شد، محل قبر آن حضرت یکی از روضه های بهشتی است»(2).

و فرمود: «محل دفن امام حسین علیه السلام یکی از باغهای بهشت است»(3).

و نیز فرمایش ایشان است که: «بیست ذراع در بیست ذراع از اطراف قبر امام حسین علیه السلام یکی از باغهای بهشت است»(4).

و پیش از این روایتی از امام باقر علیه السلام نقل کردیم که: «این زمین همیشه مقدس و مبارك بوده و برای همیشه چنین خواهد بود تا این که بهترین و والاترین زمین بهشت گردد. آن جا بهترین منزل و مسکنی خواهد بود که خداوند اولیای خویش را در آن جای خواهد داد»(5).

حکایت جالبی در این زمینه نقل شده که در بخش پایانی کتاب خواهد آمد. (6)

ص: 45

-
- 1- . کامل الزیارات: 268، مزار شیخ مفید قدس سره : 23، بحار 101 / 108.
 - 2- . کامل الزیارات: 271، ثواب الاعمال: 94، مصباح المتعجد: 731 - 732، بحار 101 / 111.
 - 3- . کامل الزیارات: 271، ثواب الاعمال: 94، مصباح المتعجد: 731 - 732، بحار 101 / 111.
 - 4- . کامل الزیارات: 272، بحار 101 / 60 و 106.
 - 5- . رجوع شود به صفحه : 40 - 39 همین کتاب .
 - 6- . رجوع شود به صفحه : 109 - 110 .

تربت کربلا، خمیرمایه وطنیت بدن شریف امام حسین علیه السلام

خدای عزوجل انسان را از خاک آفریده، چنان که در قرآن مجید به آن اشاره فرموده است. از فرمایشهای خاندان وحی و تنزیل علیهم السلام استفاده می شود که هر انسانی از خاک محل دفن خویش آفریده شده است. مرحوم کلینی در اصول کافی بابی را در این زمینه عنوان فرموده و آن جا از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام نقل می کند:

«مَنْ خُلِقَ مِنْ تُرْبَةٍ دُفِنَ فِيهَا». یعنی: انسان از هر خاکی آفریده شده باشد در همان جا به خاک سپرده خواهد شد⁽¹⁾.

و از امام صادق علیه السلام نقل می کند: «هنگامی که نطفه در رحم واقع شود خداوند عزوجل فرشته ای را می فرستد تا قدری از خاک محل دفن او آورده و با نطفه اش بیامیزد. پس از آن همیشه آن شخص میل قلبی به آن مکان دارد، تا این که در آن جا دفن گردد»⁽²⁾.

در روایتی از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «هنگامی که خداوند متعال آدم را آفرید زمین نزد خداوند شکوه و گلایه کرد که از خاک او برداشته (و کم) شد! خدای عز و جل وعده کرد که آنچه از زمین گرفته شده به او برگردانده شود. پس هر که بمیرد حتما در خاکی که از او آفریده شده دفن خواهد شد»⁽³⁾.

ص: 46

-
- 1- . کافی 3 / 202، شایان ذکر است که اهل تسنن نیز روایاتی در این زمینه نقل کرده اند. رجوع شود به: کنز العمال 11 / 565 و 15 / 692، مجمع الزوائد 3 / 42.
 - 2- . کافی 3 / 202، بحار 60 / 338.
 - 3- . روضة الواعظین: 490.

روایت‌هایی که در ذیل آیه شریفه «مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ وَ مِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى» (1) وارد شده نیز اشعاری بر این مطلب دارد (2).

شیخ صدوق رحمه الله نقل می کند: از امام محمد باقر علیه السلام سؤال شد چرا انسان جایی به دنیا آمده و در جای دیگر از دنیا می رود؟ حضرت فرمودند: «زیرا خداوند تعالی مردم را از خاک روی زمین آفریده، از این رو هر کس به تربت خودش بازگشت می کند» (3).

از این اصل کلی استفاده می شود که بدن مبارك امام حسین علیه السلام نیز از خاک سر زمین مقدس کربلا آفریده شده است، گرچه خلقت نور آن حضرت سالها قبل از بدن مبارك ایشان بوده است.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«مَنْ بَاعَ طِينَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَإِنَّهُ يَبِيعُ لَحْمَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ يَشْتَرِيهِ» (4). یعنی: هر کس که خاک قبر امام حسین علیه السلام را بفروشد در حقیقت گوشت بدن آن حضرت را خرید و فروش کرده است.

بلکه بعضی بر این باورند که تربت مقدس کربلا، در خمیر مایه بدنهای همه معصومان علیهم السلام بوده است و به فرمایش امام باقر یا امام صادق علیهما السلام استناد کرده اند که فرموده اند: «خدای تبارک و تعالی حضرت

ص: 47

1- . سوره طه 20: آیه 55 .

2- . بحار 46 / 305 و 59 / 240 و 60 / 337 - 341 و 81 / 285 .

3- . علل الشرائع: 308، بحار 82 / 28 و 60 / 358 .

4- . کامل الزیارات: 286، بحار 101 / 130 .

آدم علیه السلام را از خاک آفرید، لذا خوردن خاک را بر فرزندان او حرام کرد». راوی پرسید: نظر شما درباره خوردن خاک قبر امام حسین علیه السلام چیست؟ حضرت در جواب فرمود: «يَحْرُمُ عَلَى النَّاسِ أَكْلُ لُحُومِهِمْ وَيَجِلُّ لَهُمْ أَكْلُ لُحُومِنَا»؟ بر مردم حرام است از گوشت بدن خودشان استفاده کنند، ولی خوردن گوشت ما رواست؟ آری اگر قدر کمی به اندازه يك نخود باشد، اشکال ندارد(1).

علامه امینی ذیل این حدیث شریف می فرماید:

«در این حدیث شریف اشاره ای است به این که طینت بدن همه ائمه اطهار علیهم السلام از تربت کربلاست، چون در ابتدا فرمودند: حضرت آدم علیه السلام از گل خلق شده و در آخر می فرماید: این خاک لحوم ماست، چندان بعید هم نیست که خاک شریفترین محل روی زمین، طینت و خمیرمایه برای شریفترین موجودات باشد. از جمله روایتهایی که این مطلب را تأیید می کند خلقت تربت شریف است بیست و چهار هزار سال پیش از خلقت کعبه، و آنچه دلالت دارد که این زمین بهترین باغهای بهشتی ... و بهترین منزل بهشت است که تنها انبیا و رسولان علیهم السلام در آن جای خواهند گرفت»(2).

با الهام از کلام این عالم بزرگ، به سراغ روایتهایی می رویم که بر این مدعا دلالت می کند:

1. روایتهایی که دلالت دارد بر تقدم خلقت تربت بر همه زمینها که پیش از این گذشت(3). با توجه به تناسب آن با تقدم خلقت معصومین علیهم السلام

ص: 48

1- . کامل الزیارات: 286، مزار شیخ مفید قدس سره: 146، مصباح المتعجد: 732 - 733، بحار 60 / 154.

2- . تعلیقه کامل الزیارات: 286.

3- . رجوع شود به صفحه: 40 - 38 همین کتاب .

بر جمیع مخلوقات که امری مسلم است.

2. احادیثی که تربت را گوشت و خون ائمه علیهم السلام شمرده است.

امام صادق علیه السلام در ضمن روایتی می فرماید: نباید بیش از مقدار يك نخود از تربت استفاده کرد، و علت آن را چنین بیان نموده اند:

«فَمَنْ تَنَاوَلَ مِنْهَا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَكَأَنَّمَا أَكَلَ مِنْ لُحُومِنَا وَ دِمَائِنَا»⁽¹⁾. هرکس بیش از اندازه يك نخود از تربت تناول کند، مانند این است که از گوشت و خون ما خورده است.

در روایت دیگر می فرماید: «هر کس خاک قبر امام حسین علیه السلام را در غیر مورد استسفا تناول کند، مانند آن است که از گوشت ما خورده»⁽²⁾.

3. آنچه دلالت دارد بر یکی بودن طینت و تربت ائمه علیهم السلام.

امام هادی علیه السلام می فرماید: «تربت ما یکی بود ولی در ایام طوفان (حضرت نوح علیه السلام) پراکنده و متفرق شد، لذا قبور ما از یکدیگر جدا شد ولی اصل آن تربت یکی است»⁽³⁾.

در زیارت جامعه کبیره که از امام هادی علیه السلام روایت شده می خوانیم:

«وَ أَنْ أَرْوِاحِكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طِينَتَكُمْ وَاحِدَةً، طَابَتْ وَ طَهَّرْتُ بَعْضَهُمَا مِنْ بَعْضٍ»⁽⁴⁾. یعنی گواهی می دهم که ارواح مقدس شما و نور شما و طینت شما، در اصل یکی بوده است، پاک و پاکیزه.

ص: 49

1- . مزار شیخ مفید قدس سره : 147، مصباح المتعجد: 734، دعوات : 184، بحار 101 / 135.

2- . مصباح المتعجد: 733، بحار 60 / 155.

3- . مزار شیخ مفید قدس سره : 21، بحار 100 / 132.

4- . بحار 101 / 266 و 102 / 151 - 161.

4. مرحوم کلینی در کتاب الحجّه کافی بابی در آفرینش بدن و روح و قلوب ائمه اطهار علیهم السلام عنوان کرده، در روایت اول از امام صادق علیه السلام نقل می کند که: «خدای عزوجل ما را از علیّین آفرید»⁽¹⁾.

با توجه به روایاتی که دلالت دارد علیین در آسمان هفتم (و در بهشت) است⁽²⁾، مناسبت تمام دارد با روایتهایی که کربلا را یکی از باغهای بهشت یا بهترین منزل بهشت معرفی می کند⁽³⁾.

5. همچنین مرحوم کلینی و شیخ محمد بن حسن صفار قمی از امام کاظم علیه السلام نقل کرده اند که: «خدای عزوجل ما را از ده گِل آفرید».

سپس می فرمایند: در روایت دیگری این گِل ها را چنین نام برده اند:

گِل جنان: 1. جنت عدن، 2. جنة المأوی، 3. جنة النعیم، 4. الفردوس، 5. الخلد.

گِل زمین: 1. مکه، 2. مدینه، 3. کوفه، 4. بیت المقدس، 5. حائر، یعنی حرم مطهر امام حسین علیه السلام»⁽⁴⁾.

در روایت اخیر تصریح شده که بخشی از طینت همه معصومان علیهم السلام، خاک کربلا بوده است.

ص: 50

1- . کافی 1 / 389.

2- . مانند روایت امام باقر علیه السلام در بحار 58 / 51 .

3- . رجوع شود به صفحه : 45 - 44 همین کتاب .

4- . کافی 1 / 389، بصائر الدرجات: 19 و 446، بحار 25 / 49 و 61 / 46.

تبرک فرشتگان و حوران بهشتی به تربت کربلا

ارزش تربت کربلا در عوالم بالا به اندازه ای معروف و مشهور است که حوران بهشتی طالب آن هستند. لذا ملائکه آن را به عنوان هدیه ای از زمین نزد فرشتگان آسمانها و حور العین در بهشت می برند.

مرحوم شیخ ابوالقاسم جعفر بن محمد قولویه و خطیب خوارزمی، که از عالمان اهل تسنن است، هر دو چنین روایت کرده اند:

«فرشته ای که برای اعلام خبر شهادت سیدالشهدا علیه السلام فرود آمد، هنگام بالا رفتن قدری از تربت لابلای بالهای خویش نهاده و بالا بُرد. هیچ فرشته ای در آسمانها نبود مگر آن که آن تربت را بوییده و قدری از آن را نزد خویش نگه داری کرد و بر قاتلان آن حضرت و پیروان آنها نفرین فرستاد»(1).

عالم جلیل القدر مرحوم سید ابن طاووس و نیز خوارزمی چنین نقل کرده اند: «یک سال پس از ولادت امام حسین علیه السلام، همه فرشتگان

(مقرَّب) (2) آسمان بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شدند و پس از عرض سلام و تسلیت در شهادت آن گرامی و بیان ثوابی که خداوند در مقابل شهادت به ایشان عطا خواهد کرد، هر یک از آن فرشتگان تربت امام حسین علیه السلام را بر پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه را داشتند»(3).

ص: 51

1- . کامل الزیارات: 68، بحار 45 / 221، سیرتنا و سنتنا: 63 به نقل از مقتل خوارزمی 1 / 162.

2- . لفظ «مقرَّب» در برخی از نسخه های لهوف آمده است .

3- . لهوف: 13 - 14، سیرتنا و سنتنا: 46-47 به نقل از مقتل خوارزمی 1 / 163.

مرحوم شیخ مفید و شیخ طبرسی می فرمایند: در روایت است که:

«هرگاه حور العین ببینند یکی از فرشتگان برای انجام دادن کاری به زمین می آید، از او می خواهند که تسبیح و تربت امام حسین علیه السلام را برای آنها هدیه بیاورد»(1).

احترام حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به تربت

تقدیر و احترام پیامبر صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان علیه السلام از تربت کربلا و کلمات دُرر بار آن دو بزرگوار همراه با تأثر و حزن و اندوه، بیانگر گوشه ای از ارزش والای آن است. این مطلب با اسناد فراوان در کتب شیعه و سنی مکرر به چشم می خورد.

شیخ مفید و دیگران از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کنند که فرمود: «شبانہ مرا سیر داده و به کربلا رسانیدند. در آن جا محل شهادت فرزندم حسین و گروهی از فرزندان و اهل بیتم را به من نشان دادند». سپس حضرت قدری تربت که شبیه خاک قرمز بود به اُم سلمه داده و به او سفارش کردند که آن را محافظت کند(2).

در روایتی آمده است: «هنگامی که جبرئیل خبر شهادت امام حسین علیه السلام را به پیامبر صلی الله علیه و آله داد، عرض کرد: می خواهید تربت او را به شما نشان دهم؟ و همان لحظه به کربلا رفته به فاصله کمتر از یک چشم به هم زدن قدری تربت آورد». امام صادق علیه السلام فرمودند:

ص: 52

1- . مزار شیخ مفید قدس سره : 151، مکارم الأخلاق: 281، بحار: 101 / 134، وسائل 4 / 1033، مستدرک 2 / 222.

2- . ارشاد 2 / 130، روضة الواعظین: 193، بحار 44 / 239، عوالم 17 / 127.

«آن حضرت، تربت را از جبرئیل گرفته و فرمود: خوشا به حال تو ای تربت و خوشا به حال کسی که در (خاک) تو کشته می شود»(1).

ابن عباس می گوید: «بوی آن تربت - همانند مشک! - فضا را معطر کرده بود»(2).

از روایتهای متعدد استفاده می شود که - هنگام اعلام خبر شهادت امام حسین علیه السلام - جبرئیل علیه السلام، یکی از بزرگان فرشتگان، فرشته مأمور باران، همه فرشتگان آسمانها و خود پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله از کربلا تربت آورده اند(3).

روایتهای اهل تسنن در این زمینه

علامه امینی، در کتاب «سیرتنا و سنتنا»، روایتهای بسیاری از اهل تسنن آورده اند که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله مجالس متعددی برای گریه و عزاداری امام حسین علیه السلام تشکیل داده اند: هنگام ولادت، نزد دایه، یک سال پس از ولادت، موارد متعددی در خانه أم سلمه، در منزل عایشه، مواردی نزد امیرالمؤمنین علیه السلام و مواردی در جمع اصحاب.

ص: 53

1- . کامل الزیارات: 59 - 60، بشارة المصطفی صلی الله علیه و آله : 214، بحار 44 / 235.

2- . کامل الزیارات: 61، بشارة المصطفی صلی الله علیه و آله : 214.

3- . عوالم 17 / 124 - 131. در همین زمینه رجوع شود به وسائل مظفری 376 - 371 باب هشتم مشتمل بر 18 روایت. شایان ذکر است که از قرار مسموع، ووسائل مظفری تألیف سیدعلی طباطبایی (متوفی 1350) - که درباره عزاداری امام حسین علیه السلام است - اولین کتابی است که پس از وارد شدن صنعت چاپ به ایران - در زمان مظفرالدین شاه در سنه 1320 - به صورت حروفی به چاپ رسید، و چنان که در ابتدای آن آمده به دستور شاه قاجار رایگان در اختیار ذاکرین گذاشته شد.

در بخشی از این روایتهای آمده است که حضرت قدری از تربت کربلا را نشان حاضران داده است.

بنابر بعضی از روایات می فرمود: «این تربت قبر اوست که جبرئیل (یا فرشته دیگر) برای من آورده است». حضرت آن تربت را می بویید و خصوصاً به اُم سلمه می فرمود: «هرگاه دیدی این تربت رنگ خون به خود گرفته، بدان که حسینم را شهید کرده اند»⁽¹⁾.

ص: 54

1- . با توجه به کثرت مدارکی که ایشان ذکر کرده اند، ما از ذکر روایاتی که فقط جنبه عزاداری و گریه را متذکر شده صرف نظر کرده و آدرس روایات مشتمل بر تربت را از صفحه 38 تا صفحه 121 کتاب سیرتنا و سنتنا تنظیم کردیم: مستدرک حاکم 3/ 176 و 4/ 398، مجمع الزوائد هیشمی 9/ 187 تا 190، مقتل خوارزمی 1/ 158، 159، 162، 163، 170، مسند احمد 2/ 60 - 61 و 3/ 242، 265 و 6/ 294، الصراط السوی، شیخانی: 93 - 94، الفصول المهمه ابن صباغ: 154، کفایة الطالب کنجی: 279، الصواعق المحرقة: 115، چاپ دیگر: 190، ذخائر العقبی: 146، 147، 148، الخصائص الكبرى 2/ 125 - 126، طرح الشریب 1/ 41 - 42، المواهب اللدنیة 2/ 195، شرح بهجة المحافل 2/ 236، جوهرة الکلام: 117 - 118 و 120، اعلام النبوة ماوردی: 83، نظم الدرر: 215، تذکره ابی المظفر: 142، دلائل النبوة ابونعیم 3/ 202، جمع الجوامع سیوطی 6/ 223، مختصر التذکره قرطبی: 119، الجامع الصغیر سیوطی 1/ 13، ضوء الشمس 1/ 97 - 98، فیض القدیر مناوی 1/ 204، شرح المسند، احمد محمد شاکر 2/ 60، شرح همزیه البوصیری: 276، السراج المنیر 1/ 68، تعلیقه آن از حفنی . ده روایت از حافظ ابن عساکر در تاریخ دمشق و هشت روایت از طبرانی در معجم کبیر نقل کرده اند و شماره مجلد و صفحه ذکر نکرده اند و ظاهراً در قسمت ترجمه امام حسین علیه السلام روایات را آورده باشد، همچنین از کتب ذیل روایاتی نقل کرده و آدرس آن را ذکر نکرده اند: دلائل النبوه بیهقی، مناقب ابن مغازلی، اشرف الوسائل الی فهم الشمائل، طبقات ابن سعد، علل الحدیث دارقطنی، جزء پنجم، مسند حافظ عبد بن حمید، مسند ابویعلی موصلی، صفات رب العالمین مقدسی، مصنّف ابن ابی شیبہ، جلد 12 . نگارنده گوید: متقی هندی متوفای 975 ق که از محدثان بزرگ اهل تسنن است نیز در این زمینه روایات زیادی ذکر کرده است. رجوع شود به: کنز العمال 12/ 123 - 129.

مسعودی می گوید: سیدالشهدا علیه السلام نیز پیش از سفر کربلا، محل دفن خود و اصحاب گرامی اش را به اُم سلمه نشان داد و قدری از تربت آن را به او عطا فرمود. او آن تربت را با تربتی که پیامبر صلی الله علیه و آله به او داده بودند مخلوط کرد(1).

بنابر نقل شیعه و سنی، پس از عاشورا اُم سلمه در عالم رؤیا خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده و از شهادت امام حسین علیه السلام مطلع گردید. هنگامی که بیدار شد سراغ آن تربت رفت و دید تبدیل به خون شده است(2).

کلام امیرالمؤمنین علیه السلام درباره کربلا

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام از کربلا می گذشت اشک از دیدگان مبارکش جاری شده و فرمود:

«این جا محل پیاده شدن آنها، و این جا محل بار انداختن آنهاست، و این جا خون آنها ریخته خواهد شد. خوشا به حال تو ای تربت که خون دوستان بر تو ریخته می شود»(3).

و فرمود: «یکی دو میل به کربلا مانده بود که امیرالمؤمنین علیه السلام از مردم جلو افتاده، خود را به محل دفن شهدا رساند... سپس در حالی که براستر سوار بود پاهای مبارک را از رکاب خارج نموده و گرد آنها دور

ص: 55

1- اثبات الوصیة: 165 - 166.

2- الهدایة الکبری 203، الثاقب فی المناقب 330 - 332، خرائج 1/253 - 254، الصراط المستقیم 2/179، بحار الانوار 44/241، 330 - 332 و 45/89 عوالم 17 / 128، 157، 180، 506 - 508، احقاق الحق 11/346 به نقل از مقتل الحسین علیه السلام خوارزمی 2 / 94.

3- قرب الإسناد: 14، کامل الزیارات: 269، خرائج: 183، بحار 41/295 و 44/258 و 101/116.

می زد و می فرمود: «این جا محل نزول و محل به زمین افتادن شهداست، کسی از پیشینیان در فضیلت از آنها سبقت نگرفته و هیچ کس از آیندگان نیز به رتبه آنان نخواهد رسید»(1).

ابن عباس می گوید: «در جنگ صفین، هنگامی که به نینوا رسیدیم، امیرالمؤمنین علیه السلام گریه زیادی نموده، نماز بسیار گزارده، سپس لحظه ای به خواب رفت، در رؤیا امام حسین علیه السلام را دیده بود که در آن سرزمین غرق دریای خون است، لذا آن حضرت فرمود: «این زمین کرب و بلا - یعنی غم و اندوه و سختی و مشقت - است. حسین به همراه هفده نفر از فرزندانم از اولاد فاطمه علیها السلام در آن دفن می شوند. این زمین در آسمان معروف و شناخته شده است و به عنوان زمین کرب و بلا یاد می شود»(2).

هرثمه گوید: هنگامی که در جنگ صفین به کربلا رسیدیم، امیرمؤمنان علیه السلام از مرکب پایین آمده و اقامه جماعت نمود. پس از نماز، قدری از خاک کربلا برداشته بویید و فرمود: «چه تربت پاک و پاکیزه ای! محشور شوند از تو گروهی که بدون حساب داخل بهشت می شوند»(3).

و بنابر نقل طبرانی و هیشمی آن حضرت فرمود: «از این زمین هفتاد هزار نفر محشور گردند که بدون حساب وارد بهشت می شوند»(4).

ص: 56

-
- 1- . کامل الزیارات: 270، خرائج: 183، بحار 295 / 41 و 116 / 101.
 - 2- . کامل الدین: 532 - 535، خرائج: 1144 - 1147، بحار 252 / 44، عوالم 144 / 17.
 - 3- . بحار 337 / 41، شرح نهج البلاغه 3 / 169 - 170، وقعه صفین: 140.
 - 4- . سیرتنا و سنتنا: 163، به نقل از مجمع الزوائد 9 / 191. لازم به تذکر است که هیشمی اعتراف کرده که راویان این خبر ثقه و مورد اطمینان هستند.

آیا واقعا تربت جای دارو را می گیرد؟ چگونه ممکن است بیمار با مصرف تربت بهبودی حاصل کند؟ چرا بعضی از مصرف تربت نتیجه نگرفته اند؟

اینها شبهه هایی است که به ذهن بعضی خطور کرده و از ائمه معصومین علیهم السلام نیز سؤال کرده اند.

این نکته مسلم است که خداوند بر هر چیزی قدرت دارد و شفای هر دردی نیز به دست اوست و یکی از نامهای مبارکش «الشافی» است. استعمال دارو فقط به عنوان یکی از اسباب شفاست، و مکرر مشاهده شده که بسیاری از بیماران از استعمال دارو هم نتیجه نگرفته اند.

پس از روشن شدن این مطلب گوییم: اراده خدای عزوجل بر این قرار گرفته است که یکی از اسباب شفا را استفاده از تربت امام حسین علیه السلام - با شرایط خاصی - قرار دهد. روایتهای بیشماری بیانگر این معناست، بلکه از روایتهای متعددی استفاده می شود که یکی از عطاهای الهی در مقابل شهادت آن حضرت، این است که خاک قبرش شفا باشد.

اما این که چرا بعضی شفا نگرفته اند یا بهبودی آنها به تأخیر افتاده، از این جهت است که شرایط استفاده از تربت را رعایت نکرده اند، چون در روایات شرایطی را برای استفاده از تربت بیان کرده اند که مراعات آن لازم است. بلکه بعید نیست بعضی از مستحبات و آدابی که در روایات آمده تأثیری در سرعت و کیفیت نتیجه گیری داشته باشد.

پس همچنان که بیمار موظف به رعایت دستورهای پزشک در استفاده از داروهاست مانند ساعتهای مشخص شده، مقدار تجویز شده، پرهیز از بعضی غذاها و ... تا نتیجه مطلوب را به دست آورد، همچنین در خوردن تربت باید شرایطی که گفته می شود مراعات کند.

فضیلت استشفا به تربت کربلا

در روایتهای متعدد از اهل بیت علیهم السلام آمده است: «خوردن هر خاکی حرام است مانند حرمت خون، و ... مگر خاک قبر سیدالشهدا علیه السلام که شفای هر دردی است» (1).

امام صادق علیه السلام فرمود: «خوردن هر خاکی بر فرزندان آدم حرام است، مگر تربت قبر امام حسین علیه السلام که اگر کسی آن را به جهت استشفا تناول کند خدا او را شفا عنایت نماید» (2).

و فرمود: «خاک قبر امام حسین علیه السلام شفای هر دردی است، آن تربت (بهترین و) بالاترین داروهاست» (3).

ص: 58

1- . وسائل 10 / 415 و 16 / 488، بحار 60 / 151 - 152.

2- . کامل الزیارات: 286، وسائل 16 / 488.

3- . کامل الزیارات: 275، مزار شیخ مفید قدس سره: 143، مصباح المتعجد: 732، روضه الواعظین: 411، مکارم الأخلاق: 167، وسائل 10 / 411، بحار 101 / 123 - 124.

یکی از اصحاب آن حضرت خدمت ایشان عرض کرد: من ناراحتی و بیماری بسیار دارم. هیچ دارویی نبوده مگر این که از آن استفاده کرده ام (ولی نتیجه ای نگرفته ام). حضرت فرمود: «چرا از تربت استفاده نمی کنی که شفای هر دردی و باعث امان از هر ترسی است»⁽¹⁾.
در ادامه، حضرت دعایی به او تعلیم نمودند که بعدا خواهد آمد.

در زیارت ناحیه مقدسه می خوانیم: «السلامُ علی مَنْ جَعَلَ اللهُ الشِّفاءَ فی تُرْبَتِهِ»⁽²⁾. یعنی: سلام بر آن بزرگواری که خدای عزوجل شفا را در خاک قبرش قرار داده است.

در روایتهای بسیاری آمده است که خدای تعالی در مقابل شهادت امام حسین علیه السلام، عطیه هایی به ایشان عنایت فرموده است:

1. اجابت دعا تحت قبه آن گرامی

2. شفا در تربت قبر ایشان

3. ائمه علیهم السلام از فرزندان اویند.

در پاره ای از روایات به جای اجابت دعا آمده است: «رستگاری با اوست پس از رجعت و بازگشت او به دنیا».

و در بعضی اضافه شده: «از هنگامی که زائرانش به قصد زیارت حرکت کنند تا زمانی که برگردند از عمرشان محسوب نمی شود»⁽³⁾.

ص: 59

1- کامل الزیارات: 282، بشارة المصطفی صلی الله علیه و آله : 214، بحار 101 / 118.

2- بحار 101 / 318، مستدرک 2 / 220.

3- مصباح المتعهد: 826، بشارة المصطفی صلی الله علیه و آله : 211، عدّة الداعی: 48، اعلام الوری: 220، الاقبال: 689، مصباح شیخ کفعمی قدس سره: 543، البلدالامین: 185، تأویل الآیات: 272 - 598، بحار 44/221 و 94 / 53 - 95 و 101 / 347 و 69. و رجوع شود به: کفایة الأثر: 17، مناقب 4 / 82، الصراط المستقیم 2 / 145، مستدرک 2 / 220، بحار 36 / 285.

امام صادق علیه السلام فرمود: «نزد سر امام حسین علیه السلام تربت سرخی است که شفای هر دردی است، مگر مرگ»(1).

محمد بن مسلم بیمار شد، خبر به امام باقر علیه السلام رسید، حضرت برایش شربت فرستاد که به مجرد نوشیدن حالش خوب شد و خدمت حضرت مشرف شد، آن حضرت به او فرمود:

«در این شربت تربت قبر امام حسین علیه السلام بود که برترین چیزی است که به آن استشفای می شود و هیچ چیزی مانند آن نیست. ما به خردسالان و زنهایمان می دهیم (و از آن نتیجه می گیریم)، تمام خیر و برکت در آن است»(2).

در بسیاری از روایتها و دعاها آمده: «تربت سیدالشهدا علیه السلام شفای هر دردی است»(3).

با دقت در روایات گذشته به خوبی روشن می شود که این امتیاز مخصوص خاک کربلاست، که در حقیقت از خاک بهشت است، و از هیچ خاک دیگری نمی توان به عنوان استشفای استفاده نمود.

ص: 60

1- . کامل الزیارات: 279، وسائل 10 / 409، بحار 101 / 125.

2- . با تلخیص فراوان از کامل الزیارات: 275 - 277 .

3- . مزار شیخ مفید قدس سره : 147 - 149، مسأله الشیعه: 31، مصباح المتعجب: 733 - 734 و 872، مصباح شیخ کفعمی قدس سره: 508، روضة الواعظین: 118، البلد الامین: 310، مکارم الأخلاق: 166 - 167 و 391، بشارة المصطفی صلی الله علیه و آله : 214 و 217، طب الائمة علیهم السلام: 52، کامل الزیارات: 222 و 278 و 279 و 280 و 282 - 285، دعوات : 186 - 187، الامان من أخطار...: 47، فلاح السائل: 224، بحار 36 / 285 و 44 / 221 و 45 / 299 و 53 / 94 و 60 / 151 - 157 و 62 / 287 و 86 / 277 - 276 و 95 / 34 و 101 / 69 و 109 و 118 - 140 و 234 و 318.

چنانچه پیشتر اشاره کردیم نتیجه گرفتن از استعمال تربت مشروط به شرایطی است که لازم است رعایت شود:

1. از شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود: «تربت امام حسین علیه السلام، مشک مبارکی است که اگر شیعیان ما آن را تناول کنند برای آنها شفای هر دردی است، و اگر دشمن ما از آن استفاده کند مانند پیه گداخته و ذوب شود»(1).

امام کاظم علیه السلام فرمود:

«مؤمنی که حق و حرمت سیدالشهدا علیه السلام را بشناسد و ولایتش را گردن نهد، اگر به اندازه سر انگشت از خاک قبر آن حضرت استفاده کند، داروی درد او خواهد بود»(2).

و نیز فرمود: «خدای تعالی تربت جدم امام حسین علیه السلام را برای شیعیان و دوستان ما شفا قرار داده است»(3).

ذکر این نکته ضروری است که گاهی برای اتمام حجت و یا شمول لطف عام آن حضرت، کسانی که فاقد این شرط بوده اند نیز از تربت شفا گرفته اند و چه بسا باعث هدایت آنها به مکتب اهل بیت علیهم السلام شده است که نمونه هایی از آن را در بخش حکایات ذکر می کنیم(4).

ص: 61

1- . مکارم الأخلاق: 167، دعوات: 187، بحار 101 / 132، مستدرک 2 / 222.

2- . کامل الزیارات: 278، بحار 101 / 122، وسائل 10 / 415.

3- . عیون اخبار الرضا علیه السلام 1 / 104، وسائل 10 / 415.

4- . رجوع شود به صفحه: 111، 118 - 117 همین کتاب.

2. اعتقاد به شفابخشی تربت داشته باشد.

عبدالله بن ابی یعفر - که از خواص اصحاب امام صادق علیه السلام است - می گوید: از آن حضرت سؤال کردم چرا بعضی از استعمال تربت نتیجه ای نمی گیرند؟

آن حضرت در جواب فرمود:

«نه، به خدای یگانه سوگند، هر کس که معتقد باشد خداوند به واسطه تربت او را شفا می دهد، قطعا از استعمال تربت نتیجه خواهد گرفت»(1).

در ضمن روایت دیگری، آن حضرت یکی از موانع شفا یافتن با تربت را چنین بیان می کنند:

«کسی که با آن معالجه می کند و شفا نمی یابد لابد یقینش کم است، و گرنه اگر کسی یقین داشته باشد که تربت شفابخش است هرگاه استفاده کند - به اذن خدا - برایش کافی است و احتیاج به دوی دیگری نخواهد داشت»(2).

3. قصد استشفا داشته باشد، نه میل نفسانی

امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس خاک قبر امام حسین علیه السلام را بدون قصد استشفا تناول کند مانند این است که از گوشت ما خورده است»(3).

ص: 62

1- . کامل الزیارات: 274، کافی 4/588، مکارم الاخلاق: 167، وسائل 10/409، بحار 101/122.

2- . کامل الزیارات: 281، بحار 60/155 و 101/126.

3- . مصباح المتعجد: 733، بحار 60/155، وسائل 16/489.

و در روایت دیگری پس از بیان حرمت خوردن خاک فرمود:

«تنها خوردن تربت قبر امام حسین علیه السلام جایز است که شفای هر دردی است، ولی اگر کسی آن را از روی میل نفسانی بخورد برای او شفا حاصل نمی شود» (1).

4 و 5. احترام به تربت و مُهر کردن آن

ابوحزمه ثمالی می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم! می بینم شیعیان از تربت حضرت سیدالشهدا علیه السلام برای معالجه

استفاده می کنند، آیا واقعا تربت شفاست؟

حضرت در جواب فرمود: «آری اگر تا فاصله چهار میل از قبر هم تربت را برداری شفاست... اما این که برای بعضی شفا حاصل نمی شود به این جهت است که گاهی از ظرفی که تربت را در آن گذاشته اند چیزی با آن مخلوط می شود، یا آنهایی که استعمال می کنند یقین و اعتقادشان کم است. یا این که (به جهت عدم رعایت مُهر نمودن آن) جنیان کافر و شیاطین به خاطر حسدی که بر بنی آدم دارند خود را به آن می مالند و عمده طیب و خوبی (و آثار و خواص) تربت بدین واسطه از بین می رود. از این جهت که ملائکه در حرم مطهر هستند، شیاطین و جنیان کافر قدرت بر داخل شدن ندارند، ولی تعداد زیادی از آنها بیرون حرم منتظرند و با این که صاحب تربت آن را در دست دارد، آنها آثار آن را از بین می برند.

ص: 63

هر چیز (جاننداری) این تربت را می بویید. (و باعث از بین رفتن فواید و منافع آن می شود). اگر تربت از این آفات سالم بماند، هر کس آن را استفاده کند همان لحظه بهبودی برایش حاصل می شود.

پس هرگاه تربت را بر می داری کتمان کن (و آن را بپوشان)، و بسیار بر آن ذکر خدا بگو.

گذشته از این، به من خبر رسیده است: بعضی از آنهایی که تربت را بر می دارند آن را کوچک شمردند و حرمت آن را نگه نمی دارند، تا جایی که آن را در کیسه ای که مخصوص علف حیوانات است یا ظرف غذا یا پارچه ای که پس از غذا دستها را با آن پاک می کنند یا خُرچین چهار پایان می گذارند! چگونه انتظار دارند با بی احترامی به تربت از آن شفا حاصل کنند؟!

آری، دلی که یقین در او نباشد و استخفاف به آنچه موجب صلاح اوست نیز از او صادر شود، از کارش نتیجه ای نخواهد گرفت» (1).

امام باقر علیه السلام فرمود: «کسی که تربت را از حرم برداشته و بیرون می رود، اگر آن را پنهان نکند در بین راه به جنّیانی که دارای (بیماری و) عاهتی باشند یا حیوانات و جانداران دیگر که آفتی داشته باشند، گذر نموده و آنها آن را بوییده و برکت آن را زایل می کنند و منفعت آن شامل حال آنها می شود. چنین تربتی موجب شفا نخواهد بود».

در ادامه سخن، حضرت امر به کتمان تربت و احترام آن فرموده و تأکید نمودند که استخفاف به تربت مانند گذاشتن آن در خُرچین و

ص: 64

چیزهای کثیف و در لباس گذاشتن مانع از تأثیر آن خواهد بود(1).

مرحوم شیخ کلینی نقل کرده است: «مُهر کردن تربت امام حسین علیه السلام به این است که سوره مبارکه قدر بر آن خوانده شود»(2).

6 . بیشتر از اندازه يك نخود استفاده نکند

شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: من از شما شنیدم که فرمودید: «تربت امام حسین علیه السلام از ادویه مفرده(3) است و هیچ بیماری نیست مگر این که تربت آن را به کلی برطرف می کند»؟

حضرت فرمود: «آری، من چنین گفتم، مقصودت از این سؤال چیست»؟ عرض کرد: من از آن استفاده کردم، ولی نتیجه ای نگرفتم. حضرت فرمود: «البته برای استفاده از آن دعایی است که بدون آن سودی ندهد. (4) پیش از هر چیز آن را بوسیده و بر دیده خود می گذاری، بیش از مقدار يك نخود هم نباید استفاده کنی. چنانچه کسی بیش از این مقدار بخورد، مثل این است که از گوشت و خون ما خورده است»(5).

7 . از محدوده خاصی - که بعدا خواهد آمد- تربت را برداشته باشند

ص: 65

-
- 1- . کامل الزیارات: 277، بحار 101 / 122.
 - 2- . کافی 4 / 588، کامل الزیارات: 281 - 282، بحار 101 / 127، وسائل 10 / 409.
 - 3- . ممکن است «مفرده» را به معنای: تَک و بی نظیر بدانیم و احتمال قوی می رود که به معنای مصطلح آن در مقابل ادویه مرکبه باشد. بنابر معنای دوم مقصود این است که تربت از داروهایی است که احتیاجی به ترکیب با چیز دیگری ندارد .
 - 4- . برخی از دعاهای وارد شده در این باب را بعدا نقل می کنیم .
 - 5- . مزار شیخ مفید قدس سره : 147، مصباح المتهجد: 734، دعوات : 184، بحار 60/157 و 101 / 135 .

امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کسی که بیمار شود و ابتدا به تربت مداوا کند، خدای تعالی او را از آن بیماری شفا عنایت نماید، مگر این که مرگش رسیده باشد»(1).

البته این روایت را مرحوم شیخ مفید چنین نقل کرده است: «مَنْ أَصَابَتْهُ عِلَّةٌ فَتَدَاوَى مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ...»(2). و به جای «فبدا» که در روایت کامل الزیارات بود، ایشان «فَتَدَاوَى» نقل کرده است، و بنابر نقل ایشان مراعات این شرط لازم نیست.

بلکه برخی از روایتها نیز دلالت دارد بر این که لازم نیست پیش از سایر داروها باشد، و اگر داروهای زیادی هم استفاده کرده باشد باز استشفای به تربت نتیجه بخش است(3).

آداب و دعاهای استفاده از تربت

روایات در مورد آداب و دعاهایی که موقع برداشتن تربت از زمین کربلا یا موقع خوردن آن وارد شده متعدد و مختلف است، که چون از امور مستحبی به شمار می رود عمل کردن به هر یک بلا مانع است. در این بخش به برخی از این روایتها اشاره می کنیم(4).

ص: 66

1- کامل الزیارات: 275، مکارم الأخلاق: 392، بحار 95 / 34.

2- مزار: 144.

3- رجوع شود به صفحه: 68 - 67 همین کتاب.

4- کامل الزیارات: 280 - 285، بحار 101 / 118 - 140، مستدرک 2 / 221 - 222، مفاتیح الجنان: 472 - 474 آداب تربت امام حسین علیه السلام.

امام صادق علیه السلام فرمود: خدای تعالی تربت امام حسین علیه السلام را شفای هر دردی و امان از هر ترسی قرار داده است. پس هرگاه کسی خواست آن را بر دارد آن را بوسیده، بر دیدگانش بگذارد و بر بدن خویش مالیده و بگوید:

«اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ، وَبِحَقِّ مَنْ حَلَّ بِهَا وَتَوَى فِيهَا، وَبِحَقِّ أَبِيهِ وَأُمِّهِ وَأَخِيهِ وَالْأَيْمَةِ مِنْ وُلْدِهِ، وَبِحَقِّ الْمَلَائِكَةِ الْحَافِينَ بِهِ إِلَّا جَعَلْتَهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَبُرْءًا مِنْ كُلِّ مَرَضٍ، وَنَجَاةً مِنْ كُلِّ آفَةٍ، وَحِرْزًا مِمَّا أَخَافُ وَأَحْذَرُ». یعنی: «خداوندا! به حق این تربت و به حق آن عزیزی که در او جای گرفته و به خاک سپرده شده است، و به حق پدر و مادر و برادر و امامان از فرزندانش و به حق فرشتگانی که گرد او حلقه زده اند تو را سوگند می دهم که این تربت را شفا از هر بیماری، بهبودی از هر مرض، نجات و خلاصی از هر آفت، و پناه من از هر چیزی که از آن ترسناک هستم و حذر می کنم قرار دهی».

و پس از خواندن این دعا از تربت استفاده کند.

راوی گوید: «من در تمام عمر همان گونه که حضرت فرمودند عمل کردم و خدا را شکر می کنم که هیچ مشکلی برایم پیش نیامد»⁽¹⁾.

جابر جُعْفی گوید: حضور امام پنجم حضرت باقر العلوم علیه السلام

ص: 67

شرفیاب شده و از دردها و بیماریهای مختلف شکایت کردم و عرض کردم که بعضی را مداوا می کنم به بعضی دیگر ضرر می رساند.
حضرت فرمود:

«عَلَيْكَ بِتُرْبَةِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ». یعنی: بر تو لازم است که از تربت امام حسین علیه السلام استفاده کنی.

عرض کردم: بسیار مصرف کرده ام، ولی نتیجه ای نگرفته ام.

جابر گوید: دیدم غضب در چهره مولایم نمودار شد. عرض کردم: به خدا پناه می برم از غضب شما! حضرت با عصبانیت بلند شده و به اندازه يك حبه (1) (خاك) در دست گرفته و عنایت فرمود و سپس فرمود: «از این استفاده کن».

جابر گوید: به مجرد استعمال آن عافیت یافته و بهبودی کامل برایم حاصل شد. عرض کردم: این چه بود که به این سرعت مرا شفا داد؟

فرمود: «این همان چیزی است که تو می گویی از آن سودی نبرده ای». عرض کردم: ای سرور من، دروغ نگفتم بلکه مقصودم این بود که شاید مطلبی نزد شما باشد و من یاد بگیرم که (تعلّم در محضر شما) از آنچه خورشید بر آن می تابد نزد من محبوبتر است.

حضرت فرمودند: «هرگاه خواستی تربت را (از زمین کربلا) برداری در آخر شب این کار را انجام بده. به آب خالص غسل کن و پاکترین لباسهایت را بپوش و خود را با سَعْد (2) خوشبو کن. سپس داخل

ص: 68

1- اندازه دو دانه جو، يك ششم از يك دهم دینار = 1006 دینار. رجوع شود به: منجدالطلاب .

2- نوعی عطر است.

حرم مطهر شده، نزد سر مبارك آن حضرت ایستاده و چهار رکعت نماز بخوان: در رکعت اول سوره حمد و یازده مرتبه سوره کافرون، و در رکعت دوم سوره حمد و یازده مرتبه سوره قدر بخوان و در قنوت بگو: «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عُبُودِيَّةً وَرِقًّا، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ».

سُبْحَانَ اللَّهِ مَالِكِ السَّمَاوَاتِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ . سُبْحَانَ اللَّهِ ذِي الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

یعنی: «به درستی و راستی و حقیقت اعتراف می کنم که جز خدای یکتا خدایی نیست، از (سر اخلاص و) بندگی و عبودیت اقرار می کنم که جز خدای یکتا خدایی نیست. (و باز تکرار می کنم) جز خدای یکتا خدایی نیست، یکتای یکتا. وعده خویش را عملی کرد، و بنده خویش (یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله) را یاری کرد و به تنهایی احزاب دشمن را شکست داد. منزه است خدای تعالی مالک آسمانها و آنچه در آسمانها و بین آنهاست. منزه است خدای تعالی که صاحب عرش با عظمت است، و حمد مخصوص خدای تعالی است که پروردگار جهانیان است».

سپس رکوع و سجود به جا آورده (و این دو رکعت را تمام می کنی و سلام می دهی)، پس از آن دو رکعت دیگر می خوانی.

در رکعت اول سوره حمد و یازده مرتبه سوره توحید و در رکعت دوم سوره حمد و یازده مرتبه سوره فتح و در قنوت نیز همان ذکر که در قنوت نماز پیشین گفته شده می خوانی. پس از تمام شدن نماز، سر به سجده گذاشته و هزار مرتبه می گویی: «شُکْرًا».

پس از آن بلند می شوی و به قبر چسبیده می گویی:

«يَا مَوْلَايَ، يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، إِنِّي أَخَذْتُ مِنْ تُرْتِيكَ بِإِذْنِكَ . اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَعِزًّا مِنْ كُلِّ ذُلٍّ، وَأَمْنًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ، وَغِنًى مِنْ كُلِّ فَقْرٍ لِيَّ وَ لِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ» .

یعنی: «ای آقای من! ای فرزند پیامبر! با اجازه شما قدری از تربت شما بر می دارم. خداوندا! تربتی که برداشتم شفای از هر درد، عزت و سر بلندی از هر خواری و ذلت، امنیت از هر ترس و بی نیازی از هر فقر قرار بده، برای من و برای همه مردان و زنان با ایمان».

و با سر انگشت سه مرتبه خاک برداشته و در پارچه پاکي یا شیشه ای گذاشته و آن را با انگشت عقیقی که بر آن نوشته باشد: «ماشاء الله، لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ»، مهر می کنی. اگر خدای تعالی بداند که در نیت

خویش صادق هستی در این سه مرتبه بیش از هفت مثقال نمی توانی برداری، و این داروی هر دردی خواهد بود، چنان که دیدی(1).

مناسب است هنگام استفاده از تربت یکی از دعاهای آن خوانده شود. در این جا به سه روایت از امام صادق علیه السلام بسنده می کنیم:

1 . «اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَلِكِ الَّذِي قَبَضَهَا، وَ بِحَقِّ النَّبِيِّ الَّذِي خَرَنَهَا، وَ بِحَقِّ الْوَصِيِّ الَّذِي هُوَ فِيهَا اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَنْ تَجْعَلَ لِيْ فِيهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَ عَافِيَةً مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ، وَ اَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَ صَلِّ اللّٰهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلِّمْ(2)» .

ص: 70

1- . کتاب مزار ابن مشهدی قدس سره 366 ، بحار 101 / 138 - 139 ، مستدرک 2 / 220 - 221 .

2- . مکارم الأخلاق: 167 ، دعوات : 187 ، بحار 101 / 132 ، مستدرک 2 / 221 .

یعنی: «بار الها! به حق فرشته ای که از این تربت برداشت، و به حق پیامبری که آن را نگهداری کرد، و به حق آن وصی که در او (به خاک سپرده شده) است از تو درخواست می کنم بر حضرت محمد و آل محمد درود فرست و این تربت را برای من شفای از هر درد، عافیت از هر بلا و امنیت از هر ترس قرار بده، به رحمت و مهربانیت ای مهربان ترین مهربانان. درود و سلام خداوند بر محمد و خاندانش باد».

2. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَهْدِيَ لِي هَذِهِ التُّرْبَةَ تَرْتِبَةً وَلِيَّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّهَا شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَأَمَانٌ مِنْ كُلِّ خَوْفٍ لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَ لِي بِرَحْمَتِكَ، وَأَشْهَدُ أَنَّ كُلَّ مَا قِيلَ فِيهِمْ وَفِيهَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ، وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ»(1).

یعنی: «خداوند! تو را گواه می گیرم که این تربت، تربت ولیّ توست. درود خداوند بر او باد- و شهادت می دهم که این تربت شفای هر درد و امان از هر ترس است برای کسی که تو بخواهی از بندگان و برای من به رحمت تو. شهادت می دهم فضائلی که درباره آنها (که در او به خاک سپرده شده اند) و درباره خود تربت گفته شده حق است و فرستادگان خداوند راست گفته اند».

3. «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقًا وَسَعَةً، وَعِلْمًا نَافِعًا، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»(2). یعنی: «بنام خدا و به (یاری) خدا. خدایا! این تربت را روزی وسیع، علمی سودمند و شفای همه دردها قرار بده، البته که تو بر هر کاری توانایی».

ص: 71

1- . مکارم الأخلاق: 167، دعوات: 187، بحار 101 / 132، مستدرک 2 / 221.

2- . کامل الزیارات: 284، بحار 101 / 129، مستدرک 2 / 221 چاپ اسلامیه.

گرچه ظاهر این گونه روایتها دخیل بودن ادعیه و امور مذکور در شفا یافتن است، ولی بسیاری از عالمان و بزرگان - با توجه به اطلاق روایات دیگر - فرموده اند: «اینها باعث تکمیل فضیلت و سرعت تأثیر و زیادتی بهبودی و مانند آن است»⁽¹⁾.

چند روایت در استشفای به تربت

امام باقر یا امام جواد علیهما السلام فرمودند: «... قدری غسل و زعفران خریداری کن و با خاک قبر امام حسین علیه السلام و آب باران بیامیز، و بین شیعیان تقسیم کن تا بیماران خود را با آن مداوا کنند»⁽²⁾.

و فرمودند: «هفت عدد سیاه دانه و هفت عدد عدس و قدری تربت و هفت قطره غسل در آب یا روغن بگذار، و بر آن هفت مرتبه سوره های حمد و فلق و ناس و توحید و آیه الکرسی و اول سوره حدید تا آیه پنجم و آخر سوره حشر را بخوان»⁽³⁾.

شخصی خدمت امام صادق علیه السلام عرض کرد: من مبتلا به بیماری پیسی شده ام، چه کنم؟

حضرت فرمود: «تربت امام حسین علیه السلام را با آب باران مخلوط کرده و استعمال نما».

ص: 72

1- . بحار 60 / 160، جواهر الکلام 36 / 360 و 364.

2- . محاسن: 500، مکارم الأخلاق: 165، کامل الزیارات: 275، وسائل 9 / 355، بحار 101/123.

3- . مکارم الأخلاق: 387، بحار 95 / 15.

او به دستور حضرت عمل کرده و از آن ناراحتی نجات یافت و شفا برایش حاصل شد(1).

و نیز از آن حضرت نقل شده که فرمود: «برای مداوای «داء الخبيث» - جذام یا برص - هیچ دارویی سودمندتر از تربت امام حسین علیه السلام نیست».

سؤال شد: چگونه استفاده کنیم؟

حضرت فرمود:

«آن را با آب باران نوشیده، و به جاهایی از بدنت که دچار این ناراحتی شده می مالی که این کار نافع و مجرب است، إن شاء الله تعالی»(2).

مرحوم شیخ طبرسی نیز روایتی نقل کرده مبنی بر مخلوط کردن تربت با آب و نوشتن آیاتی از قرآن و دعاهای دیگر با آن - با شرایطی مخصوص - برای برطرف شدن تب و درمان سایر بیماری ها، مناسب است مراجعه شود(3).

ص: 73

1- . مکارم الاخلاق: 384، بحار 80 / 95 .

2- . طبّ الائمة عليهم السلام: 104، بحار 212 / 62 .

3- . مکارم الأخلاق: 370 - 371، بحار 24 - 25 / 92 .

4-تحصیل امنیت با تربیت کربلا

برای محفوظ ماندن انسان از شرور و آفات و بلاها و حفظ اموال او از دستبرد و سرقت، دستوراتی در روایات اهل بیت علیهم السلام وارد شده است از قبیل: قرائت بعضی از سوره ها و آیات، خواندن برخی از دعاها و حرزها و یا همراه داشتن آن و صدقه دادن.

از جمله اموری که برای حفظ انسان و اموال او مفید است تربیت حضرت سیدالشهدا علیه السلام می باشد .

امام رضا علیه السلام هرگاه می خواستند لباس یا چیز دیگری برای کسی بفرستند، قدری تربیت لابلائی آن گذاشته و می فرمود: «تربیت، باعث محفوظ ماندن است به اذن خداوند»⁽¹⁾.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«خاک حرم امام حسین علیه السلام ، شفای هر درد و امان از هر ترس است»⁽²⁾.

ص: 74

1- . کامل الزیارات: 278، بحار 101 / 124.

2- . کامل الزیارات: 278، بحار 101 / 125.

و فرمودند: «کام فرزندان را به تربت برگیرید که سبب امنیت و باعث محفوظ ماندن آنهاست»(1).

در روایت دیگری نیز از آن حضرت نقل شده که فرمود: «کام فرزندان خود را به آب فرات و تربت امام حسین علیه السلام برگیرید، و اگر نبود از آب باران استفاده کنید»(2).

وصف تربت به این که «امان از هر ترسی است»، در بسیاری از دعاها

و روایتها وارد شده است(3).

مرحوم سید ابن طاووس می فرماید: هنگامی که امام صادق علیه السلام به عراق تشریف آوردند، مردم نزد آن بزرگوار اجتماع کرده و عرض کردند: ای سرور ما، تربت امام حسین علیه السلام شفای هر دردی است(4)، (و این مطلب نزد ما مسلم است). آیا امان از هر ترسی هم هست؟

حضرت فرمودند: «آری این چنین است، هر کس می خواهد از هر ترسی در امان باشد، تسبیحی که از تربت امام حسین علیه السلام ساخته شده باشد در دست گرفته و دعایی که هنگام خوابیدن در رختخواب خوانده

ص: 75

1- . کامل الزیارات: 278، مزار شیخ مفید قدس سره: 144، مصباح المتعجد: 732، روضة الواعظین: 412، دعوات: 278، بحار 101 / 136، وسائل 10 / 410.

2- . بحار 104 / 123 به نقل از نوادر الحکمة.

3- . کامل الزیارات: 278 - 284، طبّ الائمة علیهم السلام: 52، دعوات: 186 - 187، مزار شیخ مفید قدس سره: 147، مصباح شیخ کفعمی قدس سره: 507 - 508، بشاره المصطفی صلی الله علیه و آله: 217، مصباح المتعجد: 733 - 734، البلد الامین: 310، الأمان من أخطار الأسفار: 47، مکارم الأخلاق: 166، فلاح السائل: 224، بحار 60 / 154 و 86 / 276 - 277 و 101 / 119 و 125 / 139 -

4- . نکته قابل توجه این است که این قسمت از روایت دلالت دارد که شفا بودن تربت کربلا بین مردم آن زمان از مسلمات به شمار می رفته است.

می شود(1)، سه مرتبه بخواند، سپس تسبیح را بوسیده و بر دیده گانش بگذارد و بگوید:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ، وَبِحَقِّ صَاحِبِهَا، وَبِحَقِّ جَدِّهِ وَبِحَقِّ أَبِيهِ وَبِحَقِّ أُمِّهِ وَبِحَقِّ أَخِيهِ وَبِحَقِّ

وُلْدِهِ الطَّاهِرِينَ، اجْعَلْهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَ أَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ، وَ حِفْظًا مِنْ كُلِّ سُوءٍ». یعنی: «بار الها! به حق این تربت و صاحب آن، به حق جدش، به حق پدرش، به حق مادرش، به حق برادرش، و به حق فرزندان پاکش، این تربت را شفای از هر درد، امان از هر ترس و سبب محفوظ ماندن از هر شرّ و بلا قرار بده».

سپس تسبیح را در جیب خویش بگذارد. اگر این دستورالعمل را در صبح به جای آورد، تا شب در امنیت الهی است و اگر شب به جای آورد، پیوسته تا صبح در امان خداوند تعالی است(2).

ایشان دو روایت دیگر در دعاهای وارد در این جهت ذکر کرده و

ص: 76

1- . دعای مذکور بنابر نقل علامه مجلسی قدس سره چنین است: «أَمْسَيْتُ اللَّهُمَّ مُعْتَصِمًا بِذِمَامِكَ وَجَوَارِكَ الْمَنْعِ الَّذِي لَا يُطَاوُلُ وَلَا يُحَاوُلُ مِنْ شَرِّ كُلِّ غَاشِمٍ وَ طَارِقٍ مِنْ سَائِرِ مَنْ خَلَقْتَ وَ مَا خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ الصَّامِتِ وَ النَّاطِقِ مِنْ كُلِّ مَخُوفٍ يَلْبَسُ سَابِعَةَ حَصِينَةٍ وَ لَاءِ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، مُحْتَجِبًا مِنْ كُلِّ قَاصِدٍ لِي إِلَى أذِيَّةٍ بِجِدَارِ حَصِينِ الْإِخْلَاصِ فِي الْإِعْتِرَافِ بِحَقِّهِمْ وَ التَّمَسُّكِ بِحَبْلِهِمْ، مُوقِنًا أَنَّ الْحَقَّ لَهُمْ وَ مَعَهُمْ وَ فِيهِمْ وَ بِهِمْ، أُولَى مَنْ وَالُوا، وَ أَجَانِبُ مَنْ جَانَبُوا، وَ أَعَادِي مَنْ عَادَوْا، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعِزَّنِي اللَّهُمَّ بِهِمْ مِنْ شَرِّ كُلِّ مَا اتَّقِيهِ، يَا عَظِيمُ حَجَزْتُ الْأَعَادِي عَنِّي بِبَدِيعِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ، إِنَّا جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهْمٌ لَا يُبْصِرُونَ. بحار 86/276. در صورتی که صبح این دعا خوانده شود، در اول دعا به جای «أَمْسَيْتُ»، «أَصْبَحْتُ» بگوید.

2- . الأمان من أخطار الأسفار: 47، بحار 86 / 276 - 277 با کمی اختلاف.

می فرماید: روایت شده است که هرکس از سلطان یا غیر آن خوف داشته باشد و (هنگام خروج از منزل) (1) تربت را برداشته و این دعاها را بخواند، (سبب امنیت و محفوظ ماندن او خواهد بود) (2):

دعای اول: اَللّٰهُمَّ هَذِهِ طِينَةُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَابْنِ وَلِيِّكَ، اتَّخَذْتُهَا حِرْزًا لِمَا اَخَافُ وَ مَا لَا اَخَافُ». یعنی: «بار خدایا! این خاک قبر امام حسین علیه السلام ولی تو و فرزند ولی توست، آن را برداشتم تا باعث حفظ من شود از هر چه می ترسم و آن چیزهایی که نمی ترسم».

دعای دوم: «اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَخَذْتُهٗ مِنْ قَبْرِ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ، فَاجْعَلْهُ لِيْ اَمْنًا وَ حِرْزًا مِّمَّا اَخَافُ وَ مِمَّا لَا اَخَافُ» (3). یعنی: «خداوندا! من این تربت را از قبر ولی تو و فرزند ولی تو برداشته ام، او را سبب امنیت و محافظت من از آن چه می ترسم و یا نمی ترسم قرار بده».

چنانچه کسی را سحر کرده باشند، دعای مفصلی وارد شده است که آن را به تربت کربلا خوانده و تربت را مهر کرده و بر او آویزان می کنند، که به خاطر طولانی بودن دعا از نقل آن خودداری کردیم (4).

ص: 77

1- . قسمت داخل پرانتز طبق نقل بحار است.

2- . قسمت داخل پرانتز طبق نقل بحار است.

3- . الأمان من أخطار الأسفار: 47، بحار 100 / 109.

4- . رجوع شود به: طبّ الائمه عليهم السلام: 45 - 47، بحار 95 / 113.

5- گذاشتن تربت کربلا همراه با میت

یکی از اعمال مستحب هنگام دفن اموات این است که همراه با میت در قبر و همچنین در کفن او قدری تربت نهاده شود. این عمل اظهار محبت به سالار شهیدان علیه السلام و توسل و استشفاع به آن حضرت در درگاه خداوند است.

سید ابن طاووس می فرماید: روایت شده که: «گذاشتن تربت همراه با میت برای او امان است»⁽¹⁾.

در فقه رضوی آمده: «در کفن میت، قدری تربت گذاشته شود»⁽²⁾.

شیخ احمد طبرسی می نویسد: از امام زمان علیه السلام سؤال شد: آیا جایز است شهادت به وحدانیت، با تربت یا غیر آن بر کفن نوشته شود؟

آن حضرت در جواب مرقوم فرمود: «آری (جایز است)»⁽³⁾.

و در روایت دیگری که شیخ طبرسی و شیخ طوسی نقل کرده اند، آمده است که از آن حضرت سؤال شد: آیا همراه میت در قبر تربت

ص: 78

1- . فلاح السائل: 84، مستدرک 1 / 106.

2- . فقه الرضا علیه السلام: 184، مستدرک 1 / 106.

3- . احتجاج: 489، وسائل 2 / 758، بحار 53 / 165.

گذاشته شود؟ حضرت در جواب نوشتند: «هم همراه او در قبر گذاشته شود و هم با حنوط او مخلوط گردد»(1).

امام رضا علیه السلام فرمود: «چرا وقتی میت را دفن می کنید و سرش را بر خاک می گذارید، در مقابل صورتش - نه زیر سرش - کینه ای(2) از خاک (قبر امام حسین علیه السلام) نمی گذارید؟»(3).

شیخ ابن حمزه طوسی می گوید: هنگامی که امام کاظم علیه السلام برای حضور در دفن يك بانوی شیعه به نام شطیظه، به اعجاز از مدینه به نیشابور آمد، قدری تربت امام حسین علیه السلام در قبر شطیظه ریخت(4).

به طور عشق اگر ره به سوی نور برم *** ز شمع روی تو نوری به کوه طور برم

ز خاک پای تو بر گوشه کفن بندم *** به خلد سر مه ای از بهر چشم حور برم

گر از حریم تو دور افتم ای حسین شهید *** بگو دگر کجاره من صبور برم

به وقت مرگ به بالین ما قدم بگذار *** روا مدار که این آرزو به گور برم

ص: 79

1- . احتجاج: 489، وسائل 2 / 742، بحار 53 / 165.

2- . «کینه» در کلام عرب به معنای خشت است، ولی از موارد استعمال آن استفاده می شود که معنای وسیعتری دارد و شامل چیزهای مربع شکل و چهارگوش نیز می شود. در منجدالطلاب گوید: لَبْنُ الشَّيْءِ: رَبَّعُهُ وَجَعَلَهُ كَاللَّبْنَةِ، وروایتی که به نقل از ابن ابی شیبیه خواهد آمد نیز بر این مطلب دلالت دارد. نتیجه آن که کینه بر مُهر تربت نیز اطلاق می شود.

3- . مصباح المتهجد: 735، وسائل 2 / 742، بحار 82 / 45.

4- . ثاقب المناقب: 439 - 446، مستدرک 1 / 106.

در آغاز سخن از سجده بر تربت ، چکیده ای از سخن علامه امینی درباره سجده بر خاک را می آوریم:

سجده بر خاک

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «جُعِلَتْ لِيَ الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَ طَهُورًا». یعنی: خدای تعالی زمین را محل سجده من و یکی از اسباب تحصیل طهارت برای من قرار داده است.

این کلام شریف از جمله روایتهایی است که شیعه و سنی در نقل آن اتفاق دارند. از روایتهای اهل تسنن نیز استفاده می شود که در حال اختیار، سجده بر غیر زمین و آنچه از آن می روید جایز نیست.

در روایتهای آنها آمده است: اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله در گرمای شدید، سنگریزه های مسجد را در دست می گرفتند تا از حرارت آن کاسته شود و سپس در حال سجده پیشانی خود را بر آن می گذاشتند.

در هیچ يك از صحاح سته، یا اصول مورد اعتماد روایی آنها، هیچ

روایتی هر چند ضعیف یافت نمی شود که بر جواز سجده بر غیر زمین و آنچه از آن می روید - در حال اختیار- دلالت داشته باشد.

سجده بر فرش، سجاده و... که از پشم و کرک و ابریشم و مانند آن بافته شده باشد، جایز نیست و بدعت است .

مناسب با سجده به عنوان اظهار ذلت و خشوع در قبال عظمت مولای حقیقی این است که نمازگزار صورت خویش را بر خاک نهاده و یادآور نهایت پستی خویش شود که او از خاکی است که از آن آفریده شده و به آن نیز باز می گردد و دیگر بار نیز از آن محشور خواهد شد.

آری، این یکی از اسباب موعظه انسان است و باعث خضوع روحی و باطنی است، و این معانی بلند هیچگاه در سجده بر بافته شده های از پشم و دیبا و ابریشم و مانند آن که اسباب آسایش و رفاه است، یافت نمی شود(1).

سجده بر تربت امام حسین علیه السلام

سجده، نهایت خضوع و خشوع انسان در پیشگاه خدای بی همتا است. فرمانی است از جانب او که در نمازها این خضوع خاص را بر خاک و آنچه از آن می روید و خوردنی و پوشیدنی نباشد، به جا آوریم. کسی که معنای عبودیت را دریافته باشد و خود را بنده حق تعالی بداند، هیچگاه در مقابل دستورهایی او چون و چرایی نمی کند.

حال اگر اثبات شود که او دوست می دارد این سجده بر خاک قبر

ص: 81

1- . سیرتنا و سنتنا: 146 - 157 و رجوع شود به السجود علی الأرض تألیف احمدی میانجی .

سرور و سالار شهیدان حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام باشد، آیا این منافاتی با عبادت نمازگزار دارد؟ یا این که تأکید می کند: من در این جهت نیز از خویشتن اختیاری ندارم، هر آنچه مولا بپسندد من نیز می پسندم. پس این نیز خضوع دیگری در ساحت قدس او و در پیشگاه اولیای او است.

آری خدای حکیم دانا، چنین اراده فرموده که یاد و نام حضرت سیدالشهدا علیه السلام، که زنده کننده نماز و عبادت است زنده بماند.

خاطره مجاهدت بی نظیر او و فداکاری یاران باوفایش، که بنابر فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام در تمام عالم هستی نظیر ندارند(1)، هیچگاه از خاطر نمازگزاران و عبادت کنندگان دور نشود.

شیعه هیچگاه تربت را معبود خویش قرار نداده است و غیر خدا را سزاوار پرستش نمی داند، و همچنان که همه مسلمانان عالم به سوی کعبه نماز می گزارند، بدون آن که کعبه را پرستیده باشند، همچنین ما برای اطاعت این فرمان استجابی بر خاک کربلا نماز می گزاریم.

شیخ صدوق قدس سره از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود:

«سجده کردن بر خاک قبر امام حسین علیه السلام باعث می شود که تا زمین هفتم نورانی گردد»(2).

ص: 82

1- . اشاره است به فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام: «کسی از پشینیان بر آنها سبقت نگرفته و هیچ کس از آیندگان نیز به رتبه و مقام آنها نخواهد رسید». کامل الزیارات: 270، تهذیب 6 / 73، خرائج: 183، بحار 41 / 295 و 101 / 116 و رجوع شود به: کنز العمال 13 / 655 - 656.

2- . فقیه 1 / 268، وسائل 3 / 607 - 608.

شیخ طبرسی از آن حضرت روایت می کند که فرمود: «سجده بر تربت سیدالشهدا علیه السلام حجابهای هفت گانه را دریده و پاره می کند» (1).

شیخ طوسی (متوفای 460 ق) و قطب راوندی (متوفای 573 ق) از معاویه بن عمار نقل می کنند:

امام صادق علیه السلام کیسه ای از دیبای زرد رنگ داشت، که در آن تربت امام حسین علیه السلام گذاشته بود. هنگام نماز آن خاک را بر سجاده ریخته و بر آن سجده می کرد و می فرمود:

«سجده بر تربت ابی عبدالله الحسین علیه السلام حجابهای (2) هفت گانه را پاره کرده و از بین می برد» (3).

شیخ دیلمی (متوفای 771 ق) می فرماید: امام صادق علیه السلام برای اظهار خشوع و خضوع نزد خدای تعالی بر غیر تربت امام حسین علیه السلام سجده نمی کرد (4).

ص: 83

1- مکارم الاخلاق: 302، وسائل 4 / 1033.

2- لفظ حجاب - که در این روایت و روایت پیشین آمده - در لغت به معنای مانع است، ممکن است در این جا آنچه مانع از قبول نماز است یا آنچه مانع از تقرب انسان به خداوند باشد و یا هر چیزی که از رشد و تکامل انسان جلوگیری می کند و امثال این معانی مقصود باشد. اما تعیین این هفت حجاب و شرح و بیان آن در روایات به نظر نرسیده است، گرچه بعضی از بزرگان مطالبی را در شرح این بخش از روایت فرموده اند، ولی تنها به صورت احتمال می توان آن را پذیرفت و دلیلی بر آن اقامه نشده است. رجوع کنید به: انوار المواهب: 393، جنتان مدهامتان 2 / 68، شفاء الصدور: 188، خصائص الحسینیه علیه السلام: 68، وقائع الأيام خیابانی: 177.

3- مصباح المتهجد: 733، دعوات: 188، وسائل 3: 608، بحار 85 / 153 و 101 / 135.

4- ارشاد القلوب: 115، وسائل 3 / 608، بحار 85 / 158.

شیخ احمد طبرسی (متوفای قرن ششم) و قطب راوندی (متوفای 573 ق) چنین می نگارند: یکی از پرسشهایی که کتبا به محضر امام زمان علیه السلام فرستاده شد آن بود که آیا سجده بر مَهری که از خاک قبر امام حسین علیه السلام ساخته شده باشد فضیلتی دارد؟ آن سرور گرامی در جواب مرقوم فرمود: «این کاری درست و دارای فضیلت است»⁽¹⁾.

این روایتها از عالمان بزرگ شیعه به ما رسیده و بسیاری از بزرگان ما در کتب روایی خویش آن را نقل کرده اند که نقل همه آن مصادر باعث تطویل است. بلکه بعضی از بزرگان سجده بر تربت را شعار مذهب حقه امامیه می دانند⁽²⁾.

فقیه متبحر شیعه محمد حسن نجفی معروف به صاحب جواهر پس از بیان این که بهترین چیز برای سجده تربت امام حسین علیه السلام است می فرماید: این مطلب قطعی است و سیره عملی شیعه بر آن قرار گرفته است⁽³⁾.

فقیهان ما بدون استثناء سجده بر تربت را عملی راجح می دانند و فتاوی بسیاری از آنها بر استحباب، در کتب فقهی مذکور است. از باب نمونه فقیه متبحر سید یزدی قدس سره می فرماید: «وَأَفْضَلُ مِنَ الْجَمِيعِ التُّرْبَةُ الْحُسَيْنِيَّةُ؛ فَإِنَّهَا تَخْرِقُ الْحُجْبَ السَّبْعَ، وَتَسْتَنِيرُ إِلَى الْأَرْضِينَ السَّبْعِ»⁽⁴⁾.

ص: 84

1- . احتجاج: 489، دعوات: 188، وسائل 3 / 608، بحار 53 / 165.

2- . أنوار المواهب: 392.

3- . جواهر الكلام 8 / 437.

4- . العروة الوثقى 1 / 593، كتاب الصلاة، مسجد الجبهة، مسأله 26.

یعنی: در بین چیزهایی که سجده بر آن صحیح است، سجده بر تربت امام حسین علیه السلام فضیلتش از همه بیشتر است، زیرا حجابهای هفت گانه را دریده و تا زمین هفتم را نورانی و روشن می کند.

همه فقیهانی که بر عروة الوثقی تعلیقه زده اند، مطلب فوق را از ایشان تلقی به قبول نموده اند.

مرحوم محدث نوری از شهید اول - که از فقهای بزرگ شیعه به شمار می رود - نقل کرده است: «اگر نماز انسان به نحوی باشد که قابلیت پذیرش در درگاه خدای عزوجل را نداشته باشد، چنانچه بر تربت امام حسین علیه السلام نمازش را به جا آورد آن نماز مورد قبول درگاه خداوند تعالی واقع می شود»⁽¹⁾.

البته تذکر این مطلب ضروری است که مقصود عدم قابلیت از جهت صفات نفسانی نمازگزار، اخلال به حضور قلب و مانند آن است، اما در صورتی که خللی از ناحیه شرایط و اجزای نماز باشد، باید طبق وظیفه اش تدارک کند.

مُهر تربت

خاک کربلا یا هر خاکی را به شکل خاصی قالب زده و به صورت مُهر در بیاورند هیچ اشکالی ایجاد نمی کند، چون این کار برای سهولت همراه داشتن و حمل و نقل آن است.

ص: 85

در توقیع شریفی که از احتجاج شیخ طبرسی نقل کردیم، امام زمان علیه السلام حکم به استحباب و صحت این عمل فرموده اند. (1)

اهل تسنن نیز در این زمینه روایت دارند، چنان که ابن ابی شیبّه (متوفای 235 ق) - استاد بخاری - در کتاب المصنّف بابی با عنوان «مَنْ

كَانَ يَحْمِلُ فِي السَّفِينَةِ شَيْئًا يَسْجُدُ عَلَيْهِ» ترتیب داده است. یعنی: این باب مربوط به کسی است که همراه خویش در کشتی چیزی حمل می کرد تا بر آن سجده کند. سپس نقل می کند که:

«إِنَّ مَسْرُوقًا إِذَا سَافَرَ حَمَلَ مَعَهُ فِي السَّفِينَةِ لَبَنَةً يَسْجُدُ عَلَيْهَا» (2). یعنی: مسروق بن أجدع (3) هنگامی که به سفر دریا می رفت همراه خویش در کشتی، گِل قالب ریزی شده ای می برد تا بر آن سجده کند.

ص: 86

1- رجوع شود به صفحه: 84 همین کتاب.

2- المصنّف 2/270.

3- مسروق بن أجدع متوفی 62 ق از فقها و بزرگان تابعین است و اهل تسنن اتفاق بر جلالت و فقاهاست او دارند، برای اطلاع از شرح حالش رجوع شود به: سیر اعلام النبلاء 4/69 - 64.

7- فضیلت تسبیح تربت

از اموری که همیشه بین پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام رواج داشته استفاده از تسبیح تربت است، ذکر گفتن با تسبیح تربت، بلکه گردانیدن آن بدون ذکر و حتی همراه داشتن آن سفارش شده است.

امام صادق علیه السلام تاریخچه ساختن تسبیح تربت را چنین بیان فرموده اند: «حضرت زهرا علیها السلام ریسمانی از پشم را به عدد تکبیرها گره زده بود (یعنی 34 گره) و با آن ذکر می گفت. پس از شهادت حضرت حمزه سیدالشهدا علیه السلام از خاک قبر ایشان تسبیح ساخته می شد. هنگامی که امام حسین علیه السلام به شهادت رسید مردم به جهت فضیلت و مزیتی که تربت آن گرامی دارا بود، به آن روی آورده و از آن تسبیح ساختند»(1).

امام کاظم علیه السلام فرمود: «شیعیان ما از چهار چیز بی نیاز نیستند: سجاده نماز، انگشتر، مسواک، تسبیح تربتی که سی و سه دانه داشته باشد، هرگاه آن را بگرداند و ذکر خدا بگوید به هر دانه برایش چهل حسنه

ص: 87

1- . مزار شیخ مفید قدس سره : 150، مستدرک 1 / 248.

نوشته شود، و اگر غفلت کند ... برای او بیست حسنه نوشته شود»(1).

سابقاً نیز روایتی درباره درخواستِ تسبیحِ تربت کردن حورالعین از فرشتگان ذکر کردیم(2).

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: آیا (تسبیح) تربت حضرت حمزه سیدالشهدا علیه السلام افضل است یا تربت امام حسین علیه السلام؟ حضرت فرمودند:

«تسبیحی که از تربت قبر امام حسین علیه السلام ساخته شود، اگر به دست کسی باشد خودش ذکر و تسبیح می گوید، گرچه صاحب آن ساکت باشد»(3).

مرحوم شیخ احمد طبرسی می نگارد:

از امام زمان علیه السلام سؤال شد: آیا جایز است تسبیح گفتن به تربت امام حسین علیه السلام و آیا فضیلتی هم دارد؟ حضرت در جواب مرقوم فرمود: «آری جایز است، هیچ تسبیحی با فضیلت تر از آن نیست. از جمله فضایلش آن است که اگر انسان ذکر گفتن را فراموش کند ثواب ذکر و تسبیح برایش نوشته خواهد شد»(4).

محدث نوری از حسن بن محبوب - که از بزرگان شیعه و از اصحاب امام رضا علیه السلام است - نقل کرده است: در دست امام صادق علیه السلام

ص: 88

-
- 1- . مزار شیخ مفید قدس سره : 152، مصباح المتعجد: 735، روضة الواعظین: 412، مکارم الأخلاق: 49، وسائل 10 / 421، مستدرک 1 / 341، بحار 76 / 135 - 136.
 - 2- . رجوع شود به صفحه : 52 همین کتاب .
 - 3- . مزار شیخ مفید قدس سره : 151، مکارم الأخلاق: 281، وسائل 4 / 1033، بحار 85 / 333.
 - 4- . احتجاج: 489، وسائل 4 / 1033 - 1034، بحار 53 / 165.

تسبیحی از تربت دیده شد. درباره آن از حضرت سؤال کردند. حضرت در جواب فرمود: «این تسبیح تربت فایده اش برای من بیشتر است (یا این که فرمودند: برای من سبکتر است)»⁽¹⁾. تردید از راوی است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«کسی که تسبیح تربت امام حسین علیه السلام را همراه داشته باشد خداوند متعال او را ذاکر و تسبیح کننده محسوب کند، گرچه با آن ذکر نگوید»⁽²⁾.

در مورد ثواب گرداندن تسبیح تربت روایتها مختلف است، که ممکن است به حسب حالات گرداننده آن یا به حسب دوری و نزدیکی آن خاک به قبر امام حسین علیه السلام، یا وجه دیگری که ما از درک آن قاصریم، این ثوابها کم و زیاد شود.

امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر هنگام ذکر گفتن آن را بگرداند چهل حسنه، و اگر از روی غفلت بگرداند يك حسنه برایش نوشته شود»⁽³⁾.

در روایت دیگر از آن حضرت چنین نقل شده است که :

«اگر يك دوره استغفار یا هر ذکر دیگری با تسبیح تربت بگوید خداوند متعال هفتاد برابر برای او پاداش ثبت نماید؛ و اگر با آن ذکر نگوید و آن را بگرداند، برای گرداندن هر دانه، هفت مرتبه (ثواب ذکر

ص: 89

1- . مزار شیخ مفید قدس سره : 151، مستدرک 2 / 222.

2- . فقیه 1 / 268، وسائل 3 / 607 - 608، مستدرک 1 / 340، بحار 85 / 340.

3- . بحار 85 / 340، مستدرک 1 / 341.

و تسبیح) برایش نوشته خواهد شد»(1).

در روایت دیگری از آن حضرت آمده است: «کسی که با تسبیح تربت يك مرتبه تسبیح بگوید خدای تعالی برای او چهارصد حسنه نوشته و چهارصد سیئه محو کرده و چهارصد حاجت او را روا سازد و بر درجه اش چهارصد درجه بیفزاید».

سپس فرمودند: «باید ریسمانش به رنگ آبی بوده و سی چهار دانه داشته باشد، چنان که تسبیح حضرت زهرا علیهاالسلام که از خاک قبر حضرت حمزه علیه السلام ساخته بودند این چنین بود و پس از هر نماز با آن تسبیح و ذکر می گفتند»(2).

امام رضا علیه السلام فرمود:

«کسی که با تسبیح تربت «سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله أكبر» بگوید، با هر دانه آن خداوند تعالی برای او شش هزار حسنه نوشته و شش هزار سیئه محو کرده و درجه اش را شش هزار درجه بالا برده و شش هزار شفاعت برایش مقرر کند»(3).

ص: 90

1- . مزار شیخ مفید قدس سره : 150، مصباح المتهدجد: 735، وسائل 4 / 1033، بحار 85 / 334.

2- . بحار 85 / 340، مستدرک 1 / 341.

3- . مزار شیخ مفید قدس سره : 151، بحار 85 / 340، مستدرک 1 / 248.

8- حدّ حرم امام حسین علیه السلام

در مورد حدّ زمین کربلا از جهت شفا بودن و برکت داشتن و به تعبیر جامع آنچه تربت محسوب می شود، روایتهای مختلفی رسیده است. این روایتها به استثنای دو روایت که در آخر ذکر می شود، همه از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

1. «نزد سر مبارک امام حسین علیه السلام تربت سرخی است که شفای هر دردی است»⁽¹⁾.

2. «موضع قبر امام حسین علیه السلام یکی از باغهای بهشتی است»⁽²⁾.

3. «محل قبر امام حسین علیه السلام به اندازه بیست ذراع⁽³⁾ در بیست ذراع،

یکی از باغهای بهشتی است»⁽⁴⁾.

4. «برای موضع قبر امام حسین علیه السلام حرمت شناخته شده ای است، که

ص: 91

1- . کافی 4 / 588، کامل الزیارات: 280.

2- . کامل الزیارات: 271، فقیه 2 / 579 و 600، مصباح المتعجد: 732.

3- . ذراع یعنی اندازه دست انسان از سرانگشت وسط تا آرنج که کمتر از نیم متر است.

4- . کامل الزیارات: 112 و 114 و 272، تهذیب 6 / 72، مصباح المتعجد: 732، روضة الواعظین: 411، وسائل 10 / 401.

هرکس حرمت آن را بشناسد و به آن پناه برد او را پناه دهند»، راوی عرض کرد: آن محل را برای من بیان فرمائید. حضرت فرمود: «از جایی که الآن قبر حضرت است بیست و پنج ذراع از طرف سر و به همین اندازه از طرف پاها و همچنین پشت سر و از طرف مقابل صورت مبارك آن حضرت حساب کن»(1).

5. «از خاک قبر سیدالشهد علیه السلام تا هفتاد ذراع برداشته می شود»(2).

6. «از خاک قبر امام حسین علیه السلام تا فاصله هفتاد باع(3) در هفتاد باع برداشته می شود»(4).

7. «خاک قبر امام حسین علیه السلام شفاست، گرچه به فاصله يك ميل(5) از قبر برداشته شود»(6).

8. «حرم امام حسین علیه السلام يك فرسخ در يك فرسخ(7) است از چهار طرف قبر مطهر»(8).

ص: 92

1- . کامل الزیارات: 272، کافی 4 / 588، ثواب الأعمال: 94، مزار شیخ مفید قدس سره: 24 و 141، تهذیب 6 / 71، مصباح المتهدجد: 731، وسائل 10 / 400 - 401.

2- . کافی 4/588، تهذیب 6/74، مصباح المتهدجد: 732، روضة الواعظین: 412، وسائل 10/400.

3- . باع، یعنی اندازه دو دست هنگامی که کاملاً از هم باز و به دو طرف بدن کشیده شود، که در زبان فارسی آن را يك بَغْل می گویند.

4- . کامل الزیارات: 280 - 281، مزار شیخ مفید قدس سره: 145 .

5- . کامل الزیارات: 275، مزار شیخ مفید قدس سره: 143، مکارم الأخلاق: 166، وسائل 10 / 402.

6- . يك ميل 1830 متر و اندی است.

7- . هر فرسخ پنج کیلومتر و نیم است.

8- . کامل الزیارات: 271، مزار شیخ مفید قدس سره: 140، تهذیب 6 / 71، مصباح المتهدجد: 731، وسائل 10 / 399.

و همین روایت به این نحو هم نقل شده است: «حرم آن حضرت يك فرسخ در يك فرسخ در يك فرسخ در يك فرسخ است»⁽¹⁾.

9. «حرم امام حسین علیه السلام زمینی است که به فاصله چهار میل در چهار میل آن را خریدند. این بخش زمین برای فرزندان و موالیان آن حضرت مباح است و بر مخالفان آنها حرام، و برکت در این قسمت است»⁽²⁾.

10. «استشفا می شود به خاک کربلا تا فاصله چهار میلی قبر امام حسین علیه السلام»⁽³⁾.

11. «تربت از قبر امام حسین علیه السلام تا فاصله ده میل است»⁽⁴⁾.

12. «حرم امام حسین علیه السلام پنج فرسخ از چهار طرف قبر آن حضرت است»⁽⁵⁾.

13 - 14. در برخی از کتب فقهی مرسلاً نقل شده است که: «مراد از تربت امام حسین علیه السلام خاک اطراف قبر آن حضرت تا چهار فرسخ و بنابر روایت دیگر تا هشت فرسخ است»⁽⁶⁾.

ص: 93

1- . کامل الزیارات: 282.

2- . کشکول شیخ یوسف بحرانی قدس سره 3 / 389، مستدرک 2 / 217.

3- . کامل الزیارات: 280.

4- . تهذیب 6 / 72، وسائل 10 / 401. در بعضی از نسخه های تهذیب به جای «تربت»، لفظ «برکت» آمده است که مقصود از آن نیز با نسخه متن یکی می باشد، رجوع شود به بحار الانوار 98/116.

5- . کامل الزیارات: 272، مزار شیخ مفید قدس سره: 25 و 140، فقیه 2 / 579 و 600، تهذیب 6 / 71، مصباح المتعجد: 731، وسائل 10 / 399 و 401.

6- . شرح لمعه 7 / 327، المهذب البارع 4 / 221، جواهر 36 / 366 - 367.

محدث کبیر علامه مجلسی پس از نقل بعضی از این روایتها می فرماید: شیخ طوسی و عالمان پس از او در کیفیت جمع بین این روایتها فرموده اند: «تا آخرین حدی که در روایات وارد شده، خوردنش جایز است، ولی هرچه به قبر نزدیکتر باشد فضیلت آن بیشتر است».

سپس می فرماید: «احتیاط در مورد خوردن (نه بقیه موارد تبرک و سجده و...) این است که از یک میل بلکه هفتاد ذراع تجاوز نکند، بلکه در این قسمت هم باز هرچه به قبر نزدیکتر باشد هم مطابق احتیاط و هم افضل است».

سپس از محقق اردبیلی نقل می کند: «هر چه لفظ تربت امام حسین علیه السلام بر او صدق کند خوردنش جایز است، و موضوع حکم در بعضی از روایتها گرچه خاک قبر است، ولی روشن است که چنین چیزی همیشه ممکن نیست»⁽¹⁾.

در این زمینه آرای متفاوت دیگری نیز بین دانشمندان فقه و حدیث وجود دارد، که نقل همه آنها از بحث ما خارج است⁽²⁾. برخی از مراجع

معاصر در مورد مهر و تربتهایی که فعلاً در دسترس است (و معمولاً از فاصله دور تهیه می شود) فرموده اند - بنابر احتیاط یا فتوی - آن را در آب حل کنند تا مستهلك شود سپس آن آب را به قصد شفا بیاشامند⁽³⁾.

ص: 94

1- . بحار 60 / 160. و رجوع شود به : تهذیب 6 72، مصباح المتهجد: 732.

2- . جواهر الکلام 36 / 364 - 367.

3- . رجوع شود به بخش اطعمه و اشربه وسیلة النجاة و حواشی آن .

اشاره

در این بخش مطالبی که تحت عنوان خاصی در نمی آمد، اما به نحوی بیانگر عظمت و اهمیت سرزمین مقدس کربلا یا تربت بود را مطرح می کنیم.

نام کربلا در قرآن

سعد بن عبدالله اشعری که از فقیهان و عالمان بزرگ شیعه است می گوید: خدمت امام حسن عسگری علیه السلام شرفیاب شده عرض کردم:

سؤالهایی دارم. فرمود: «از نور دیده ام سؤال کن».

از امام زمان علیه السلام سؤال کردم که تأویل کهیحص (1) چیست؟

حضرت چنین جواب داد: «این حروف از اخبار غیبی است که خداوند بنده خویش زکریا علیه السلام را از آن با خبر کرد، و سپس داستان آن را برای پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله بازگو کرد.

ص: 95

قضیه از این قرار بود که حضرت زکریا علیه السلام از خدای عزوجل درخواست کرد که اسامی مبارک پنج وجود مقدس علیهم السلام را به او تعلیم نماید. خداوند جبرئیل را فرستاد و آن اسامی را به وی تعلیم داد.

از آن پس وقتی نامهای حضرت محمد صلی الله علیه و آله و حضرت علی و حضرت فاطمه و حضرت امام حسن علیهم السلام را بر زبان جاری می کرد اندوه و ناراحتی او زایل می شد، ولی هرگاه نام مبارک امام حسین علیه السلام را ذکر می کرد گریه اش می گرفت و (از فرط غم و غصه) نَفَس او به شماره می افتاد. روزی به درگاه حق تعالی عرض کرد: بار الها، چرا نام آن چهار نفر را که ذکر می کنم اندوهم تسکین می یابد، ولی هنگامی که نام حسین علیه السلام را بر زبان می آورم اشکم جاری می شود و آه از نهادم بر می آید؟ در این جا خدای تبارک و تعالی او را از قضیه امام حسین علیه السلام با خبر کرد و فرمود:

کهیصص ، که : «کاف» اسم کربلا، «هاء» هلاک شدن و شهادت عترت طاهره علیهم السلام، «یاء» یزید که به امام حسین علیه السلام ستم می کند، «عین» عطش امام حسین علیه السلام و «صاد» صبر آن حضرت است.

حضرت زکریا از شنیدن این مطلب تا سه روز ملازم مسجد و عبادتگاه خویش شده و کسی را به آن جا راه نداد و مشغول گریه و ناله با صدای بلند و مرثیه سرایی برای امام حسین علیه السلام شد»(1).

ص: 96

خرید و فروش تربت

امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که تربت امام حسین علیه السلام را بفروشد در حقیقت گوشت امام حسین علیه السلام را خرید و فروش کرده است»⁽¹⁾.

محدث عالی مقام شیعه حَرّ عاملی می فرماید: منظور از تربت در این روایت خاک خود قبر است و احتمال دارد که روایت حمل بر کراهت شود و بگوییم: مستحب است انسان تربت را بدون دریافت وجهی به دیگران بذل کند⁽²⁾.

تربت و برکت

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: آیا تربت امام حسین علیه السلام را برای طلب برکت برداریم؟ فرمودند: «اشکالی ندارد»⁽³⁾.

عزاداری حیوانات در کربلا

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «به خدا قسم، گویا این منظره در مقابل دیدگانم مجسم است که حیوانات وحشی بر قبر حسینم گردن کشیده اند، و از شب تا به صبح بر او مرثیه سرایی می کنند. مبادا شما در آن زمان در حق او جفا کنید (و زیارت آن حضرت را ترك کنید)»⁽⁴⁾.

ص: 97

1- . کامل الزیارات: 286، بحار 101 / 130، وسائل 16 / 489.

2- . وسائل 16 / 489.

3- . کامل الزیارات: 246، بحار 101 / 125.

4- . کامل الزیارات: 291، بحار 45 / 205 و 6 / 101 . در مورد عزاداری حیوانات در مصیبت امام حسین علیه السلام نیز رجوع شود به : دار السلام محدث نوری 4 / 466 - 467، دار السلام عراقی: 499 - 501، داستانهای شگفت: 152 - 154.

پاکیزگی و صفای خاک کربلا

در زیارت سالار شهیدان از امام صادق علیه السلام آمده است: «طَهَّرْتُ أَرْضَ أَنْتَ بِهَا، وَ طَهَّرَ حَرَمُكَ». یعنی: «سرزمینی که شما را در بر دارد و حرم شما طاهر، پاک و از آلودگیها منزّه است»(1).

در زیارت شهدای کربلا - به تعلیم امام صادق علیه السلام - می گوئیم:

«طَبَّئْتُمْ وَطَابَتِ الْأَرْضُ الَّتِي فِيهَا دُفِنْتُمْ». یعنی: «ای عزیزانی که در رکاب فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله دست از جان خویش شسته و آن را تقدیم کردید، شما از آلودگیها و پلیدیها پاک و منزّه بوده و زمینی که در آن به خاک سپرده شدید نیز زمینی پاک و پاکیزه است»(2).

اشک امام علیه السلام

ابوبکار گوید: قدری از خاک سرخ رنگ بالای سر امام حسین علیه السلام برداشته و هنگامی که شرفیاب حضور حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه السلام شدم خدمت آن گرامی عرضه کردم.

حضرت آن را در دست گرفته و می بویید و می گریست. سپس فرمود: «این تربت جدّ من است»(3).

ص: 98

-
- 1- . کامل الزیارات: 235، بحار 101 / 182.
 - 2- . مصباح المتعجد: 723، بحار 101/201 و رجوع شود به: اقبال: 335، البلد الأمين: 290، مصباح شیخ کفعمی قدس سره: 503 - 504، بحار 101/362.
 - 3- . کامل الزیارات: 283.

خریداری زمین کربلا توسط امام حسین علیه السلام

جمعی از عالمان بزرگ نظیر شیخ بهائی و محدث جزائری و محدث بحرانی صاحب حدائق و محدث نوری قدس سرهم روایتی از محمد بن داوود قمی - که استاد فقیهان و محدثان قم در قرن چهارم بوده - نقل کرده اند که :

«امام حسین علیه السلام زمین اطراف قبرش را از اهل نینوا و غاضریه به شصت هزار درهم خریداری کرد و سپس آن را بر آنها تصدق نمود (و بخشید) و با آنها شرط کرد که مردم را به سوی قبر راهنمایی کرده و زائران قبر آن گرامی را تا سه روز مهمان کنند»⁽¹⁾.

شیخ ابوالحسن مرنندی می نویسد: روایت شده است: امام حسین علیه السلام پس از آن که خبر شهادت خود و برادران و یارانش را به اعرابی که در حوالی کربلا بودند اعلام کرد، فرمود: «پس از این شیعیان به جهت زیارت ما به این جا می آیند و بسیاری از آنها ساکن این سرزمین خواهند شد». سپس از آنها درخواست کرد: «این زمین را به من بفروشید تا بر شیعیان خویش وقف کنم». آنها قبول کردند، و حضرت مبلغ زیادی به آنها داد و آن را خریداری و بر شیعیان وقف نمود⁽²⁾.

ص: 99

1- . کشکول شیخ یوسف بحرانی 3 / 389 - 390، مستدرک 2 / 217 به نقل از کشکول شیخ بهائی ، همچنین رجوع شود به : مجمع البحرین 5 / 461 - 462 کربلا.

2- . لوامع الأنوار: 155.

تهیه قبر امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا به دست پیامبر صلی الله علیه و آله

شیخ صدوق و شیخ مفید و دیگر عالمان نقل کرده اند که امام صادق علیه السلام فرمود: «صبحگاهی امّ سلمه مشغول گریه بود. از او سبب پرسیدند، گفت: فرزندم حسین علیه السلام کشته شده است، چون تا به حال خواب پیامبر صلی الله علیه و آله را ندیده بودم و شب گذشته در عالم رؤیا آن حضرت را ژولیده و وحشترده در حالی که خاک بر سر داشت دیدم.

عرض کردم: این چه حالتی است در شما مشاهده می کنم؟

فرمودند: «من شب گذشته مشغول تهیه قبور امام حسین و اصحابش بودم»⁽¹⁾.

و بنابر روایتی فرمودند: «من به دفن آنها مشغول بودم»⁽²⁾.

بوی سیب از قبر امام حسین علیه السلام

جبرئیل علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بود که امام حسن و امام حسین علیهما السلام بر آن حضرت وارد شدند. جبرئیل دست دراز کرده (و از پس پرده غیب) یک عدد سیب، یک عدد به و یک انار در دست گرفته و به آن دو بزرگوار داد.

ص: 100

-
- 1- . امالی شیخ صدوق قدس سره : 202، امالی شیخ مفید قدس سره : 319، روضة الواعظین: 170، بحار 45/230، عوالم 17 / 509 .
 - 2- . مناقب 4 / 55، بحار 227 / 45، عوالم 17 / 507 - 509 . شایان ذکر است که روایت شرکت آن حضرت در دفن شهدای کربلا را علامه ابن شهر آشوب مازندرانی در مناقب از کتب عامه نقل کرده، و مصادر آن عبارت است از: مسند احمد بن حنبل،، کیمیای سعادت غزالی، و الابانة ابن بطه، که در مصدر اخیر پانزده طریق برای این روایت ذکر کرده است .

پنج وجود مقدس علیهم السلام هر چه از آن میوه ها می خوردند باز به حالت اول بر می گشت. پس از شهادت حضرت زهرا علیها السلام انار، و بعد از شهادت

امیر مؤمنان علیه السلام به مفقود شد ولی سیب باقی ماند.

امام حسین علیه السلام روز عاشورا برای این که از حرارت تشنگی کاسته شود آن را می بوید، و در شدت عطش آن را به دندان مبارک می گرفتند.

امام سجاد علیه السلام فرمود: «پس از شهادت امام حسین علیه السلام بوی آن سیب در قتلگاه به مشام می رسید، ولی از خود سیب خبری نبود. هنگامی که به زیارت آن حضرت مشرف شدم بوی آن سیب فضای اطراف قبر را عطر آگین کرده بود.

شیعیان ما که به زیارت آن گرامی مشرف می شوند - اگر مخلص باشند - به هنگام سحر بوی آن سیب را استشمام خواهند کرد»(1).

تربتی که جبرئیل علیه السلام آورده نزد ائمه علیهم السلام است

امام باقر علیه السلام فرمود: «جبرئیل، تربتی را که امام حسین علیه السلام بر آن شهید شد، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آورد»(2)، سپس فرمود: «آن تربت نزد ماست»(3).

ص: 101

1- . با تلخیص از مناقب 3 / 391، بحار 43 / 289 - 290.

2- . روایات آن از شیعه و سنی به نحو متواتر نقل شده است، چنان که صفحه 54 - 52 گذشت .

3- . امالی شیخ طوسی قدس سره 316، بحار 45 / 231، عوالم 17 / 509 .

وجوب احترام تربت کربلا

بی احترامی و همچنین نجس کردن تربت کربلا- حرام است، و اگر نجس شود باید آن را تطهیر کرد، و اگر - العیاذ بالله - تربت یا هر چیز دیگری که احترام آن لازم است مانند ورق قرآن در بیت الخلا افتد واجب است آن را در بیاورند، حتی اگر مستلزم این باشد که به کسی مزدی بدهند تا این کار را انجام دهد و پس از اخراج، تطهیر آن نیز لازم است. و چنانچه خارج کردن آن ممکن نباشد رفتن در آن بیت الخلا حرام است، و مادامی که یقین به اضمحلال و از بین رفتن آن نداشته باشند، باید در آن مسدود شود(1).

نماز مسافر در حرم امام حسین علیه السلام

یکی از امتیازهای حرم امام حسین علیه السلام این است که یکی از چهار مکانی(2) است که مسافر می تواند نمازش را شکسته یا تمام بخواند، بلکه تمام خواندن بهتر است. البته این حکم مخصوص نماز است و مسافر نمی تواند در این چهار مکان روزه بگیرد، و بقیه احکام سفر نیز بر او جاری می شود(3).

ص: 102

-
- 1- . عروة الوثقی و حواشی آن 90/ 1 - 91، مسأله 25 و 26 از احکام النجاسات، مستمسک 1/519، تنقیح 3/ 319.
 - 2- . بقیه آن مکانها عبارتند از: مسجدالحرام، مسجدالنبی صلی الله علیه و آله، مسجد یا شهر کوفه در مورد اخیر فتاوی مختلف است .
 - 3- . وسائل 5/ 543 - 551، باب 25 از ابواب صلاة المسافر، عروة الوثقی 2/ 164 مسأله 11، احکام صلاة المسافر.

دشمنان شیعه با جدیت تمام سعی در تخریب و از بین بردن حرم مطهر امام حسین علیه السلام کرده اند و مکرر اقدامهای وسیعی به دست آنها صورت گرفته است، ولی هنگامی که دست به کار تخریب شده اند معجزه هایی از قبر مطهر ظاهر شده و جمعی از آنان به عقوبت الهی گرفتار شده اند. آری مشیت الهی بر این قرار گرفته است که روز به روز رونق آن بارگاه بیشتر و جذابیتش افزونتر گردد.

شیخ الطائفه طوسی، علامه مجلسی و محدث بحرانی اصفهانی قدس سرهم در این زمینه روایتهایی نقل کرده اند، مناسب است مراجعه شود(1).

ص: 103

1- . امالی شیخ طوسی قدس سره 1 / 329 - 321 ، بحار 45 / 390 - 407، عوالم 17 / 719 - 731 . برای مزید اطلاع از دفعات تخریب و تجدید بنای صحن مطهر رجوع شود به : تاریخچه کربلا نوشته حاج شیخ محمد کلباسی حائری، و شهر حسین نوشته شیخ محمد باقر مدرس .

فقیهان بزرگ شیعه همواره در کتب فتوایی و استدلالی خویش، مطالبی را درباره تربت و حرم امام حسین علیه السلام مورد توجه قرار داده اند، در مباحثی نظیر: حرمت توهین و بی احترامی به تربت، لزوم تطهیر آن در صورت نجس شدن، نوشتن شهادتین و غیره بر کفن با تربت، استحباب گرداندن تسبیح تربت، استحباب افطار روز عید فطر با تربت، استحباب خوردن کمی تربت در عصر عاشورا (1)، مکانهایی که مسافر می تواند نماز را تمام بخواند، تحدید حرم امام حسین علیه السلام، استحباب برداشتن کام نوزاد با تربت، استحباب همراه داشتن تربت در سفر برای سلامتی، حرمت خوردن خاک به استثنای تربت برای استشفاء.

در يك بررسی کوتاه شصت مورد آن در کتب فقهی ملاحظه شد که چند مورد آن ذکر می شود: شیخ الطایفه شیخ محمد بن حسن طوسی (متوفای 460 ق) می فرماید: «از جمله مطالبی که هیچ يك از فقهای مذاهب با فقیهان شیعه موافقت نکرده اند، سه مورد ذیل است:

ص: 104

1- . عده ای از فقها - با توجه به سایر روایات - فرموده اند: کسی که بیمار نیست نمی تواند روز عید فطر و عصر عاشورا تربت را تناول نماید .

1. نوشتن شهادتین بر کفن میت

2. نوشتن اقرار به پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین علیهم السلام بر کفن

3. گذاشتن تربت همراه با میت

دلیل ما در این سه مورد این است که: همه شیعیان بر این سه امر اتفاق داشته و سیره عملی آنها بر آن جاری بوده است»⁽¹⁾.

دانشمند بزرگ شیعه محمد بن مکی عاملی معروف به شهید اول (متوفای 786 ق) در آخر مزار می فرماید: «همه علمای شیعه اتفاق دارند بر (فضیلت و استحباب) استشفای به تربت امام حسین علیه السلام و این که تسبیح و ذکر گفتن با تسبیح تربت افضل است و اخبار متواتر بر آن دلالت دارد.

جایز است برداشتن از تربت حرم مطهر آن حضرت گرچه از فاصله دور باشد...، و هر چه به ضریح مطهر نزدیکتر باشد فضیلت بیشتری خواهد داشت».

سپس می فرماید: «سزاوار است کسی که به زیارت آن گرامی مشرف می شود همراه خویش قدری تربت بیاورد تا نزدیکان و فرزندان و هم وطنان او نیز از برکت آن استفاده کنند، چرا که این تربت شفای هر درد و امان از هر ترس است».

و در آخر کلام خویش چنین می نگارد: «سجده کردن بر تربت از برترین اعمال به شمار می رود»⁽²⁾.

ص: 105

1- . خلاف 1 / 286، جواهر الکلام 4 / 225.

2- . دروس: 159.

مستفاد از فرمایش علامه حلی (متوفای 726ق) این است که گذاشتن تربت همراه با میت به چندین نحو ممکن است؛ چون تبرک به هر يك از آنها حاصل می شود.

1. تربت را در صورت میت بگذارند.

2. تربت را در لحد، مقابل صورت میت بگذارند.

3. تربت زیر گونه های او گذاشته شود(1).

فقیه بزرگوار جمال الدین احمد بن فهد حلی (متوفای 841 ق) می فرماید: «تربتی که خوردن آن جایز است لازم نیست که از قبر مطهر برداشته شده باشد، بلکه کافی است از حرم باشد. فاصله آن هم تا چهار فرسخ و بنابر روایت دیگر تا هشت فرسخ از قبر مطهر است، گرچه هرچه نزدیکتر باشد افضل است».

و در ادامه کلام خویش می فرماید: «سجده بر تربت از بهترین اعمال، و تسبیح گفتن و ذکر گفتن و استغفار کردن با تربت موجب می شود که ثواب آن چندین برابر شود».

پس از تأکید در سوغات بردن تربت می فرماید: «گذاشتن تربت همراه با میت و نوشتن با تربت بر روی کفن، از اعمال مستحبی است که در شرع بر آن تأکید شده است».

سپس می نویسد: «حتی اگر طیب به انسان بگوید خوردن تربت برای تو ضرر دارد، باز جایز است برای استشفای آن استفاده کند»(2).

ص: 106

1- . مختلف الشیعة 1 / 121.

2- . المهذب البارع 4 / 220 - 221.

فقیه کبیر و محدث متبّع شیخ یوسف بحرانی (متوفای 1186 ق) می نگارد: «بدون شك احترام کردن تربت کربلا واجب و توهین و بی احترامی به آن حرام است، بلکه چنان که بعضی از عالمان امامیه فرموده اند اگر کسی در استنجا از آن استفاده کند بعید نیست که محکوم به کفر شود»⁽¹⁾.

فقیه متبحر شیخ محمد حسن نجفی معروف به صاحب جواهر (متوفای 1266 ق) می فرماید: «تعظیم و احترام تربت امام حسین علیه السلام مستند به روایتهای متواتر است، چنان که فقیه عالی مقام فاضل مقداد حلّی (متوفای 826 ق) نیز در کتاب تنقیح بدان اشاره کرده است»⁽²⁾.

در جای دیگر چنین می نگارد: «مستفاد از فتاوی عالمان آن است که در استشفاف فقط از خاک قبر امام حسین علیه السلام باید تناول کرد، و خوردن

خاک قبور سایر ائمه طاهرین علیهم السلام، حتی خاک قبر پیامبر صلی الله علیه و آله، جایز نیست. بلکه معروف و مشهور است که این یکی از اختصاصات امام حسین علیه السلام است، چنان که در روایات هم آمده است»⁽³⁾.

شیخ انصاری (متوفای 1281 ق) می فرماید: «کسی را سراغ ندارم که مخالفت کرده باشد در این حکم که: مستحب است جمع کردن بین دو وظیفه: 1. کتابت (شهادتین و غیره)، 2. قرار دادن تربت در قبر»⁽⁴⁾.

ص: 107

1- . حدائق 44 / 2

2- . جواهر الکلام 99 / 6

3- . جواهر الکلام 368 / 36

4- . کتاب الطهارة: 280 چاپ سنگی .

یکی از راههایی که برای فهماندن مقصود به مخاطب از آن استفاده می شود ذکر مثال است. دانشمندان در علوم مختلف پس از بیان مطلب علمی و یا قاعده کلی با آوردن مثال مراد خود را روشن می نمایند. خدای تعالی نیز در قرآن مجید حکایات امتهای گذشته را بازگو کرده تا از آنها عبرت گرفته شود.

بدون شك ذکر حکایت در تفهیم مطلب و مجسم کردن معانی و ترسیم آن در ذهن شیوه مطلوبی است. هنگام ذكر يك ماجرا شنونده و یا خواننده الگوهایی را در برابر خویش می بیند که جوانب مختلف و تأثیرات مثبت و یا منفی آن الگوها را به راحتی درك می کند، و احیانا خود را به جای آن افراد فرض کرده و انعکاس آن در رفتارهای او به خوبی دیده می شود.

قضایایی درباره تربت کربلا و حرم امام حسین علیه السلام از علما و بزرگان نقل شده است که ما از شنیدن آن پی به عظمت آن حضرت برده و از اثرات معجز نمای تربت در زمینه هایی که در روایات آمده است آگاهی پیدا می کنیم، و در نهایت باعث تقویت ایمان و اعتقاد و سعی و کوشش در انجام دستورات پیشوایان دین می گردد.

عالم جلیل القدر محدث قمی می فرماید: «معجزه هایی که به سبب این تربت مقدس ظاهر گردیده است، زیاده از آن است که ذکر شود(1)».

نگارنده گوید: برای این که این نوشتار مختصر از ذکر قضایای مربوط به تربت خالی نباشد، به ذکر چند حکایت بسنده می کنیم.

1. تربت دلیلی بر حقانیت آیین ما

در زمان صفویه یکی از دانشمندان اروپایی به اصفهان آمد. او در علومی چون حساب، هیئت، نجوم و غیره بسیار ماهر بود و حوادثی که برای مردم پیش آمده بود، برای آنها بازگو می کرد.

این شخص که فرستاده پادشاه بود، مطالبه دلیل بر نبوت حضرت خاتم الانبیا محمد صلی الله علیه و آله کرد. سلطان آن زمان از عالمان شیعه درخواست کرد با او بحث و مناظره کنند. هنگامی که مجلس تشکیل شد، محدث شهیر فیض کاشانی رو به او کرده گفت: پادشاه شما چقدر کوتاه فکر بوده که برای چنین کار مهمی کسی مثل تو را فرستاده است!

دانشمند فرنگی با تغییر و ناراحتی گفت: ای عالم مسلمانان، قدر خود را بشناس و از حدّ خویش تجاوز نکن! قسم به عیسی و

ص: 109

مادرش علیهما السلام اگر از احاطه من به علوم و کمالات آگاه بودی، اقرار می کردی که زنان دنیا فرزندی مثل من نزاده اند.

محدث کاشانی (با توجه به مهارت دانشمند فرنگی در خبر دادن از غیب) دست در بغل خویش کرد و از جیب خود چیزی بیرون آورد و گفت: بگو در دست من چیست؟

او در فکر فرو رفته رنگش متغیر گشت. محقق کاشانی گفت: چقدر زود جهالت و نادانی تو ظاهر و ادعای تو باطل گشت!!

او در جواب گفت: به حق عیسی و مادرش مریم علیهما السلام می دانم چه چیزی در دست توست ولی سکوت من جهت دیگری دارد.

به او گفت: برای چه سکوت اختیار کرده ای؟ گفت: می دانم خاک بهشت در دست داری، اما نمی دانم از کجا به دست شما رسیده است؟ ایشان گفت: شاید در محاسبه ات اشتباهی رخ داده باشد.

گفت: به عیسی و مادرش علیهما السلام قسم یاد می کنم که هیچ اشتباهی نکرده ام.

محدث کاشانی فرمود: بله خاک کربلا را در دست دارم، تربت حضرت سیدالشهدا حسین بن علی علیهما السلام است و پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده اند که کربلا قطعه ای از خاک بهشت است. (1)

و بدین ترتیب او از مسیحیت دست برداشت و به برکت تربت کربلا به دین اسلام مشرف گردید (2).

ص: 110

1- . روایاتی در این زمینه صفحه : 44 - 45 گذشت .

2- . با تلخیص و تصرف از اسرار الشهادة: 159 - 160، خزینة الجواهر: 592، همچنین رجوع شود به : قصص العلماء: 322 .

2. شفای شریف حجاز و شیعه شدن او

مرحوم شیخ فاضل نجفی قدس سره از مرجع فقید شیعه علامه بزرگوار مرعشی نجفی رحمه الله نقل نمود که: شریف مکه - که از سادات حسنی بود و مذهب اهل تسنن داشت - در زمان ناصرالدین شاه قاجار به ایران سفر کرد. او مهمان امیرکبیر شد و امیرکبیر هم به احترام او جمعی از عالمان و بزرگان را دعوت کرد. هنگام صرف غذا که امیرکبیر شریف را دعوت به حضور بر سر سفره کرد، او عذر آورد که: در بین عرب مرسوم است چنانچه مهمان خواهشی از میزبان داشته باشد، از صرف غذا امتناع می کند تا این که میزبان بر آوردن حاجت او را به عهده بگیرد. من نیز الآن از شما خواهشی دارم!

امیرکبیر گفت: چه خواهشی دارید؟ او گفت: از شما آشپزی می خواهم که بتواند برایم چنین غذاهایی تهیه کند.

امیرکبیر پذیرفت و پس از صرف غذا به کنیزی که آشپز او بود، قضیه را خبر داد. او بسیار متأثر شد و گفت: من شیعه هستم و چگونه می توانم در بین اهل تسنن زندگی کنم؟ ولی کار از کار گذشته بود و شریف او را با خود به حجاز برد.

پس از مدتی شریف مکه به چشم درد شدیدی مبتلا شد که پزشکان از معالجه آن ناتوان بودند. او به دعا و توسل رو آورد، ولی سودی

نبخشید تا نایبنا شد. به خاطرش رسید از آشپز ایرانی نیز سؤالی کند. وقتی قضیه را با او در میان گذاشت او قدری تربت امام حسین علیه السلام بر دیدگان شریف مالید و پس از آن دیدگانش بینا شد.

شریف پرسید: آیا تو جادوگری کردی؟ او گفت: به خدا پناه می برم.

پرسید: پس چه بود؟ گفت: از این مطلب بگذر، (لازم نیست بدانی).

شریف اصرار زیادی کرد و آن بانوی شیعه ایرانی گفت: به من قول بده که در امانم تا حقیقت مطلب را برایت بگویم.

شریف گفت: تو در امانی و از جانب من اذیتی به تو نخواهد رسید.

او گفت: ما شیعیان هنگامی که خود را ناچار می بینیم، به تربت امام حسین علیه السلام استشفای می کنیم، و این هم تربت آن گرامی بود از زمین کربلا.

شریف پس از این قضیه تشیع اختیار کرده و به نزدیکان خویش نیز خبر داد و از آنها نیز درخواست کرد که به مذهب شیعه درآیند.

3. سزای استهزا به تربت

شیخ طوسی از موسی بن عبدالعزیز نقل کرده است که او گفت: یوحنا نصرانی که طیب بود، مرا به پیامبر و دینم قسم داده و پرسید: این قبری که در قصر ابن هبیره است، و گروهی از شما شیعیان همیشه آن را زیارت می کنید، قبر کیست؟ آیا از اصحاب پیامبر شماست؟

به او گفتم: او فرزند دختر پیامبر صلی الله علیه و آله است، مقصود تو از این سؤال چیست؟ گفت: درباره او مطلب شگفتی دارم. سابور کبیر خادم هارون الرشید دنبال من فرستاد و شبانه همراه او نزد موسی بن عیسی هاشمی (1) رفتیم و دیدیم که عقل او زایل شده و بر بالشی تکیه داده بود و مقابل او طشتی نهاده بود که امعا و احشای او در آن دیده می شد. سابور به یکی از خواص او گفت: چرا حالش چنین است؟

پاسخ داد: او با ندیمان خویش نشسته بود و در سلامتی کامل جسمی و روحی به سر می برد. در آن میان صحبت از حضرت حسین بن علی علیهما السلام به میان آمد، موسی گفت: این رافضیان آن قدر درباره او غلو و زیاده روی می کنند تا جایی که به تربت قبرش بیماران را مداوا می کنند.

یکی از بنی هاشم که حاضر بود، گفت: من بیماری سختی داشتم و به هر چه مداوا کردم نتیجه ای نگرفتم، تا این که کاتب من گفت: از این تربت استفاده کن و پس از آن خداوند با آن تربت بیماری مرا شفا داد.

موسی گفت: آیا چیزی از آن تربت نزد تو باقی مانده است؟

آن هاشمی کسی را فرستاد و قدری از آن تربت را آورده به موسی داد. او تربت را گرفته به قصد مسخره کردن شیعیان و تحقیر امام حسین علیه السلام به آن توهینی کرد (که نگارنده از بیان آن معذور است).

به مجرد این که آن توهین از او صادر شد، فریادش بلند شد: آتش، آتش (یعنی دلم آتش گرفت) طشت بیاورید، طشت بیاورید.

ص: 113

وقتی طشت آوردیم امعا و احشای او بیرون ریخت چنان که می بینید. یوحنا گوید: او در حال سختی به سر می برد و سحر همان شب به هلاکت رسید.

راوی گوید: یوحنا با این که نصرانی بود به زیارت امام حسین علیه السلام مشرف می شد، تا این که پس از مدتی (به برکت تربت) اسلام آورد و اسلامش نیکو گشت(1).

4. اثر بی احترامی به قبر سیدالشهدا علیه السلام

عالم کبیر و نویسنده متتبع شیخ محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی (متوفای 588 ق) می نویسد: ابن بطه و نظنزی (که هر دو از اهل تسنن هستند) از ابو عبدالرحمان فرزند احمد بن حنبل نقل کرده اند که اعمش گفت: مردی کنار قبر امام حسین علیه السلام عملی ناپسند که توهین محسوب می شد انجام داد (که نویسنده از ذکر آن معذور است). به واسطه این کار زشت دیوانگی و برص و جذام دامنگیر او و خانواده اش شد، تا جایی که به نسل و تبار او تا این زمان نیز سرایت کرده است(2).

ص: 114

-
- 1- . امالی شیخ طوسی قدس سره 1 / 321 - 320 ، بحار 45 / 399 - 400، عوالم 17 / 717 - 718 ، همچنین رجوع شود به :
خرائج: 873 - 874، مناقب 4 / 64 .
 - 2- . مناقب 4 / 64، بحار 45 / 401.

5. روش بزرگان در احترام به خاک کربلا

در شرح حال محقق اردبیلی - که از فقیهان و مراجع بزرگ شیعه به شمار می رود - نقل کرده اند که آن بزرگوار در مدت زمانی که در کربلا بود، چون زمین آن جا را تربت می دانست، برای احترام از ریختن فضولات در آن خودداری می کرد.

لذا ظرفی از پوست (که به آن خیک گفته می شود)، تهیه کرده و پس از مدتی آن را بیرون از چهار فرسخ برده خالی می کرد»(1).

مستفاد از فرمایش ملا آقا فاضل دربندی(2) آن است که این عمل سیره جمعی از عالمان و صالحان گذشته بوده است(3).

ص: 115

1- . قصص العلماء: 343.

2- . این عالم جلیل القدر از شاگردان شریف العلمای مازندرانی، و در بسیاری از علوم متبحر بوده است. در اخلاص و ارادت به ائمه اطهار علیهم السلام و إقامة عزای حضرت سیدالشهدا علیه السلام بی نظیر و در امر به معروف و نهی از منکر، یگانه زمان خویش بوده است. برای اطلاع بیشتر از حالات معنوی و خصوصیات علمی او رجوع شود به قصص العلماء: 107 - 117.

3- . اسرار الشهادة: 145 چاپ سنگی .

6. نتیجه کوتاهی در حفظ و احترام مَهر تربت

محدث متبع علامه نوری می فرماید: روزی مادرم دیده بود که یکی از برادرانم تربت امام حسین علیه السلام را در جیب پایین قبایش گذاشته است. از کار او ناراحت شده و گفت: این بی ادبی به تربت است چون شاید موقع نشستن، زیر ران واقع شده و بشکند و او را از این کار نهی کرد. برادرم اعتراف کرد که تا حال دو عدد مَهر به همین نحو شکسته است، و قول داد که دیگر این عمل را تکرار نکند.

پدرم بدون این که از این قضیه اطلاعی داشته باشد، در عالم رؤیا می بیند: امام حسین علیه السلام به دیدن او آمده و در کتابخانه او نشستند و بسیار مهربانی نموده و فرمودند: «به پسرانت بگو بیایند تا آنها را اکرام کنم». پنج پسر او آمدند. حضرت آنها را صدا می زد و از هدیه هایی که مقابل ایشان گذاشته بود به آنها عطا می کرد. وقتی نوبت به برادر مذکور رسید حضرت نگاهی غضبناک به او کرد و سپس به پدرم فرمود: «این پسر تو دو مَهر تربت از تربتهای قبر مرا زیر ران خود شکسته است»، و مثل بقیه پسران او را صدا نکرد، بلکه چیزی به سوی او پرتاب کرد(1).

ص: 116

1- . با تلخیص از دار السلام 2/ 283، مفاتیح الجنان: 484، آداب تربت.

7. مداوا به تربت و نتیجه استخفاف به آن

مرحوم شیخ طوسی و دیگران نقل کرده اند: یکی از اهل سنت، در بیان این که تربت شفای هر دردی است، به دوستش چنین می گفت: مدت‌ها بود دلم درد می کرد و هر چه مداوا می کردم فایده نداشت و مایوسانه تن به مرگ داده بودم. پیره زنی از اهل کوفه به نام سلمه با ما آشنایی داشت. روزی به خانه ما آمده بود و بیماریم شدت کرده بود. به من گفت: مثل این که روز به روز بیماری تو سخت تر می شود؟ گفتم: آری. گفت: می خواهی تو را مداوا کنم که به اذن خدا شفا پیدا کنی؟ گفتم: البته که می خواهم. پس از آن فدحی از آب به من داد که به مجرد آشامیدن آن تسکین یافته و تا مدتی حالم خوب بود، تا آن که دو مرتبه نزد ما آمد، به او گفتم: تو را به خدا به من بگو چه چیزی به من دادی که شفا یافتم؟ گفت: به دانه ای از این تسبیح، و اشاره به تسبیحی که در دست داشت کرد. گفتم: این چه تسبیحی است؟ گفت: از خاک قبر امام حسین علیه السلام. به او گفتم: ای رافضی، با تربت حسین علیه السلام مرا مداوا کردی؟ او غضبناک شده و با ناراحتی از نزد ما رفت، (پس از آن دو مرتبه) بیماری و درد دلم شروع شد و بسیار شدت کرد و تاکنون مرا به زحمت و مشقت انداخته و به خدا قسم می ترسم باعث مرگ من شود(1).

ص: 117

1- . با تلخیص از امالی شیخ طوسی قدس سره 1 / 320 - 319 ، مناقب 4 / 64 ، خرائج : 873 ، بحار 45/399 ، عوالم 17 / 716 با قدری اختلاف . از قضیه فوق استفاده می شود که - اگر برای اتمام حجت هم باشد - گاهی تربت برای کسانی که شیعه نیستند نیز تأثیر دارد چنان که در ملحقات احقاق الحق 27 / 419 از کتاب بُغیة الطلب فی تاریخ الحلب 6 / 2657 - که از منابع اهل تسنن است - شفای بیماری را با تبرک و مالیدن تربت به بدنش نقل کرده است .

8. سرمه کشیدن به تربت

محدث خبیر سید نعمت الله جزائری در ضمن شرح حال خویش می نویسد: از کاظمین علیهما السلام به کربلا رفتیم... از طرف پایین پای امام حسین علیه السلام قدری خاک برداشتم... آن را به چشم خود کشیدم. از آن روز چشمم قوت گرفت و قدرت بر مطالعه پیدا کرد، بلکه از اولش هم بهتر شد ...

تا حال هرگاه چشمم ناراحتی پیدا کند قدری از آن خاک برداشته و به جای سرمه به چشم می کشم و این دواى من است(1).

ایشان در جای دیگر می نویسد:

مدتی پیش چشمانم ضعیف شده بود، و برای زیارت عرفه زیر گنبد و بارگاه حضرت سیدالشهدا علیه السلام بودم. عده ای از زائران بیرون رفتند و خادمان حرم مطهر مشغول جارو زدن شده بودند. گرد و غبار بلند شد به نحوی که مردمی که آن جا بودند یکدیگر را نمی دیدند. من و گروهی دیگر چشمان خود را باز کردیم تا گرد و غبار داخل دیدگان ما رفت و

ص: 118

1- . با تلخیص و تصرف از قصص العلماء: 447 و فوائد الرضویه: 695 .

هنوز از حرم بیرون نرفته بودم که هر دو چشمم روشن شد و از آن زمان تاکنون چشمانم را معالجه نکرده ام مگر به سر مه کشیدن از تربت مطهر حضرت سیدالشهدا علیه السلام (1).

نگارنده گوید: بسیاری از مؤمنان، استشفای به تربت را تجربه کرده اند و مواردی از آن را معاصران مورد اطمینان بازگو کرده اند، که به جهت اختصار از نگارش آن صرف نظر کردیم.

9. آرام شدن تلاطم دریا به تربت

از مرحوم حاج کاظم بوشهری نقل می کنند که گفت: با کشتی از بندر کویت به طرف کراچی یا بمبئی (تردید از ناقل است) حرکت کردیم. در بین راه طوفان شدیدی وزید و دریا متلاطم شد. بلافاصله بلندگوی کشتی اعلام کرد که ما این حادثه را پیش بینی نکرده بودیم و اگر کسی تربت کربلا همراه دارد نزد ما بیاورد. با تعجب جلورفته و گفتم تربت می خواهید چکار کنید؟ گفت: می خواهیم در دریا بریزیم تا آرام شود. مُهر تربت را از جیب خود در آورده به او دادم، او آن را در میان دریا انداخت و همان لحظه دریا آرام شد، ناخدا که مسیحی بود گفت:

ص: 119

1- . با تلخیص و تصرف از خزینة الجواهر: 593 .

من نمی دانم این چه سرّی است و چه خاصیتی در این خاک نهفته است؟ ولی همان گونه که به ما خبر داده اند و ما تجربه کرده ایم، تربت باعث آرامش امواج متلاطم دریا می شود.

از مرحوم فرهاد میرزا صاحب کتاب قمقام زخار نیز نقل شده است که: وقتی در سفر دریا گرفتار شده و دریا طوفانی شده است، قدری تربت در آب ریخته و از هلاکت قطعی نجات پیدا کرده است(1).

برخی دیگر نقل می کنند که زمان عالم گرانقدر شیعه مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری رودخانه قم طغیان کرد. مرحوم شیخ ابوالقاسم قمی قدری تربت در آن ریخت و پس از آن رودخانه آرام شد.

شیخ کفعمی فرموده است: از جمله چیزهایی که برای آرامش دریا مؤثر است و به تجربه ثابت شده این است که قدری تربت امام حسین علیه السلام در آن ریخته شود(2).

یکی از نویسندگان معاصر می گوید: تجربه نشان داده است که هرگاه دریا طوفانی و متلاطم شود، چنانچه قدری تربت امام حسین علیه السلام در دریا بریزند، همان لحظه دریا آرام می شود. جماعتی از حجاج که از راه دریا مسافرت کرده اند که یکی از آنها والد علامه ام بوده، با چشم خویش شاهد این مطلب بوده است(3).

ص: 120

1- . نجاة الأئمة: 162.

2- . مستدرک الوسائل 8 / 237.

3- . احسن الجزاء 2 / 206 به نقل از دوائر المعارف کاظمی: 92 . در همین زمینه رجوع شود به تربة الحسين عليه السلام ، امين حبيب آل درویش 3 / 77 - 74 .

علامه حلّی می گوید: در زمان امام صادق علیه السلام، زن بدکاره ای بود که پس از وضع حمل از زنا نوزادان خویش را به آتش می سوزانید، تا نزدیکان او بر کار زشتش اطلاع پیدا نکنند، و کسی غیر از مادرش از کار او آگاهی نداشت. هنگامی که از دنیا رفت جنازه اش را برداشتند تا به خاک بسپارند، ولی زمین او را نمی پذیرفت و بیرون می انداخت. محل دیگری را انتخاب کردند، ولی فایده ای نبخشید. به ناچار شرفیاب حضور امام صادق علیه السلام شده و عرض حال کردند. آن گرامی از مادرش پرسید: «دخترت مرتکب چه گناهی می شد؟» او قضیه را نزد حضرت بازگو کرده و حقیقت مطلب را گفت.

حضرت فرمودند: «سبب این که زمین دخترت را نمی پذیرد، این است که او خلق خدا را به نحوی عذاب داده که اختصاص به ذات احدیت دارد!» سپس فرمودند: «قدری از تربیت حضرت سیدالشهدا علیه السلام همراه او در قبر بگذارید، تا زمین او را بپذیرد». آنها به فرمایش حضرت جامه عمل پوشانده و پس از آن زمین او را قبول کرد(1).

ص: 121

1- . منتهی المطلب 1 / 461، وسائل 2 / 742، بحار 82 / 45. این قضیه در برخی از کتب فقه قدما و متأخران در آداب دفن میت آمده است.

11. حل مشکل به سبب تربت

از جناب شیخ عبدالحسین رضوی نقل شده است: در دوران طلبگی ما، زنی غیر منزله در حرم مطهر درصدد اغفال بانوی پاکدامنی بود. چون دو دستش را به ضریح مطهر حضرت معصومه علیها السلام گرفته بود هر دو دستش به ضریح مطهر چسبیده بود و به هیچ حيله ای نتوانسته بودند دستهایش را از ضریح جدا کنند.

به محضر آیه الله حجت مشرف شده، حلّ مشکل را از ایشان خواسته بودند. ایشان فرموده بودند: مقداری تربت حضرت سیدالشهدا علیه السلام در آب حل کنند و روی دستهای آن زن بد فرجام بریزند، چون تربت امام حسین علیه السلام مشکل گشای هر درد بی درمان است. هنگامی که آب محتوی تربت را روی دستهای او ریخته بودند، دستهایش از ضریح جدا شده بود.

ولی چون این زن مورد غضب حضرت معصومه علیها السلام قرار گرفته بود، بعد از آن حادثه عقل خود را از دست داد و همواره در کوچه و بازار می گردید و مایه عبرت دیگران بود، تا روزی که زیر ماشین رفت و عمر نامیمونش به سر آمد (1).

ص: 122

1- . کریمه اهل بیت علیهم السلام: 288.

شیخ محمود عراقی از ملا عبدالحسین خوانساری نقل کرده که: سید مهدی فرزند سید علی طباطبائی صاحب ریاض بیمار شد. دو نفر از عالمان عادل را فرستاد تا با غسل و جامه احرام داخل سرداب حرم مطهر امام حسین علیه السلام شده و قدری تربت از قبر مطهر با آداب خاص بر دارند، و پس از گواهی آن دو به این که خاک قبر مطهر است به اندازه یک نخود آن را تناول کند. آنها تربت را حاضر کردند. قدری زیاد آمد که آن را به بعضی از حاضران دادند. یکی از آنها که شخص مورد اطمینانی بود، در حال احتضار باقی مانده آن خاک را که در بسته ای پیچیده بود به من داد و من هم آن را میان کفنی که مادرم برای خودش تهیه کرده بود گذاشتم. روز عاشورا چشمم به ساروق آن کفن افتاد و دیدم مرطوب است. کفن را باز کردم و دیدم رنگ آن مانند خون تیره بود و مانند خونابه از داخل کیسه به پشت آن و از کفن به ساروق رسیده بود. روز یازدهم محرم، دو مرتبه کفن را باز کردم و دیدم تربت خشک و سفید شده است، ولی اثر آن رنگ در کفن و ساروق مانده بود. سالهای بعد روز عاشورا کفن را باز کردم و دیدم تربت تغییر کرده فهمیدم خاک قبر مطهر آن حضرت هر جا باشد روز عاشورا شبیه خون می شود(1).

ص: 123

1- . با تلخیص و تصرف از دار السلام عراقی: 544 . و رجوع شود به داستانهای شگفت: 101 و 280 ، تربة الحسين عليه السلام 3/70 ، و به مطلبی که صفحه 55 - 54 درباره ام سلمه گذشت .

13. خرید و فروش تربت

عالم بزرگوار مرحوم میرزا هادی خراسانی - که از اصحاب خاص میرزای شیرازی بزرگ بود- از سید احمد بهبهانی ، که او نیز عالمی بزرگوار بوده است، چنین نقل می کند: در کربلا شخصی بود به نام حاج حسن که در بازار زینبیه نزدیک صحن مطهر مَهر و تسبیح می فروخت، و تربت مخصوصی داشت که هر مثقال آن را به يك اشرفی می فروخت. روزی در حرم مطهر امام حسین علیه السلام ، هنگامی که یکی از زوّار کنار ضریح مطهر مشغول دعا بود، متوجه شد که کیسه پول او را که چهل اشرفی در آن بود دزدیدند. فریادش بلند شد: یا اباعبدالله، در حرم شما و در پناه شما خرجی مرا بدزدند؟! این شکایت را کجا برم و به که بگویم؟ مردم اجتماع کرده و بسیار متأثر شدند، ولی کاری از دستشان بر نمی آمد.

حاج حسن مذکور آن شب در عالم رؤیا دید که حضور مبارك حضرت سیدالشهدا علیه السلام مشرف شده است، عرض کرد: ای آقای من، شما که از حال زائرت خبر داری، دزد او را رسوا کن تا پول او را برگرداند.

حضرت فرمود: «مگر من دزد بگیرم؟ اگر قرار باشد (دزد بگیرم) اول شخص تو». عرض کرد: ای سرور من، من چه دزدیده ام؟

فرمود: «دزدی تو این است که خاک و تربت مرا می فروشی و پول می گیری! اگر مال تو است چرا به اسم من به مردم می دهی، و اگر مال من است چرا پول در عوض می گیری؟»

حاج حسن عرض کرد: سیدی توبه می کنم، آیا قبول می فرمایید؟

حضرت فرمود: «الآن که توبه کردی من نیز دزد آن زائر را به تو نشان می دهم». پس آن حضرت مرد گدایی که در زمستان با بدن عریان نزدیک سقا خانه می نشست و می لرزید و گدایی می کرد، معرفی کرد و فرمود: «کیسه را زیر پایش دفن کرده و چیزی از آن برداشته است».

حاج حسن گوید: هنگام سحر که به صحن مشرف شدم، دیدم آن گدا همان جا مشغول گدایی است. مردم را صدا کرده و خواب خود را برای آنها گفتم. آن گدا را عقب زده و کیسه اشرفی را از خاکهای زیر پای او درآوردند و به صاحبش رساندند.

پس از آن حاج حسن مردم را صدا زد، وقتی آمدند گفت: یک دزد دیگر هم هست، و پس از آن در مغازه را باز کرده و گفت: این اموال هم از من نیست حلال شما باد، و مردم تمام تربتها را بردند. او هم دکانداری را رها و به دست فروشی مشغول شد(1).

پیش از این نیز روایتی در مورد «خرید و فروش تربت» با شرح آن گذشت، مناسب است رجوع شود. (2)

ص: 125

1- . با تلخیص و تصرف از معجزات و کرامات: 195 - 196.

2- . رجوع شود به صفحه : 97 .

محدث نوری از میرزا محمد شهرستانی نقل می کند: شبی در عالم رؤیا خود را در رواق بالای سر حرم مطهر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام دیدم. حاج حسینعلی خاتون آبادی، که مرد صالحی بود نیز حضور داشت، و بنابر عادت همیشگی خویش فضیلت مجاورت کربلا را انکار می کرد. او معتقد بود که این کار موجب قساوت قلب می شود. پس از آن دیدم که مولا و سرور ما حضرت صاحب الزمان علیه السلام نیز تشریف دارند. حاج حسینعلی عرض کرد: شما این جا تشریف دارید و مردم برای زیارت شما به سامره می روند؟ فرمودند: «در آن جا نیز هستیم»، سپس فرمودند: «احدی را از کربلا به سوی جهنم نمی برند».

و دومرتبه به قبر مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره و قسم یاد فرمود که: «به حق امیرالمؤمنین علیه السلام احدی را از کربلا به جهنم نمی برند».

من به خاطر گذشت که قسم خوردن معصوم به جهت انکار حاج حسینعلی است.

سپس فرمودند: «به شرط آن که يك شب در آن جا بیتوته کند».

من خیال کردم مقصود حضرت عبادت کردن يك شب است. عرض کردم: ما تا طلوع خورشید خواهیم.

حضرت فرمودند: «حتی اگر تا طلوع خورشید خواب باشید».

مرحوم شهرستانی می فرماید: همین رؤیا موجب شد که من دست از مجاورت کربلای معلّی بردارم(1).

15. میزبان کریم و مهمان گنهگار

عالم جلیل القدر شیخ حسین جبعی پدر شیخ بهائی می گوید: شبی در حرم مطهر امام حسین علیه السلام بودم که جنازه ای را برای دفن آوردند. او جوان گنهکاری بود که وصیت کرده بود او را در حرم مطهر دفن کنند، و وصیت او جامه عمل پوشید.

سحرگاهان دیدم دو مرد با صورتی مهیب و زنجیر آتشین آمدند و او را از قبر در آورده می کشیدند، آن جوان رو به قبر مطهر کرد و گفت: «إِنِّي إِلْتَجَأْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي صَدِّيفُكَ. مَنْ بَعْدَكَ مَنَافِعٌ لَمْ يَكُنْ مِنْ مَهْمَانِ شِمَا هَسْتُمْ». ناگهان از ضریح مطهر صدایی بلند شد: «خَلُّوه، خَلُّوه، فَإِنَّهُ اسْتَجَارَ [بِنَا]. او را رها کنید، او را رها کنید، او به ما پناه آورده است».

آن دو ملک گفتند: سَمْعًا وَ طَاعَةً (به روی چشم، اطاعت می شود) و او را برگرداندند(2).

ص: 127

1- . با تلخیص و تصرف از کبریت الاحمر: 417، منتخب التواریخ: 299، دار السلام 2 / 148 - 149 به نقل از تحفة المجاور هزار جریبی. مرحوم محدث نوری قضایایی در الطاف و عنایات الهی به مجاوران مشاهد مشرفه ائمه معصومین علیهم السلام نقل کرده است که بخشی از آنها مربوط به مجاوران کربلای معلّی است. کلمه طیبه: 124 - 149.

2- . با تصرف از کبریت الاحمر: 491 به نقل از روضة الحسينية.

شیخ علی اکبر نهاوندی از شیخ محمود عراقی چنین نقل کرده است: یکی از خادمان حرم مطهر حضرت سیدالشهدا علیه السلام می گوید: شبی نوبت کشیک دادن من بود. مردم رفتند و درها را بسته و قفل کردیم. خادمان همگی خوابیدند و شب از نیمه گذشته بود که دیدم دو نفر از باب زینبیه داخل صحن شدند و بالای سر قبر میتی آمدند که روز گذشته به خاک سپرده شده بود. قبر را شکافته و میت را بیرون آوردند، و هر چه آن میت به آنها التماس و استغاثه کرد فایده ای نداشت تا هنگامی که خواستند او را ببرند رویه طرف قبر مطهر کرده عرض کرد: «أَهْكَذَا يُفَعَلُ بِجَارِكِ يَا أَبَءَ عَبْدِ اللَّهِ» یعنی: ابا عبدالله، آیا رواست به کسی که به شما پناهنده شده، چنین رفتاری شود؟

ناگهان صدایی از حرم مطهر شنیدم، که از هیبت آن دیوارها و قندیلها به لرزه در آمد و فرمود: «رُدَّوْهُ، رُدَّوْهُ» یعنی: او را برگردانید، او را برگردانید.

آن دو نفر به عجله جنازه را به جای خود برگردانده و رفتند. صبح روز بعد کنار آن قبر آمدم و دیدم اثر شکافتن و تغییر در آن ظاهر است(1).

ص: 128

1- . با تصرف از خزینة الجواهر: 562، به نقل از دار السلام عراقی.

عالم جلیل القدر مرحوم هزار جریبی از عالم بزرگ شیعه سید علی طباطبائی معروف به صاحب ریاض نقل کرده است که فرمود: در ایام تحصیل، روزهای پنجشنبه طرف عصر همیشه برای زیارت اهل قبور از کربلا خارج شده و به اطراف خیمه گاه می رفتم. شبی در عالم رؤیا دیدم که آنجا رفته ام و شهر رنگ دیگری به خود گرفته است. خبری از خانه ها و ساختمانها نیست و فقط قبوری پیدا بود که در مکان بلندی قرار گرفته بود. من از دیدن آن منظره وحشت کرده و به فکر فرو رفتم. در این حال بودم که شنیدم هاتقی به زبان فارسی گفت:

«خوشا به حال کسی که در این زمین مقدس مدفون گردد، اگر چه با هزاران بار گناه باشد که از هول (و ترس) روز قیامت به سلامت در رود. و هیئات هیئات که کسی در آن جا مدفون نشود، و از هول قیامت به سلامت در رود»⁽¹⁾.

ص: 129

1- . با تصرف از دار السلام محدث نوری 2 / 149 به نقل از تحفة المجاور، هزار جریبی، کلمه طیبه: 134.

18. ارزش دفن در کربلا

مرحوم هزار جریبی مذکور از مرجع کبیر آقا محمد باقر وحید بهبهانی نقل کرده که فرموده است: در عالم رؤیا محضر مبارک حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام شرفیاب شدم. عرض کردم: ای سید و مولای من، آیا از کسی که در جوار شما به خاک سپرده شود سؤال می شود؟

حضرت فرمودند: «کدام ملک است که جرأت کند از او سؤال کند؟» (1).

ص: 130

1- . با تصرف از دار السلام محدث نوری 2 / 148 به نقل از تحفة المجاور: هزار جریبی، کلمه طیبه: 134، فوائد رضویه: 360، کبریت الاحمر: 416، منتخب التواریخ: 299.

محدث نوری می فرماید: علامه شیخ عبدالحسین تهرانی برای توسعه سمت غربی صحن مطهر حضرت سیدالشهدا علیه السلام خانه هایی را خرید و ضمیمه صحن کرد. در آن قسمت حدود شصت سرداب برای دفن اموات ساخته شد و مردم اموات را در آن دفن می کردند.

پس از مدتی تشخیص داده شد که سقف آن سردابها از استحکام لازم برخوردار نیست، لذا شروع به خراب کردن سقف سردابها کرده و به ترتیب تجدید بنا نمودند. برای این که هتك حرمت اموات نشود، ابتدا کسی پایین رفته و قدری خاک روی اموات می ریخت و سپس سقف را خراب می کردند، تا نوبت به برداشتن سقفی رسید که روبروی ضریح مطهر واقع شده بود.

در این جا با منظره شگفتی مواجه شدند و دیدند جنازه هایی را که رویه قبله دفن کرده بودند و پشت به قبر مطهر، سرها به جای پایشان قرار گرفته و پاها به جای سر و رویه قبر مطهر می باشند. جماعت بسیاری از مردم آمدند و به چشم خویش این منظره عجیب را دیدند. آری خدای متعال می خواهد طریقه معاشرت و کیفیت اظهار ادب در آستان ائمه هدی علیهم السلام را به بندگانش تعلیم دهد.

ایشان فرموده: این قضیه در ماه صفر 1276 قمری اتفاق افتاد(1).

ص: 131

1- . دار السلام محدث نوری 2 / 150. ایشان حکایت دیگری مناسب با این مبحث را صفحه 151 نقل کرده است و همچنین رجوع شود به: داستانهای شگفت: 254 - 256.

20. نجات از گرفتاری ها، بیماری ها و گمراهی ها با تربت

آقای دکتر کاظم تبریزی - فرزند مرجع فقید شیعه حضرت آیت الله میرزا جواد تبریزی رحمه الله - در بنگلادش مشغول تحصیل بود. روزی از آنجا تماس تلفنی گرفته و با گریه به مرحوم والدش می گوید که تصمیم بازگشت به ایران را دارد؛ زیرا سفیدی یکی از چشمانش بر سیاهی آن غالب شده و به زودی بینایی اش را از دست خواهد داد. پروفیسوری که پزشک معالج او بوده گفته: فعلاً باید 9 سوزن بزنییم تا ببینیم چه می شود!

مرحوم آیت الله تبریزی به او فرموده بود: صبر کن، برایت چیزی می فرستم که چشمت را با آن شستشو دهی، پس از آن تصمیم بگیر.

برای ایشان مهری از تربت کربلا هدیه آورده بودند (که ظاهراً تربت اصل بوده)، ایشان آن را برای فرزندش می فرستد، تربت به دست او می رسد و شب هنگام چشمش را با آن تربت شستشو می دهد، فردای آن احساس می کند که این چشم از چشم سالمش هم بهتر می بیند، و خدا به برکت تربت او را شفا عنایت فرموده است.

ایشان بنابر قرار قبلی به پزشک معالج رجوع می کند. پزشک او را پشت دستگاه نشانده و مشغول معاینه می شود، او هیچ مشکلی در چشم بیمار نمی بیند لذا می گوید: فعلاً دستگاه خراب است باید بعداً

مراجعه کنی . دکتر تبریزی بدون اینکه چیزی به او بگوید از مطب بیرون می آید، ولی متوجه می شود که کسی او را زیر نظر داشته است . طرف جلو آمده و از او می پرسد : تو ایرانی هستی ؟ دکتر پاسخ می دهد : آری . می گوید : من می دانم که شما شیعه ها چیزهایی دارید ، قضیه چیست ؟ دکتر می گوید : من چشمم را به آبی شستشو دادم که در آن کمی از تربت امام حسین علیه السلام ریخته بودم و خدا به برکت آن مرا شفا داد . سپس خلاصه ای از قضیه شهادت سیدالشهدا علیه السلام را برای او بازگو می نماید.

طرف که یازده سال از ازدواجش می گذشت و بچه دار نمی شد از دکتر درخواست می کند که کمی از آن تربت را به او بدهد . ایشان می پذیرد و قدری تربت به او می دهد. به برکت تربت امام حسین علیه السلام او دارای فرزند می شود و خودش و فامیلش همه شیعه می شوند.

خداوند متعال در ظرف چهار سال سه فرزند - و پس از آن نیز دو فرزند دیگر - به او عنایت می فرماید. (1)

ص: 133

1- . برگرفته از کتاب تریة الحسین علیه السلام ، امین حبیب آل درویش 3/59 . در تاریخ 20 / 6 / 1396 آقای دکتر کاظم تبریزی متن فوق را ملاحظه و تأیید نمود و سپس گفت : الان هم بینایی این چشم از چشم دیگرم بهتر است .

21. اثر احترام به تربیت سیدالشهدا علیه السلام

نویسنده شهیر آقای شیخ علی کورانی می گوید: از دوستم محمد خلیفه تونسسی - که از سادات حسنی است - پرسیدم: اعتقاد استادت عباس محمود عقاد (از نویسندگان معروف اهل تسنن مصر) نسبت به اهل بیت علیهم السلام چگونه است؟ پاسخ داد: سخت به اهل بیت علیهم السلام معتقد است، روزی به دیدارش رفته بودم، به من گفت: بیا و کرامتی که امروز از عمویت امام حسین علیه السلام سرزد تماشا کن! او مرا داخل اتاق برد و گفت: ببین. گفتم: چه چیزی را بینم؟ با دست به شیشه پنجره که شکسته بود اشاره کرد و گفت: اینجا را. گفتم: منظورت چیست؟ گفت: من اینجا مقابل پنجره ایستاده بودم و با تلفن صحبت می کردم، این جعبه - که هنگام زیارت امام حسین علیه السلام به من هدیه داده بودند و قدری از پارچه های حرم مطهر و مقداری تربت در آن بود - به جهت اصابت سیم تلفن، روی زمین افتاد، من به جهت احترامی که برای آن قائل بودم خم شدم تا آن را بردارم، همان لحظه گلوله ای از سمت خیابان به پنجره اصابت کرد - معلوم شد که دو نفر در خیابان باهم نزاع داشتند و به همدیگر تیراندازی می کنند - اگر من برای برداشتن آن جعبه خم نشده بودم گلوله به من اصابت کرده و مرا از پای درمی آورد. (1)

ص: 134

1- برگرفته از تریبۃ الحسین علیه السلام، امین حبیب آل درویش 3/73 - 72. در تاریخ 20 / 6 / 1396 همین قضیه را آقای شیخ علی کورانی برای نگارنده نقل نمود.

درباره حکایت‌هایی که در این کتاب یا جاهای دیگر نقل می‌شود، ذکر دو مطلب لازم است:

1. مشیت خداوند تعالی بر این قرار گرفته است که به وسیله شفاعت هم مقام انبیا و اولیای خویش علیهم السلام را به مردم نشان دهد و هم راه امیدی برای آنها قرار داده باشد، نظیر توبه و استغفار. همچنان که هیچ کس نمی‌گوید معنای توبه این است که خداوند به مردم اجازه داده مرتکب عصیان شوند، همین مطلب در شفاعت نیز جاری است.

شفاعت یکی از ضروریات دین اسلام است و آیات قرآن و روایت‌های بیشمار بر آن دلالت دارد(1).

2. اعتقادات ما مبتنی بر دلیل و برهان است. هیچگاه در مباحث علمی بر رؤیا اعتماد نمی‌کنیم، اما مستفاد از فرمایش‌های ائمه معصومین علیهم السلام، این است که برخی از رؤیاها که به آن رؤیای صادقه می‌گوییم دارای ارزش است.

چنان که در قرآن مجید به مواردی از رؤیاهای پیامبران علیهم السلام و یا دیگران اشاره شده است مانند :

رؤیاهای حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره فتح مکه(2)، درباره شجره ملعونه یعنی بنی امیه و بالا رفتن غاصبین خلافت از منبر آن حضرت(3)،

ص: 135

1- . حق الیقین: محدث جلیل القدر سید شبر متوفای 1242 ق 134 / 2 - 140، بحار الأنوار 8/29 - 63 .

2- . سوره الفتح 48 : آیه 27 .

3- . سوره الاسراء 17 : آیه 60 .

نشان دادن لشکر دشمن به صورت عده قلیل (1).

رؤیای حضرت ابراهیم علیه السلام درباره ذبح حضرت اسماعیل علیه السلام (2).

رؤیای حضرت یوسف علیه السلام، رؤیای زندانیان همراه ایشان و رؤیای عزیز مصر (3).

پس اگر رؤیاهای صادقانه به نقل معتبر از عالمان و صالحان به ما رسیده باشد و منافاتی با موازین شرعی نداشته باشد، نقل کردن آن در کتاب و منبر و مجالس دیگر مناسب است و تأثیر به سزایی در نتیجه گرفتن از مباحث قرآنی و روایی دارد (4).

ص: 136

1- .سوره الانفال 8 : آیه 43 .

2- .سوره الصافات 37 : آیه 102 .

3- .سوره یوسف 12 : آیات 4 ، 36 ، 43 .

4- . سفینه البحار 1 / 494 ماده رأی، مجمع البحرین 1 / 168 ماده رأی، علامه مجلسی نیز در بحار 61 / 151 - 244 مباحث مختلفی درباره رؤیا مطرح کرده است.

1. إثبات الوصية، علی بن حسین مسعودی، قم، انتشارات انصاریان، 1417 ق.
2. الاحتجاج، شیخ احمد طبرسی (قرن ششم)، دو جلد در یک مجلد، تعلیقه سید محمد باقر موسوی خراسان، بیروت، مؤسسه اعلمی، 1403 ق.
3. أحسن الجزاء فی إقامه العزاء علی سیدالشهدا علیه السلام، سید محمد رضا حسینی اعرجی فحام، دو جلد، قم، کتابفروشی داوری، 1399 ق.
4. اختیار معرفة الرجال، معروف به رجال کشی، شیخ طوسی (460 ق)، دو جلد، تصحیح سید مهدی رجائی، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، 1404 ق.
5. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، شیخ مفید (413 ق)، دو جلد در یک مجلد، تحقیق مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، کنگره جهانی شیخ مفید، 1413 ق.
6. إرشاد القلوب، حسن ديلمی (771 ق)، قم، انتشارات شریف رضی، 1374.
7. أسرار الشهادة، فاضل دربندی (1286 ق)، تهران، (افست) منشورات اعلمی، 1284 ق.
8. إعلام الوری بأعلام الهدی، ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (548 ق)، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

- 9 . إقبال الأعمال، سيد علي بن موسى بن طاووس (664 ق)، تهران، دار الكتب الاسلاميه، 1367.
- 10 . الأمالي، شيخ مفيد (413 ق)، تحقيق حسين استاد ولي و علي اكبر غفاري، قم، كنگره جهاني شيخ مفيد، 1413 ق.
- 11 . الأمالي، شيخ صدوق (381 ق)، قم، تحقيق و نشر مؤسسه بعثت، 1417
- 12 . الأمان من أخطار الأسفار و الأزمان، سيد علي بن موسى بن طاووس (664 ق)، قم، تحقيق و نشر مؤسسه آل البيت عليهم السلام، 1409 ق.
- 13 . أنوار المواهب في نكت أخبار المناقب، شيخ علي اكبر نهاوندي (1369 ق)، كتابفروشي محمودي، 1360 ق.
- 14 . بحار الأنوار، علامه مجلسي (1110 ق) 110 جلد، تهران، دار الكتب الاسلاميه، 1376 ق.
- 15 . بشارة المصطفى صلى الله عليه و آله لشيعة المرتضى عليه السلام، ابوجعفر محمد طبري (قرن ششم)، مقدمه محمد حسن جواهرى، نجف اشرف، انتشارات حيدريه، 1383 ق.
- 16 . بصائر الدرجات في فضائل آل محمد عليهم السلام، شيخ محمد بن حسن صفّار قمى (290 ق)، تصحيح و تعليق حاج ميرزا محسن كوچه باغى، قم، انتشارات كتابخانه آية الله مرعشى نجفى، 1404 ق.
- 17 . البلد الأمين، شيخ ابراهيم كفعمى (905 ق)، با مقدمه احمد نجفى زنجاني.
- 18 . تاريخ كربلا و حائر الحسين عليه السلام، دكتور عبدالجواد كلید دار، نجف اشرف، انتشارات حيدريه، 1386 ق.
- 19 . تاريخ كربلا و حائر حسين عليه السلام، ترجمه محمد صدر هاشمى، اصفهان، كتابفروشى ثقفى، 1337 ق.
- 20 . تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة عليهم السلام، سيد شرف الدين

حسینی استرآبادی، تحقیق حسین استاد ولی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، 1409 ق.

21. التبرک، علی احمدی میانجی، تهران، مؤسسه بعثت، 1404 ق.

22. تنقیح المقال فی علم الرجال، شیخ عبدالله مامقانی (1351 ق)، سه جلد، نجف اشرف، چاپخانه مرتضویه، 1352 ق.

23. تهذیب الاحکام، شیخ طوسی (460 ق)، هشت جلد، تحقیق و تعلیق سید حسن خراسان، بیروت، دار الاضواء، 1406 ق.

24. الثاقب فی المناقب، عماد الدین ابن حمزه طوسی (قرن ششم)، تحقیق نبیل رضا علوان، قم، مؤسسه انصاریان، 1412 ه. ق.

25. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، شیخ صدوق (381 ق)، مقدمه سید محمد مهدی خراسان، قم، انتشارات شریف رضی، 1368.

26. جامع الأخبار، شیخ تاج الدین محمد شعیری (قرن ششم)، انتشارات شریف رضی، 1363 (افست طبع حیدریه نجف).

27. جنتان مدهامتان، شیخ علی اکبر نهاوندی (1369 ق)، تهران، چاپخانه اخوان کتابچی، 1352 ق.

28. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، شیخ محمد حسن نجفی (1266 ق)، چهل و سه جلد، تحقیق شیخ عباس قوچانی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، 1367.

29. الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة علیهم السلام، شیخ یوسف بحرانی (1186

ق)، بیست و پنج جلد، قم، مؤسسه نشر اسلامی، 1363.

30. حلیة الابرار فی فضائل محمد و آلہ الأطهار علیهم السلام، سید هاشم بحرانی (1107)،

دو جلد، تصحیح شیخ محمد درودی، قم، دار الکتب العلمیه، 1397 ق.

31. الخرائج و الجرائح، قطب الدین راوندی (573 ق)، سه جلد، قم، تحقیق و نشر مؤسسه امام مهدی علیه السلام، 1409 ق.

- 32 . خزينة الجواهر في زينة المنابر، حاج شيخ علي اكبر نهاوندي (1369 ق)، تهران، كتابفروشي اسلاميه، 1364 ش.
- 33 . الخصائص الحسينيه، شيخ جعفر شوشتری (1303 ق)، قم، انتشارات رضی، (افست طبع حیدریه نجف 1375 ق).
- 34 . الخلاف في الفقه، شيخ طوسی، دو جلد، تهران، مطبعه رنگین، 1377 ق.
- 35 . دار السلام فيما يتعلق بالرؤيا و المنام، محدث نوری (1320 ق) تصحيح سيد هاشم رسولي، چهار جلد، قم، المعارف الاسلاميه، 1378 ق.
- 36 . دار السلام، شيخ محمود ميثمي عراقي (1308 ق)، تصحيح شيخ محمود زرندی، تهران، كتابفروشي اسلاميه، 1374 ق.
- 37 . الدروس الشرعيه في فقه الإماميه، شهيد اول (786 ق)، تصحيح و تعليق سيد مهدي لاجوردی حسینی، قم، انتشارات صادقی، 1398 ق.
- 38 . دعوات (سلوة الحزين)، قطب الدين راوندي (573 ق)، قم، تحقيق و نشر مؤسسه امام مهدي عليه السلام، 1407 ق.
- 39 . دلائل الامامة، ابو جعفر محمد بن جرير طبري (قرن چهارم)، نجف اشرف، انتشارات حیدریه، 1369 ق.
- 40 . الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، شهيد ثاني (965 ق)، ده جلد، تحقيق سيد محمد كلانتر، بيروت، دار العالم الاسلامي.
- 41 . روضة الواعظين، محمد بن فتال نيشابوري (508 ق)، مقدمه سيد مهدي خراسان، قم، انتشارات شريف رضی، 1375 (افست طبع حیدریه نجف اشرف).
- 42 . سيرتنا و سنتنا سيرة نبينا و سنته صلى الله عليه و آله ، شيخ عبدالحسين اميني، نجف اشرف، مطبعه آداب، 1384 ق.
- 43 . شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحديد (656 ق)، بيست جلد، تحقيق محمد

ابوالفضل ابراهيم، قم، انتشارات كتابخانه آية الله مرعشي نجفی، 1404 ق (افست طبع دار احیاء الكتب العربية بیروت).

44. شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور، میرزا ابوالفضل طهرانی، تهران، انتشارات مرتضوی، 1385 ق.

45. طب الأئمة عليهم السلام، عبدالله نیشابوری و حسین نیشابوری (قرن چهارم)، مقدمه سید محمد مهدی خراسان، قم، 1416 ق (افست طبع حیدریه نجف اشرف).

46. الطهارة، شیخ مرتضی انصاری (1281 ق)، چاپ سنگی.

47. عدة الداعی و نجاح الساعی، احمد بن فهد حلّی (841 ق)، تصحیح و تعلیق احمد موحدی قمی، قم، مکتبه وجدانی، 1392 ق.

48. العروة الوثقی، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی (1337 ق) با تعلیقه ده نفر از مراجع تقلید، تهران، کتابخانه علمیه اسلامیة، 1358.

49. علل الشرایع، شیخ صدوق (381 ق)، مقدمه سید محمد صادق بحر العلوم، قم، مکتبه داوری، 1385 ق (افست طبع حیدریه نجف).

50. عوالم العلوم و المعارف و الأحوال، ج 17، الأمام الحسین علیه السلام، شیخ عبدالله

بحرانی، قم، تحقیق و نشر مؤسسه امام مهدی علیه السلام، 1407 ق.

51. عیون أخبار الرضا علیه السلام، شیخ صدوق (381 ق)، دو جلد در یک مجلد.

52. الغدير، علامه شیخ عبدالحسین آمینی، یازده جلد، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1366 ش.

53. الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام، تحقیق مؤسسه آل البيت عليهم السلام، المؤتمر العالمی للإمام الرضا علیه السلام، مشهد المقدسة، 1406 ق.

54. فلاح السائل، سید علی بن طاووس (664 ق)، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

55. فوائد رضویه، شیخ عباس قمی، (1359 ق).

56 . قرب الإسناد، عبدالله بن جعفر حمیری (قرن سوم)، تهران، مکتبه نینوی.

57 . قصص العلماء، میرزا محمد تنکابنی (1302 ق)، تهران، انتشارات علمیه اسلامیة، 1396 ق.

58 . الکافی، محمد بن یعقوب کلینی (329 ق)، هشت جلد، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، بیروت، دار الأضواء، 1405 ق.

59 . کامل الزیارات، ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه (367 ق)، قم، کتابفروشی وجدانی، (افست طبع مرتضویه نجف اشرف، 1356 ق).

60 . کبریت الاحمر، محمد باقر بیرجندی (1352 ق)، تهران، کتابفروشی اسلامیة.

61 . کریمه اهل بیت علیهم السلام، علی اکبر مهدی پور، قم، نشر حاذق، 1374 ش.

62 . کشف الغمّة فی معرفة الأئمة علیهم السلام، علی بن عیسیٰ اربلی (693 ق)، دو جلد، تعلیقه سید هاشم رسولی، قم، مکتبه بنی هاشم، 1381 ق.

63 . الکشکول، شیخ یوسف بحرانی (1186 ق)، سه جلد، تهران، مکتبه نینوی.

64 . کلمه طیبه، محدث نوری (1320 ق)، تهران، کتابفروشی اسلامیة.

65 . کمال الدین و تمام النعمة، شیخ صدوق (381 ق)، دو جلد در یک مجلد، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی، 1416 ق.

66 . کنز العمال، علاء الدین متقی هندی (975 ق)، تصحیح و تزییل بکری حیّانی و صفوة السقا، بیروت، مؤسسه رسالت، 1409 ق.

67 . لوامع الانوار، شیخ ابوالحسن مرندی، بازارچه آصف الدولة، 1330 ق.

68 . اللهوف فی قتلی الطفوف، سید علی بن موسی بن طاووس (664 ق)، به اهتمام میرزا عباس منشوری، اصفهان، کتابفروشی اسلامی، 1366 ق.

69 . المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی (280 ق)، تصحیح و تعلیق سید جلال الدین حسینی (محدث)، قم، دار الکتب الاسلامیه.

- 70 . المزار، شیخ مفید (413ق) تحقیق سید محمدباقر ابطحی، قم، کنگره جهانی شیخ مفید، 1413ق.
- 71 . مسار الشيعة في مختصر تواريخ الشريعة، شیخ مفید (413ق)، تحقیق شیخ مهدی نجف، قم، کنگره جهانی شیخ مفید، 1413ق.
- 72 . مستدرک الوسائل، محدث نوری، قم، تهران، مکتبه اسلامیه، 1382ق.
- (مستدرک الوسائل، تحقیق و نشر مؤسسه آل البيت عليهم السلام نیز مورد استفاده قرار گرفت).
- 73 . المصباح (جنت الأمان الواقية و جنت الايمان الباقية)، شیخ تقی الدین ابراهیم کفعمی (905ق)، تهران، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، 1349.
- 74 . مصباح المتهدج، شیخ طوسی (460)، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه.
- 75 . المصنّف، عبدالله بن ابی شیبه کوفی (235ق)، تصحیح عبدالخالق خان افغانی، حیدرآباد هند، چاپخانه عزیزیه، 1386ق.
- 76 . معالی السبطين فی أحوال الحسن و الحسين عليهما السلام، شیخ مهدی حائری مازندرانی (حدود 1300 ق)، تبریز، مکتبه قرشی، 1356ق.
- 77 . معجزات و کرامات ائمه اطهار عليهم السلام، سید میرزا هادی خراسانی، انتشارات داوری، قم، 1417ق.
- 78 . معجم مؤلفی الشیعه، علی فاضل قائینی نجفی، قم، وزارت ارشاد، 1405ق.
- 79 . مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- 80 . مفاهیم يجب أن تصحّح، سید محمد مالکی حسنی، اوقاف دُبی، 1415ق.
- 81 . مقتل الحسين عليه السلام، خطیب خوارزمی (568ق)، دو جلد در يك مجلد، قم، تصحیح محمد سماوی، انتشارات مفید.
- 82 . مکارم الأخلاق، شیخ حسن بن فضل طبرسی (قرن ششم)، قم، انتشارات

- 83 . مناقب آل ابى طالب، ابن شهر آشوب مازندراني (588 ق)، تصحيح سيد هاشم رسولى، قم، انتشارات علامه.
- 84 . منتخب الأنوار المضيئة، سيد على نيلى نجفى (قرن هشتم)، تحقيق سيد عبداللطيف كوهكمري، قم، مطبعة خيام، 1401.
- 85 . منتخب التواريخ، محمد هاشم خراسانى، تهران، كتابفروشى علميه اسلامى.
- 86 . منتهى المطلب، علامه حلى (726 ق)، تبريز، 1316 ق.
- 87 . من لا يحضره الفقيه (فقيه)، شيخ صدوق (381 ق)، چهار جلد، تصحيح و تعليق على اكبر غفارى، قم، مؤسسه نشر اسلامى، 1404 ق.
- 88 . المهذب البارع فى شرح المختصر النافع، ابن فهد الحلى (841 ق)، پنج جلد، تصحيح شيخ مجتبی عراقى، قم، مؤسسه نشر اسلامى، 1407 ق.
- 89 . نجات الأمة، سيد محمد رضا حسيني، قم، 1413 ق.
- 90 . النجم الثاقب، محدث نورى (1320 ق)، مشهد مقدس، كتابفروشى جعفرى، 1361 ش.
- 91 . نقد الرجال، سيد مصطفى تفرشى، قم، انتشارات الرسول المصطفى صلى الله عليه وآله .
- 92 . نوائب الدهور فى علائم الظهور، علامه سيد حسن ميرجهانى، چهار جلد در دو مجلد، تهران، كتابخانه صدر، 1369 ش.
- 93 . وقعة صفين، نصر بن مزاحم منقرى (212 ق)، تحقيق و شرح عبدالسلام محمد هارون، قم، انتشارات كتابخانه آية الله مرعشى نجفى، 1401 ه.ق.
- 94 . وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة، شيخ حرّ عاملى (1104 ق)، بيست جلد، تصحيح و تعليق و تحقيق شيخ عبدالرحيم ربانى شيرازى، تهران، مكتبة اسلاميه، 1403 ه.ق.

پیشگفتار *** 9

احترام به تربت و تبرک به آن *** 10

رمز بقای تشیع *** 12

1. امتیازهای حرم مطهر امام حسین علیه السلام *** 15

زیارت و عزاداری ملائکه در کربلا *** 15

انبیا علیهم السلام و کربلا *** 19

کربلا زیارتگاه انبیا علیهم السلام *** 21

پیش آمدهایی برای پیامبران علیهم السلام در سرزمین مقدس کربلا *** 24

کربلا، محل شهادت و مدفن پیامبران و اوصیا علیهم السلام *** 29

کربلا، محل استجاب دعا و رفع گرفتاریها *** 30

فضیلت عبادت و اقامت و مجاورت در کربلا *** 33

زیارت کربلا *** 35

2. فضیلت تربت امام حسین علیه السلام *** 38

ابتدای آفرینش تربت *** 38

برتری زمین کربلا بر همه زمینها حتی کعبه *** 40

زمین کربلا، قطعه ای از بهشت *** 44

تربت کربلا، خمیرمایه وطنیت بدن شریف امام حسین علیه السلام *** 46

تبرک فرشتگان و حوران بهشتی به تربت کربلا *** 51

احترام حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به تربت *** 52

روایتهای اهل تسنن در این زمینه *** 53

كلام امير المؤمنين عليه السلام درباره كربلا *** 55

3. استشفای به تربت *** 57

فضیلت استشفای به تربت كربلا *** 58

ص: 145

شرایط تأثیر تربت *** 61

آداب و دعاهای استفاده از تربت *** 66

چند روایت در استشفای تربت *** 72

4. تحصیل امنیت با تربت کربلا *** 74

5. گذاشتن تربت همراه با میّت *** 78

6. سجده بر تربت *** 80

سجده بر خاک *** 80

سجده بر تربت امام حسین علیه السلام *** 81

مُهر تربت *** 85

7. فضیلت تسبیح تربت *** 87

8. حدّ حرم امام حسین علیه السلام *** 91

9. مطالبی گوناگون درباره تربت و کربلا *** 95

نام کربلا در قرآن *** 95

خرید و فروش تربت *** 97

تربت و برکت *** 97

عزاداری حیوانات در کربلا *** 97

پاکیزگی و صفای خاک کربلا *** 98

اشک امام علیه السلام *** 98

خریداری زمین کربلا توسط امام حسین علیه السلام *** 99

تهیه قبر امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا به دست پیامبر صلی الله علیه و آله *** 100

بوی سیب از قبر امام حسین علیه السلام *** 100

ترتیبی که جبرئیل علیه السلام آورده نزد ائمه علیهم السلام است *** 101

و جوب احترام تربت کربلا *** 102

نماز مسافر در حرم امام حسین علیه السلام *** 102

خراب کردن حرم مطهر *** 103

ص: 146

10. تربت در کتب فقهی *** 104
11. داستانهای درباره تربت و کربلا *** 108
1. تربت دلیلی بر حقانیت آیین ما *** 109
2. شفای شریف حجاز و شیعه شدن او *** 111
3. سزای استهزا به تربت *** 112
4. اثر بی احترامی به قبر سیدالشهدا علیه السلام *** 114
5. روش بزرگان در احترام به خاک کربلا *** 115
6. نتیجه کوتاهی در حفظ و احترام مُهر تربت *** 116
7. مداوا به تربت و نتیجه استخفاف به آن *** 117
8. سر مه کشیدن به تربت *** 118
9. آرام شدن تلاطم دریا به تربت *** 119
10. حفظ آبرو به واسطه تربت *** 121
11. حل مشکل به سبب تربت *** 122
12. تربت خونین *** 123
13. خرید و فروش تربت *** 124
14. مجاورت کربلا *** 126
15. میزبان کریم و مهمان گنهکار *** 127
16. پناه بی پناهان *** 128
17. کربلا محل امن و امان *** 129
18. ارزش دفن در کربلا *** 130
19. به سوی قبله دلها، امام حسین علیه السلام *** 131

20. نجات از گرفتاری ها، بیماری ها و گمراهی ها با تربت *** 132

21. اثر احترام به تربت سیدالشهدا علیه السلام *** 134

دو نکته ضروری *** 135

کتابنامه *** 137

ص: 147

KHAKE BEHESHT

Soil of the Paradise

:A Study on

The History, Advantages and Properties

of the Sacred Soil of Imam Hossain's Site of Martyrdom

:By

MAHDI SADRI

IRAN - Qom

1998 - 1419

ص: 148

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

